





## پنجمین همایش کتاب سال حوزه در قم برگزار می‌شود

پنجمین همایش کتاب سال حوزه در قم برگزار می‌شود. این همایش برای تشویق و ترغیب مساجیان آثار و اهل قلم و برای قدردانی از آنان روز چهارشنبه بیستم اسفندماه در محل تالار همایش مدرسه علمیه دارالشفا برگزار خواهد شد.

## رقابت قلم‌ها در توصیف واقعه کربلا

مسابقه شهیدای کربلا توسط فرهنگسرای جوان برگزار می‌شود. واحد مذهبی فرهنگسرای جوان در ده هجدهم محرم، طرحی از ایام مختلف شخصیتی و اجتماعی شهیدای کربلا را به صورت مجزوه‌ای در اختیار علاقه‌مندان به شرکت در این مسابقه قرار داد و آنان با دریافت این مجزوه در مسابقه شهیدای کربلا شرکت کنند و پاسخ خود را تا ۲۳ اسفندماه به این واحد تحویل دهند.

## در کتاب تازه محمدحسن فضل‌الله عنوان شد: داستان نویسان با تخیل خود

## از واقعه کربلا ننویسند

نگاهی اسلامی به واقعه کربلا جدیدترین کتاب محمدحسین فضل‌الله مرجع عالiquدر شیعه در لبنان منتشر شد.

به نوشته روزنامه السفير، فضل‌الله در این کتاب به موضوع عاشورا به عنوان موضوع و مناسبتی اسلامی توجه دارد و معتقد است که این واقعه یک مناسبت اسلامی است که تمامی مسلمانان صرف نظر از مذاهبان بدان یاد دارند.

وی در بخش دیگری از سخنانش گفت:حالا پس از گذشت سیزده قرن و نیم باید بیشتر و بیشتر به اوج این فاجعه انسانی توجه نشان دهیم و درباره عاشورا تحقیق کنیم.به نوشته السفير، فضل‌الله بر این باور است

که هر شعر، اثر و داستانی که درباره این واقعه نوشته می‌شود نباید استفاده از تخیل خلق قلم کتاب نگاهی

اسلامی به واقعه کربلا در قطع جیبی و ۷۰صفحه توسط انتشارات الملاک لبنان منتشر شد.

### نشست مرکز نشر میراث مکتوب

از سلسله نشست‌های علمی، پژوهشی و نقد و بررسی کتاب مرکز نشر میراث مکتوب دهمین نشست تحت عنوان نقد و بررسی کتاب جامع‌التراویح رشیدی در روز دوشنبه (۱۷ اسفند) برگزار شد.

از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

## بیش از ۱/۲ میلیون نسخه کتاب به مراکز فرهنگی و کتابخانه‌های عمومی اهدا شد

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از ابتدای سال جاری تا پایان بهمن ماه، بیش از یک میلیون و ۲۳۰هزار نسخه کتاب به مراکز فرهنگی، آموزشی، مذهبی و کتابخانه‌های عمومی کشور اهدا کرد.

به گزارش روابط عمومی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در فهرست مراکزی که بیشترین تعداد کتاب را دریافت کرده‌اند، کتابخانه‌های عمومی شهرستان‌ها با ۲۳۰هزار، کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد با ۲۰۰ هزار و وزارت آموزش و پرورش با ۱۲۶ هزار نسخه قرار دارند.

همچنین در یازده ماه گذشته، نزدیک به ۳هزار کتاب در شمارگان یک میلیون و ۶۰۰هزار نسخه توسط معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از مؤسسه‌های انتشاراتی خریداری شد.

## تقدیر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از اصحاب فرهنگ و هنر

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به نشانه قدردانی از سال‌ها تلاش و پایداری اصحاب فرهنگ و هنر از یک هزار نفر از هنرمندان تئاتر، موسیقی، هنرهای تجسمی، نویسندگان، مؤلفان، مترجمان، پژوهشگران، ناشران و خادمان قرآنی که در طول بیست و پنج سال گذشته آثار ارزشمندی به جای گذارده‌اند قدردانی کرد.

به گزارش روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی احمد مسجدجامعی همچنین طی پیامی با گرامیداشت خاطره بیست و پنج سال پرروزی انقلاب اسلامی از تلاش و پایداری اهالی فرهنگ و هنر تقدیر کرد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش دیگری از تقدیرنامه خود فروغ فرهنگ و فرازآنگی ایرانیان را همواره گرمابخش دل و دیده جهانیان خواند و تصریح کرد: راز ماندگاری و جاودانگی فرهنگ و هنر ایرانی، ایمان و جان‌مایه آن عشق است.

**دبیر هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور:**

### باتصویب قانون جدید، مشکلات کتابخانه‌های عمومی کشور حل می‌شود

مشکلات کتابخانه‌های عمومی با تصویب قانون جدید که در مجلس بررسی است، حل خواهد شد.

حسین ملک‌احمدی با بیان این مطلب افزود: در این قانون واگذاری امور به بخش خصوصی، تجهیز کتابخانه‌های عمومی، به توجه به حقوق کارکنان کتابخانه‌ها و تأمین اعتبار لحاظ شده است. وی تصریح کرد: در صورت تصویب نهایی، این قانون از نیمه دوم سال آینده در کشور به اجرا در می‌آید و با حمایت دولت از آن بخش عمده‌ای از مشکلات کتابخانه‌های عمومی

معاون حفظ و احیای میراث فرهنگی استان تهران از قرارگرفتن بیش از ۳۵

خانه و محل مسکونی در فهرست آثار تاریخی فرهنگی شهر تهران خبر داد. «اسکندر مختاری» در گفت‌وگو با ایرنا گفت: این خانه‌ها در مناطق یک، یکش، هفت، ۱۲ و ۱۳ شهر تهران شناسایی شده و تمامی مراحل مستندسازی و بررسی‌های کارشناسانه بر روی آنها انجام گرفته است.

وی افزود این خانه‌ها از جنبه‌های معماری، قدمت تاریخی و همچنین به دلیل اینکه تعدادی از آنها محل زندگی چندی از ادیان معاصر و چهره‌های شناخته‌شده اجتماعی و سیاسی کشور به‌شمار می‌روند، در فهرست آثار تاریخی فرهنگی شهر تهران قرار گرفته‌اند.

این کارشناس فرهنگی خانه‌های تاریخی شناسایی شده در منطقه یک تهران را شامل خانه‌های «جلال آل احمد» و «اسمین دانشوره»، «دکتر حسایی»، «دکتر خلیل تقی»، «فرهام»، «میخ عرخل» و «اعلاء» ذکر کرد.

وی افزود: خانه‌های شناسایی شده در منطقه شش تهران «خانه‌های «دکتر

## افزایش سالانه ۱۵۰ هزار نسخه کتاب به کتابخانه‌های آستان قدس رضوی

هر ساله حدود ۱۵۰ هزار نسخه کتاب به کتابخانه‌های آستان قدس رضوی افزوده می‌شود که از این تعداد یکصد هزار جلد کتاب خریداری شده و بقیه اهدایی است.

به موجب این گزارش با توجه به علاقه‌مندی و ارادت مؤلفین، مترجمین، ناشران و دست‌اندرکاران کتاب به بازگه محور رضوی و در اجرای این سنت حسنه وقف کتاب، بخش قابل توجهی از منابع مطالعاتی کتابخانه‌های آستان قدس رضوی از طریق اهدا تأمین می‌شود.

به موجب این خبر، اهدای ۸۸۶نسخه کتاب در

## بامضای یک نغمه‌نامه صوت گرفت

### آغاز همکاری کتابخانه‌ای ایران و اتحادیه صربستان و مونتنگرو

کتابخانه‌های ملی ایران و اتحادیه صربستان و مونتنگرو نغمه‌نامه همکاری ۱۲ساله امضا کردند. بر اساس این نغمه‌نامه که به امضای محمدکاظم موسوی بجنوردی و سران او گرچبیچ، رؤسای کتابخانه‌های ملی دو کشور رسید، طرفین به صورت مستمر به تبادل کتابت شناسی‌های ملی می‌انجام بهترین منابع اطلاعاتی در زمینه انتشارات ملی اقدام خواهند کرد.

همچنین امتداد بین‌المللی کتابخانه‌ای و توسعه برنامه‌های بین‌المللی دسترسی جهانی به انتشارات (UNIP) و افزایش بین‌المللی کتابخانه‌ها (از دیگر موارد این نغمه‌نامه است.

بر اساس ندغهای دیگری از این نغمه‌نامه، بر اساس اسناد تاریخی و فرهنگی موجود در کتاب و کتیاب، تبادل اطلاعات، تهیه و ارسال آثار قدیمی و تولید شده، دعوت طرفین به همایش‌ها و نمایشگاه‌های بین‌المللی و استفاده از تجربیات در زمینه آموزش کتابداری و ادامه تحصیلات تکمیلی تأیید شده است.

## خانه ۳۵ چهره سیاسی و ادبی معاصر اثر ملی شد

بروییعی، «دکتر مصدق»، چندین خانه باارزش تاریخی در خیابان فلسطین و خانه هنرمندان است. خانه‌های «امیر خسروافشار» «مقیود»، «اعلم‌الطیغه» «امیربهادر» «تیس الدوله»، «هنزاده» «پروفسور عدل»، «قوام الدوله» «ضریبی» «مقدم» و خانه «ملیحه گلستانه» از جمله خانه‌های شناسایی شده در پایتخت هستند.

معاون حفظ و احیای آثار تاریخی استان تهران افزود: در منطقه ۱۲، خانه‌های «آیکار» «اتحادیه»، «امام جمعه خوبی» «خانه پدروی جلال آل احمد»، «رضاخان»، «سید جلال‌الدین نهرانی»، «اصالح هدایت»، «سپا»، «عامری» «مدرسه» «امینتی‌العمالک»، «مؤتمن الاطباء» خانه «ناصرالدین میرزا» شناسایی شده‌اند.

وی تنها خانه تاریخی قرارگرفته در فهرست آثار تاریخی شهر تهران در منطقه ۱۳ را خانه «امین القصاب» دانست.

این کارشناس فرهنگی افزود: تمامی خانه‌های یادشده مربوط به دوره قاجاریه یا پامعاصر هستند.

## آمار صدور مجوز کتاب در هفته منتهی به اسفندماه

از سوی هیأت نظارت بر اجرای ضوابط نشر کتاب آمار موسوم به صدور مجوز کتاب در هفته منتهی به ۱۸/۱۲/۱۳۸۶ اعلام شد.

به گزارش خبرخنده این هیأت، مجوز قبل از چاپ امضا شده کتاب در این هفته ۵۰۶ عنوان اعلام شده که نسبت به هفته قبل ۳۹۵ درصد رشد داشته است. بر اساس این گزارش آمار موسوم به کتاب‌ها به شرح زیر می‌باشد:کتاب درسی، آموزش ۲۵۲۹ (درصد)، دانشگاهی (۱۳۳۰ درصد)، ادبیات (۱۹۳۶ درصد)، علوم اجتماعی (۱۷۶۶ درصد)، دین و فلسفه (۷۱۵ درصد)، روان‌شناسی (۲۷۴ درصد)، علوم سیاسی (۳۷۵ درصد)، تاریخ و جغرافیا (۳۷۵ درصد)، گفتنی است در هفته مزبور تعداد ۴۰۲ عنوان کتاب چاپ شده (اهم از اول) با چاپ‌های بعدی در دیرخانه هیأت نظارت بر اجرای ضوابط نشر کتاب اعلام وصول شده است.

### تسلیت

**همکار کرامی**
**سرکارخانم معصومه انصاریان**
مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمنا تن تسلیت می‌گویم.
**مهدی حجوانی**، **حسین نکایی**، **حسین نوروزی**
**تحریریه کتاب ماه کودی و نوجوان**



## دانش

مجید فروزی



**فرهنگ بزرگ سخن** از هشت سال فعالیت بیش از یکصد تن از مولانان، مترجمان، ویراستاران، مشاوران به سرپرستی دکتر حسن انوری سال گذشته در هشت جلد از سوی انتشارات سخن منتشر شد. این فرهنگ بزرگ شامل همه واژه‌های سیر تحول واژه‌ها را از قرن سوم و چهارم هجری تا امروز شامل می‌دهد. فرهنگ بزرگ سخن در طول سال گذشته بارها مورد تقدیر و ستایش قرار گرفت و جایزه جشن زبان کتاب سال ۱۳۸۳ و دریافت گروه حلالا که فرهنگ سخن ۸ جلدی به جای دوم اسرارشان می‌دهد. فرهنگ بزرگ سخن در طول سال گذشته بارها مورد تقدیر و ستایش قرار گرفت و جایزه جشن زبان کتاب سال ۱۳۸۳ و دریافت گروه حلالا که فرهنگ سخن ۸ جلدی به جای دوم رسیده است، جشن رونمایی دومین فرهنگ اولی سلسله فرهنگ‌های سخن با عنوان فرهنگ فشرده سخن در دو جلد با حضور مؤلفان، ناشران، اعالی فرهنگ و پژوهشگران در هتل لاله برگزار شد و در این مراسم دو دکتر سخن انوری جشن رونمایی فرهنگ بزرگ سخن و فرهنگ کودکان را در پایان سال ۸۳ تویید‌داد.

### نهاددیرپای فرهنگ سخن

در ابتدای این مراسم علی اصغر علم، مدیر انتشارات سخن درباره فرهنگ سخن سخنانی را بیان کرد.

اصولاً انتشار فرهنگ‌ها و فرهنگ‌نامه‌ها از دودگاه محل تأمل است. از لحاظ علمی از حیث اجراء و طبع و نشر، اثر علمی تهیه در تدوین فرهنگ‌ها، دانش بسیار، تتبعات عمیق، فرجه سرشار، احاطه همه جانبه و روشمند و روش‌شناسی بسیار دقیق اقتضا می‌کند و به لحاظ اجراء نیازمند برنامه‌ریزی متقن، زمان و فرصت بسنده و محاسبات دقیق و محوری بسیار کلان و توان و طاقت بیش از حد و اندازۀ است. در هر دو زمینه تنها همت شوگ و عظیم و اراده خلیل‌نایب انسان‌ها را درنگنا بخواهد بود. زیرا امکانات صرف‌مادی به تنهایی چاره‌ساز نیست و مدیریت قوی و انگیزه‌های والا و نیرومند لازم است که به این ظرفیت‌ها جهت دهد. معنا و مفهوم پیچیده و نامتأیید کار را به ثمر برساند. ابتدا گفتن ما بر این امر که این کار ظرف ۵۳ تا ۳ سال پایان می‌پذیرد اما اکنون پس از ۸۰ سال هنوز به انجام نرسیده است و امیدواریم بتوانیم فرهنگ‌های یک جلدی و جیبی را نیز با پایان سال ۱۳۸۳ منتشر کنیم البته طرح ابتدای این پروژه نزدیک ۱۰ سال به درازا کشیده و هزینه آن همه‌دها برابر افزایش یافته است. این نکته نیز واقعیت که فرهنگ‌نویسی کوشش پرپیامی بلند و پاینده به‌طور مستمر ادامه‌یابد و حاقق هر چند سال یک بار با پیرایش جدید همراهِ باشد و با حق پاری می‌طلبیم که پای همت‌مان را در این امر مست نگرانند.

### فرهنگ فشرده جامع زبان فارسی

سپس دکتر حسن انوری، درباره انتشار سلسله فرهنگ‌های سخن و وضعیت زبان فارسی و رشته زبان و ادب فارسی در دانشگاه‌های سخرانی کرد. فرهنگ فشرده سخن که امروز انتشار آن اعلام می‌شود معلوم می‌واژه‌ها، اصطلاحات علمی و مترجمات روز زبان فارسی است. علاوه بر آن واژه‌های قدیمی را که در مئون معیار زبان فارسی آمده است می‌توان در آن پیدا کرد. از این رو هم نیاز کسانی را که در روزنامه‌ها، تلویزیون، رادیو و دیگر رسانه‌های جمعی به واژه‌های ناآشنا بر می‌خورند برآورده می‌کند و هم نیاز آنان را که در متن‌های روزگاران نامأنوس می‌یابند، به تعبیری آن را می‌توان فرهنگ فشرده جامع زبان فارسی نامید. از آن جهت فشرده‌یامده که مستندات واژه‌ها سخن شاعران را در آن نیازند.مجموعتین واژه‌هایی را که به‌طور قیاسی می‌شوند و به فرسی زبانی کتایش، تحصيلات اندک و با ش‌زبانی می‌تواند مفهوم آن را در یابد یا خود آن را بسازد. نیازورده‌ای، البته معنی این عناصر از معانی اصیل دور شده و معنای جدیدی یافته‌اند که طبعاً در

فرهنگ‌ها باید سایه و ما هم آورده‌ایم. نکته دیگر این است که فرهنگ فشرده سخن دومین فرهنگ از سلسله فرهنگ‌های سخن است. خواست و آرزوی من این بود است که تا یابندی بر سخن استاد مینوی است، ممکن است ۱۰ هزار واژه قدیم یا جدید از ما فوت شده باشد. اما این مقدار واژه پاسخگوی نیاز امروز نیست. در یک کتاب علمی در هر صفحه به دهها واژه خارجی برخورد می‌کنید. نتیجه آنکه زبان فارسی فقط می‌تواند به عنوان یک زبان فرهنگی بانی بماند و تعرص و داستان به وجود آورد. دیگر هیچ‌ساخت‌های دنیای جدید و علوم جدید را نمی‌تواند بماند.

دنیای امروز چنان زیر سلطه زبان انگلیسی است که فاصله زبان فارسی و زبان‌های دیگر با این زبان دریاقتی نیست. واژگان زبان انگلیسی امروز به یک میلیون رسیده و هر ماه ۱۳ هزار واژه به زبان انگلیسی افزوده می‌شود. یعنی زبان انگلیسی در عرض چند ماه به اندازه کل واژگان زبان فارسی، واژه تولید می‌کند. علت معلوم است. دنیا یا شتابی حیرت‌انگیز در

حیطه علوم و فون و اطلاعات به پیش می‌تازد و در این تازش هر کس در هر جای دنیا که رسیده، جایی می‌سازد یا نکته‌ای کشف می‌کند برای اینکه بتواند آن وسیله یا نکته را به جامعه جهانی عرضه کند و آن را به انگلیسی نامگذاری می‌کند و در این میان ما غافلیم که ماه بقا و سرمایه حیثت ما همین زبان فارسی است. به ایران علاقه‌مند هستند. آنان که زبان فارسی را می‌بایه بقا می‌دانند، آنان که به سرتوشش این ملت می‌اندیشند، باید بچراهی بیندیشند. باید معضراته از وزارت علوم خواست تا از موزن سراسری را با وضعیت موجود موافق کند. نتیجه این از موزن این است که در دانش‌آموزان از سال اول دبیرستان به جای فکر کردن نوشتن به دست‌نویس می‌پردازند. انتخاب دانشجو را باید به دانشگاه‌ها واگذار کرد و دانشگاه‌ها باید مطابق آنچه در جهان مرسوم است دانشجو انتخاب کنند. وزارت آموزش و پرورش باید



ارزشی برای ما قائل باشد. به خاطر این آثار خواهد بود. علاوه بر اینکه زبان فارسی مایه قوم‌ملت ایرانی است، یگانه وسیله ارتباط اقوام ایرانی نیز هست. این زبان نجیب و شریف امروز از داخل و خارج مورد حمله است. کتابی که ۵۰۰ سال پیش با ۲ هزار شمارگان به این زبان چاپ می‌شد، امروز که جمعیت سه برابر و تعداد پاس‌پورتن چند برابر شده، باز با همان شمارگان چاپ می‌شود. ششده کاتبه درسی دبیرستان سال‌ها پیش و ساده‌تر از آن امروز در دانشگاه تدریس می‌شود و باز دانشجو نمی‌فهمد. فاجعه است. دانش‌آموزان با هفت درصده معلومات دبیرستانی می‌توانند وارد رشته زبان و ادبیات دانشگاه‌ها شوند و این اگر در مورد دانشگاه‌های دولتی کاملاً صادق نباشد، درباره دانشگاه‌های غیردولتی کاملاً صادق است که مناسفته جز اخذ شهریه کلان سودای دیگری ندارند و نتیجه آن است که شما در کلاس‌های رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه‌های می‌یابید که به اندازه یک دانش‌آموز عرب کلاس پنجم ابتدایی سود فارسی ندارند و مخصوصاً با از موزن سراسری که برگزار می‌شود جز عده معدودی که به خاطر علاقه شخصی وارد این رشته می‌شوند، اکثر از نوشتن چند سطر مطلب عاجزند. از موزن سراسری در کنار دانشگاه‌های بزرده دانشگاه‌های غیردولتی بزرگترین تعلقه و راه زبان فارسی می‌زند. از موزنی که گویا قصد از آن کشش و خاموش کردن چراغ استعداد و تفکر و نوسندگی و در عوض پروردن استعدادت‌ت‌زنی است

که معلوم نیست جز در آن از موزن در کجای دیگر به درد زدنگی می‌خورد. این باطنی است که ما از زورق نامی‌زادیم. به علت عجز از روختن برنامه‌های درست دانشگاهی بر سر زبان فارسی می‌آوریم و به افروزی به عنوان متولی زبان فارسی مذکور کارشناسی می‌دهیم که به علاوه‌ای به آن دارند و نه مایه لازم و آنگاه غافلیم که زبان فارسی از خارج نیز با چه تهدیدهایی روبه‌روست.

سال‌ها پیش نادران محبتی مینوی گفته بود که در زبان فارسی ۴۰ تا ۷۰ هزار واژه وجود دارد. تعداد واژه‌های بسیار در فرهنگ بزرگ سخن ۶۶ هزار واژه است که تا یابندی بر سخن استاد مینوی است، ممکن است ۱۰ هزار واژه قدیم یا جدید از ما فوت شده باشد. اما این مقدار واژه پاسخگوی نیاز امروز نیست. در یک کتاب علمی در هر صفحه به دهها واژه خارجی برخورد می‌کنید. نتیجه آنکه زبان فارسی فقط می‌تواند به عنوان یک زبان فرهنگی بانی بماند و تعرص و داستان به وجود آورد. دیگر هیچ‌ساخت‌های دنیای جدید و علوم جدید را نمی‌تواند بماند.

دنیای امروز چنان زیر سلطه زبان انگلیسی است که فاصله زبان فارسی و زبان‌های دیگر با این زبان دریافتی نیست. واژگان زبان انگلیسی امروز به یک میلیون رسیده و هر ماه ۱۳ هزار واژه به زبان انگلیسی افزوده می‌شود. یعنی زبان انگلیسی در عرض چند ماه به اندازه کل واژگان زبان فارسی، واژه تولید می‌کند. علت معلوم است. دنیا یا شتابی حیرت‌انگیز در حیطه علوم و فون و اطلاعات به پیش می‌تازد و در این تازش هر کس در هر جای دنیا که رسیده، جایی می‌سازد یا نکته‌ای کشف می‌کند برای اینکه بتواند آن وسیله یا نکته را به جامعه جهانی عرضه کند و آن را به انگلیسی نامگذاری می‌کند و در این میان ما غافلیم که ماه بقا و سرمایه حیثت ما همین زبان فارسی است. به ایران علاقه‌مند هستند. آنان که زبان فارسی را می‌بایه بقا می‌دانند، آنان که به سرتوشش این ملت می‌اندیشند، باید بچراهی بیندیشند. باید معضراته از وزارت علوم خواست تا از موزن سراسری را با وضعیت موجود موافق کند. نتیجه این از موزن این است که در دانش‌آموزان از سال اول دبیرستان به جای فکر کردن نوشتن به دست‌نویس می‌پردازند. انتخاب دانشجو را باید به دانشگاه‌ها واگذار کرد و دانشگاه‌ها باید مطابق آنچه در جهان مرسوم است دانشجو انتخاب کنند. وزارت آموزش و پرورش باید

برای زبان فارسی اهمیت خاصی قائل شود و تهرای با ضرب ویزه، برای آن در نظر بگیرد. در بعضی از دانشگاه‌های اروپا برای گزینش دانشجو نمره‌های دوران دبیرستان را همراه با نوشتن یک مقاله ملاک قرار می‌دهند. ما باید از وزارت علوم بخواهیم تا در دانشگاه‌ها به زبان فارسی اهمیت بدهد. قبول دانش آموزی که کمتر از ۱۰ نمره می‌آورد، برای رشته علوم ادبیات باید به اینکه دانش‌آموز با نمره زیر ۱۰ قبول شود. این کار خیانت به ملت ایران و به تاریخ ایران و به زبان فارسی است. ایجاد کلاس‌های ۵۰ نفری یا دانشجویی بسواد باید باشد از سوی وزارت علوم ممنوع شود. اینها مسائل مهمی است. مناسفته‌ها معادت کرده‌ایم به تربیت عکس اهمیت علوم به آنها اهمیت بدهیم و استفا بر اینک تربیت لسل جوان را هم چکی از امور کم‌اهمیت بدانیم. سینه ملامان دره است ای دروغا مرهسی.

### بهار دانشنامه و دبیره المعارف

در ادامه دکتر علامعلی جاهد، مدیر رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی با تبریک انتشار فرهنگ فشرده سخن و رونمایی روایت دیگری از فرهنگ بزرگ سخن با اشاره به به‌ای از سوره ابراهیم گفت: فرهنگ سخن ریشه‌دار، شایع و پرگ در هوا افتاده و هر سال ثمر جدیدی می‌دهد.

جاهد عارف با اشاره به قدرشناسی از فرهنگ سخن افزود جامعه ما قدرشناسی خود را از کتب مؤلف داشتند و آن ناش از همت در یک سال گذشته نشان داد. همین که این فرهنگ عرضه شد و به سبب جدید رسید، ناشنکر آن است که اگر کاری درست و اصیل انجام شود، دولت و ملت از آن قدرنای خواهند کرد. در طول سال گذشته شاهد انواع قدرشناسی‌ها بودیم. در نمایشگاه بین‌المللی کتاب براسمی ویژه فرهنگ سخن



سپس از هشت سال

# جشن رونمایی و قدرشناسی از فرهنگ فشرده سخن

برگزار شد و فرهنگ سخن به عنوان کتاب سال ۱۳۸۲ در بخش زبان انتخاب شد و نشریاتی مانند کتاب هفته که به کتاب می‌پردازند نیز آن را دانشند. فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز به پاس خدمات دکتر حسن انوری از وی دعوت کرد تا به عنوان عضو پورسته فرهنگستان همکاری در ایشان پذیرفت. اطمینان داریم که همه ما بویژه دکتر علی اشرف صادقی عضو پورسته دیگر فرهنگستان که سال‌هاست برنامه جامعی برای فرهنگ جامع زبان فارسی دارد، از همکاری و تجربه دکتر حسن انوری بهره‌مند خواهیم شد.

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی با اشاره به گذرش دایره‌المعارف، دایره‌المعارف بزرگ دانشنامه‌ها و دایره‌المعارف‌هاست. دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه جهان اسلام، دایره‌المعارف شیع، فرهنگانه کودکان و نوجوانان و بسیاری از دانشنامه‌ها دایره‌المعارف‌ها در رشته‌های مختلف فلسفه، علوم عقلی، فقه و هنر، از بیانات، دفاع مقدس و… تهیه می‌شوند و جوانان بااستعدادی که در این ۲۵ سال قدم به عرصه گذاشته‌اند، زیر نظر استادان با سابقه این تحول فرهنگی را ایجاد می‌کنند. نو تک‌فهرستی کتاب مرجع بنیاد دایره‌المعارف اسلامی ۱۰ هزار عنوان کتاب مرجع وجود دارد و این جای خوشحالی است.

وی با اشاره به وضع ناایمانان زبان فارسی اظهار کرد: امروز زبان فارسی و خط فارسی در تبلورهای تبلیغاتی تهدید می‌شود. البته ما وظیفه داریم و تلاش می‌کنیم اما از همه آنهایی که قلمی در دست دارد و جایی برای نشر فکر خود پیدا می‌کنند می‌خواهم که به وضع افتخارناک تبلورهای تبلیغاتی بر در و دیوار شهر که انگار از زبان فارسی ناآلوده می‌کنند، اعتراض و انتقاد کنند و این موضوع باید به یک قضایای استعجابی از جنبهٔ اهل اعد و فرهنگ مدخل شود. اهل و فرهنگ کاری کنند که استفاده از لغت و خط یک‌نگه به صورت یک عمل تنگین در جامعه جلوه کند، باعث افتخار نباشد، بلکه موجب شرمساری باشد.

سپس دکتر ابراهیم باستانی پارویی در سخنانی کوتاه از دشواری کار فرهنگ‌نویسی گفت و مراسم فرهنگ‌نویسی را کاری سهل و مستع خودی و در پایان مراسم سخنران با یکدیگر گفت‌وگو هم‌آموزی کردند.

### برداشت‌ها

آثار انتشارات سخن از جمله مجموعه شعر معاصر، مجموعه آثار محمدعلی جاهد، آثار دکتر عدالحسین زبیرن کوب، مجموعه از میراث آثار فارسی، فرهنگ سخن و فرهنگ فشرده سخن برای فروش در این مراسم عرضه شد. در میان آثار کتاب عشق همیشه نهایست گزیده اشعار سهراب سپهری با ترجمه انگلیسی کریم امامی و تریب‌اند شکسته (شرح توضیحی و تحلیلی دفتر اول و دوم مشرق) اثر دکتر عدالحسین زبیرن کوب نیز از نادرترین آثار سخن بود. تریب‌اند شکسته همان کتابی است که سال‌ها پیش دکتر زبیرن کوب نقد داشت. به نام تریب‌اند آسمان منتشر کنند اما به دست ناشرانوردی افتاد تا اینکه دکتر زبیرن کوب در سال‌های پانینی عمر خود یادداشت‌های خود را مایه‌کرد و مقصد انتشار آن را داشت اما این یادداشت‌ها مایه‌کرد مفقود شد. تا اینکه دکتر قفیر آریان مسعود زبیرن کوب آنها را پیدا کرد و حالا تریب‌اند آسمان به نام تریب‌اند شکسته منتشر شد.

- در این مراسم شجوه‌نامه خاندان علمي که بیش از ۱۷۰ سال در عرصه نشر فعالیت کرده‌اند تهیه می‌شد.

- درآمد حاصل از فروش آثار انتشارات سخن در این مراسم نیز بظرف انجمنهٔ نشران و کارفرمایان صرف

ساخت مجموعه فرهنگ‌های نشران و فرهنگ‌های کودکان می‌شود.

- در پایان مراسم تریب‌سندگان، نشران و وامالی فرهنگ

با یکدیگر دره دل گفت‌وگو کردند و نشران و دکتر حسن انوری عکس یادگاری گرفتند.



دو کتاب منتشر شده است. وی با وجود مشکلات متعدد، سعی دارد هر دو هفته یک بار دوستان فرهنگی خود را گرد هم آورد، نکته جالب توجه دیگر دربارهٔ جوانان فرهنگی رشت، ایجاد نخست این مجموعه فرهنگی با جمعی از ناشران استان است، ناشرانی که مشتاقانه برای انتشار آثار ادبی و فرهنگی با این مجموعه به رایزنی می‌پردازند و… آنچه می‌خوانید، محصول گفت‌وگوی کتاب هفته با دید این مجموعه است.

## گفت و گو با امیر روشن بخش قنبری ، دبیر انجمن جوانان فرهنگی رشت

# می‌مانیم و می‌نویسیم

چرا ایجاد مجموعه‌های فرهنگی اهل قلم در شهرستان‌ها، غیرممکن به نظر می‌رسد؟

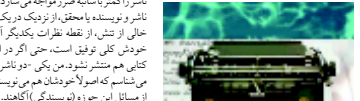
شاید در نگاه نخست، همین طور باشد. که شما می‌گویید، اما در عمل اگر قدم‌های محکمی برداشته شود، دیگر واژهٔ «غیرممکن» غیرمعنی به نظر می‌رسد. اولین نیت شما خواهم بگویم هیچ مشکلی نیست. اولین نیاز یک مجموعهٔ فضای مناسب است؛ فضایی که حداقل امکانات را داشته باشد. به استفاد من در شهرهای دیگر هم جوان‌ها فکر و اهل قلم می‌توانند با مراجعه به مسئولان فرهنگی شهر، برنامه خود را ارائه کنند و فضایی تشکیل چنین مجموعه‌هایی را بدهند.

آیا در «رشت» انجمن‌های فرهنگی دیگری هم هست؟
بله، انجمن‌های ادبی و فرهنگی دیگری هم قبل از ما تأسیس شده که اعضای هم دارد، ضمن اینکه گاهی خود ما به آن انجمن‌ها می‌رویم، افرادی از آن مجموعه‌ها هم گاهی به جمع ما می‌آیند و گفت‌وگوهایی صورت می‌گیرد. ما در مجموعه‌ای که تشکیل داده‌ایم، به هدف اصلی خود، یعنی هم‌دلی در کار هنرمانی و تقویت بررسی آثار یکدیگر، رسیده‌ایم. بعضی از همین آثار که به قول مستفاد، چشکی کاری داشته‌اند، خود را به چاپخانه رساندند و اصفاً آثار نیمه موقفی هم از آب درآمدند… گاهی با همین اعضا، جلسات خود را در فضای باز برگزار می‌کنیم، چند دوست ناشر هم بنا به تمایل خودشان در جمع ما حاضر می‌شوند و آثار تازه‌ای را منتشر کرده‌اند، به ما معرفی می‌کنند.



تشکیل انجمن‌های فرهنگی و ادبی در شهرستان‌ها و ایجاد تعامل و تقانم بین نیروهای مستند و جوان، یکی از کارهای زیربنایی در حوزه فرهنگ است اما مسألهٔ، از سوی متولیان امر در شهرستان‌ها جدی گرفته نمی‌شود. اینکه اهل قلم و کتاب، هفته‌ای یک بار گرد هم بیایند، از مشکلات با نقاط قوت در ادارهٔ فرهنگی شهر خود بگویند، تازه‌ترین رهیافت‌های پژوهشی و ذوقی خود را برای یکدیگر بازگو کنند. و نه تنها از لطف خاصی برخوردار خواهد بود، بلکه به عنوان یک نیاز در جامعه امروز مطرح است و نبود این شکل‌ها، می‌توید خالی از آسیب نیست.

امیر روشن بخش قنبری، نویسنده و محقق ادبی ، از رشت می‌گوید و مجموعه‌ای از جوانان و نیروچانان پرانلاش در حوزه کتاب و ادبیات و فرهنگ. تا به حال از این نویسنده دو کتاب منتشر شده است. وی با وجود مشکلات متعدد، سعی دارد هر دو هفته یک بار دوستان فرهنگی خود را گرد هم آورد، نکته جالب توجه دیگر دربارهٔ جوانان فرهنگی رشت، ایجاد نخست این مجموعه فرهنگی با جمعی از ناشران استان است، ناشرانی که مشتاقانه برای انتشار آثار ادبی و فرهنگی با این مجموعه به رایزنی می‌پردازند و… آنچه می‌خوانید، محصول گفت‌وگوی کتاب هفته با دید این مجموعه است.



کتاب‌های مناسب وجود ندارد. تازه‌ترین کتاب‌ها توسط مسئولان مدرسه خریداری شود، درمساجد ما هم این فکر کتاب هست. مطالعه یک کتاب مناسب در فضای مسجد، خود می‌تواند یک عبادت تلقی شود. در مدرسه هم خواندن یک کتاب غیردرسی، با هدف اصلی دانش آموزان تعارضی ندارد. در همه شهرها ما باید دانش آموزان و شهروندان اهل مطالعه تربیت شوند. و تجربه کار فرهنگی، نشان می‌دهد که این اتفاق، دور از انتظار نیست اما باید همتی در وراي آن باشد. از تعامل اهل قلم شهرستانی با ناشران «صحبت کردیم، به نظر شما مفهوم این تعامل، چاپ آثار جوانان و اهل

تشکیل انجمن‌های فرهنگی و ادبی در شهرستان‌ها و ایجاد تعامل و تقانم بین نیروهای مستند و جوان، یکی از کارهای زیربنایی در حوزه فرهنگ است اما مسألهٔ، از سوی متولیان امر در شهرستان‌ها جدی گرفته نمی‌شود. اینکه اهل قلم و کتاب، هفته‌ای یک بار گرد هم بیایند، از مشکلات با نقاط قوت در ادارهٔ فرهنگی شهر خود بگویند، تازه‌ترین رهیافت‌های پژوهشی و ذوقی خود را برای یکدیگر بازگو کنند. و نه تنها از لطف خاصی برخوردار خواهد بود، بلکه به عنوان یک نیاز در جامعه امروز مطرح است و نبود این شکل‌ها، می‌توید خالی از آسیب نیست.

امیر روشن بخش قنبری، نویسنده و محقق ادبی ، از رشت می‌گوید و مجموعه‌ای از جوانان و نیروچانان پرانلاش در حوزه کتاب و ادبیات و فرهنگ. تا به حال از این نویسنده دو کتاب منتشر شده است. وی با وجود مشکلات متعدد، سعی دارد هر دو هفته یک بار دوستان فرهنگی خود را گرد هم آورد، نکته جالب توجه دیگر دربارهٔ جوانان فرهنگی رشت، ایجاد نخست این مجموعه فرهنگی با جمعی از ناشران استان است، ناشرانی که مشتاقانه برای انتشار آثار ادبی و فرهنگی با این مجموعه به رایزنی می‌پردازند و… آنچه می‌خوانید، محصول گفت‌وگوی کتاب هفته با دید این مجموعه است.



این شهر هم مانند سایر شهرهای دیگر، مقتضیات مربوط به خودش را دارد. در میان هنرهای هفتگانه، خوب‌بختانه با مسأله‌ها، هنرهای تصویری (سینما، تئاتر و…) مستثنی‌هایی بیشتری دارد. اما ادبیات و کتاب با وجود مخاطبان محدودتر، وضعیت بهتری دارد. باید از این حرف من دچار تعجب شوید. دلیل این امر به نظر من، عمق حوزه کتاب و ادبیات است. برخی از آثار ادبی، زمان‌ها، اشعار و… از چند سده پیش، هنوز مخاطب دارند و کمتر کسی را پیدا می‌کنید که محور اشعار و گفته‌های حکیمانه فردوسی و حافظ و… نباشد.

اما از این‌ها همه که بگذریم، کاش فکری شود برای جوانان و نوجوانانی که از استعداد فرهنگی و ادبی برخوردارند و دلشان نمی‌خواهد شهر خودشان را ترک کنند. آنها می‌توانند در زادگاه خود، در کنار درخت همه گیر شده است که عملاً راهی رای جور دیگری باید دید. نگذاشته است و از سوی دیگر چون دامن زندگان به این وضعیت خود را آفرینندگان آن هستند به یکسارت های موجود اجازه ابراز و انتشار نمی‌دهند و همین مصیبت به یکسان شدن وضعیت موجود کمک کرده است. آنچه که این ساختار را ثابت تر و امی گذارد، فقدان معیاری است که به دل‌سوزی سعی در به چالش کشاندن وضعیت موجود باشد. و پیاداست که هر لاشی چه موفق و چه ناموفق نمی‌تواند، به سرانجام واقعی خود دست پیدا کند.

به هر شکل با چنین دیدگاهی سعی کردم در ارائه آثارم تلفیقی از ذهنیت سنتی و تصورات مدرن را ملاحظ فرار دهم و شاید عمده نقدی که بر من وارد است از همین ناحیه ابراز گردید است. در سال ۱۳۸۰گردید‌ای از آثار ما را نام مخاطب منوع به همت نشر ثالث منتشر نمودم که من بر آن وارد گردید‌است.تولسانم برای مجموعه بعد خود با پشتوانه‌ای محکم‌تر حرکت نامیم.

به هر شکل اکنون در آستانه سی سالگی با اندک ضایعی که فراهم آورده‌ام هنوز به اصالت شعر معتمد و در این راه همه تلاش خود را همه نمودم که در اثبات این اصالت رها نمودم.فرد پرادم. در این سال و هوا قصد دارم که ۳۰ کار از تازه‌ترین آثارم در در آینده نزدیک با عنوان احتمالی که باید مورد بررسی و نقد قرار گیرد. همچنین کاری را به عنوان فرهنگ شر شاملم در چند سال اخیر گزاراوری کرده‌ام که هنوز برای انتشار آن فکری نکرده‌ام و این بیشتر به بدقولی دوستان ناشری منم کرد که در یکی دو سال گذشته برخورد مناسبی با این کتاب نداشته‌اند. از فرط بدقولی‌های پیوسته ناچار به بازسی‌گیری این مجموعه شدم. امبدولرم روزی دوباره شعر همسایه با همه مردم ایران‌زمین گردد.

## نامه

**دیدار کوتاه با یک شاعر در اندیشک**

# مجبور شدم پس بگیرم!



برنمی‌خیزدو به همین خاطر است که به تقسیم‌بندی‌های معاصر رغبتی پیدا نکرده‌ام. بر این باور بود‌ام که هر کسی بتواند لحظه‌ای مرا با خود همراه کند و در همنشینی با کلمه کارش قریابت داشته باشم شاعر است. جز این نیست که شعر با همه قدمت تاریخی‌اش همواره سعی در نمایان واقعیت اجتماع خود داشته است و این نمایشی‌گاه به شکل ادبیات حماسی متبلور گشته است و گاه به شکل ادبیاتی از نوع تغزل و تزلازی و طنز و… و اکنون جای این پرسش باقی است که ادبیاتی که اکنون تبلیغ می‌شود با هیچ کدام از زوایای اجتماعی بشری معاصر قریابت ندارد. بر این اعتقادم که ادبیات ما از آسمان به زمین و از زمین به ضمیر آدمی نزول پیدا کرد و این تغییر ارتفاع در ذات آفرینندگان آثار هنری چنان گوناگون و شخصی گردید که آرام آرام شعر به سمت محیطی که هر

بازها در همین صفحه، مطالبی به نقل از دوستان‌ان فرهنگ مکتوب و اهل قلم شهرستانی درج شده که بهترین بخش آن، حرف‌ها و نقطه‌نظرات فرهنگی این دوستان بود. است. از جمله اینکه در شهر محل سکونت آنها، انتشار اولین اثر یک شاعر، نویسنده و پژوهشگر با مشکلات و بیضامواج بزرگی توأم است، با اینکه کتاب‌های جدیدالانتشار به موقع به شهر آنها نمی‌رسند و مجبور می‌شوند به شهرهای چون تهران بیایند، یا وجودی که مشکلات زیادی دارند و…

«اربعان بهناروند» از اشعار آن جوان و مستقدان ادبیات است که در شهر اندیشک و با به تعبیر خودش «دروازه خوزستان» اقامت دارد. در تازه‌ترین نامه‌ای که از این شاعر دریافت کردیم، مطالبی ذکر شده، از جمله اینکه به دلیل فعال نبودن سیستم نشر کتاب در اندیشک، اندیشمنان و اهل قلم جنوبی مجبورند در مرکز (تهران) ناشری را پیدا کنند، خود او در این زمینه حرف‌هایی دارد که بدون مقدمه، شما را به خواندن گریه‌های از این نامه دعوت می‌کنیم.

به قول شماستنامه خوز دیهشت ۱۳۵۳ به دنیا آمدم. در شهری به نام اندیشک که دروازه خوزستان است. تحصیلات خود را در همین شهر به پایان رساندم و برای تحصیلات تکمیلی خود به تهران عزیمت کردم و این عزیمت تلاشی شعر و درس من شد که در نهایت این هنر به قول خواجه نیما از رنج خود و دیگران گفتن مرا به وادی خود سوق داد و در آستانه سیست سالگی مرید شدم و از آن زمان با کلمه زیسته‌ام. اگر چه شعر را از دیگران کلمه خنجام اما از غنیمت حضور برادر و آتیوه کتابخانه‌اش به اندازه کافی سود پروردم. باره‌اندازی محافل هنری شعر و ادب آن سرزمین و همت میان شعرای نوجوان توانستم در ایجاد فضایی خلق تلاش نمایم و در این میان شعر با همه واقعیت‌هایش در ما گره می‌خورد و ریشه می‌دواند، با همه تعلیق خاطر‌ی که به شعر کلاسیک دادمش از ادبیات شعر آزاد شدم و بتدریج آثار خود را در این قالب ارائه دادم و در این مسیر با اکثر نشریات قابل توجه همه هفتاد هم‌کاری نزدیک داشتم. شعر در نظرم من واقعیست است که با آن می‌توان جهان را به تماشا کشاندید و همیشه سعی کرده‌ام حقیقت رها شده در کتاب همسایه نیما را مدنظر قلم دارم. برای من شعر از متن تئوری‌های زجر آزر


**یادداشت**
**خسروناقد**

**نگاهی به ترجمه‌های دکتر عزت‌الله فولادوند درباره کانت**

## آشنای دیرین کانت در میان ما

هده روزپیش از مرگ حکیم بزرگ آلمانی کانت، طیبی او به عبادتش رفت. فیلسوف کهنسال با وجود ضعف و چشمان تقریباً بینا به خود جنید و به احترام تازه‌وارد برخاست و وقتی با سرزنش پوشک مواجه شد، گفت: حسن انسانیت هنوز از من برنخاسته است.»

این جملات درامن پیش از سه دهه پیش از این در سرآغاز مقدمه‌ای که دکتر عزت‌الله فولادوند، بر ترجمه فارسی کتاب «گریز از آزادی، نوشته یوه، هاولند، در واقع آشنایی من با نام و اندیشه‌های امانوئل کانت با کتاب «گریز از آزادی، ریش فروم آغاز شد. البته فروم در این کتاب مطلب چندانی دربارهٔ افکار کانت به میان نمی‌آورد و تنها یک «دو اشاره کوتاه به کانت دارد. یکی آنجا که از اعتقادات کالون می‌گوید و در پانوشته کتاب اشاره‌ای به دستگاه اخلاقی کانت دارد که انسان باید جلوی تمایلات طبیعی خود را بگیرد و با این کار فرامین و جودان اخلاقی خویش را دنبال کند؛ و در جایی دیگر، بدون پرداختن به نظرات کانت، نام او را در کنار نام لوت و کالون و فریود قرار می‌دهد، و معتقد است که در تفکر ایوان این فرضی وجود دارد که «خودخواهی و خویش‌موسنی یکی است»؛ و بعد مسأله خودخواهی را از نظر روانشناسی مورد بررسی قرار می‌دهد.

عظماً همین دو اشاره به کانت موجب شده بود که مترجم در مقدمه‌ای که بر چاپ اول کتاب نگاشته، نه تنها نوشته خود را با نقل جمله‌ای از کانت آغاز کند، بلکه در دفاع از نظرات کانت، در مقام پاسخگویی به انتقاد فروم از نظرات کانت برآید. و هر چند کوتاه به آن پاسخ دهد، دکتر فولادوند می‌نویسد: «استقرار قدرت‌های درونی مانند وظیفه و وجدان البته نه به صورت راستین آنها به جای قدرت‌های درونی چون حکومت مطلقه دین و دولت در اعمار گذشته به عقیده فروم آزادی را

بیشتر در مخاطره قرار داده‌چپ مبارزه بر ضد کسی که علناً بر مردمان بی‌ادگری آغاز کرده، آسان‌تر از سرپیچیدن از احکامی است که همان‌کس به عنوان وظیفه و وجدان زعم فروم آن بوده که آدمیان به تصور تبعیت از قوانین حقیقی اخلاقی، ناانسته آلت مقاصدی مخالف عیادت راستین خود شوند. سوزلنیت این امر را فروم به گردن کسانی چون کانت می‌گذارد. ولی دقت بیشتر یقیناً می‌نوسات آشکار کند که عرض کانت به خلاف

برخی پروان وی در قرن نوزدهم، هرگز آن نبوده که از آدمی آلتی در خدمت هدف‌های مخالف فردیت و خویشی‌خی انسانی بسازد و نظریات او در فلسفه اخلاق همه شاهد این مدعا ست. هر دو صورت حکم اصلی اخلاق در حکمت کانت- یکی همیشه بر دیگران آن روا دار که می‌خواهی بر تو روا دارند.» و دیگری همیشه در آدمیان چون غایبی در خود و نه به عنوان وسیله‌ای برای نیل به هدف بنگرد. همین اشتباه و تضادت غیر منصفانه مدون دره کانت است. این دلیل چنان قوی است که نیازی به ذکر فراین و امارات از زندگی حکیم بزرگ آلمانی و اشاره به آزادمنشی و استقلال فکر او در مراحل مختلف حیات باقی نمی‌ماند. محل تأسف است که به جای استمداد از تعالیم کانت در تأیید مدعیات کتاب، فرآیهٔ مخالف با دوستی بزرگ و عمل‌ناپذیر پرداخته است و در او به چشم انتقاد می‌نگرد. زمانی که این پاسخ کوتاه و استوار دکتر فولادوند را در مقدمه کتاب «گریز از آزادی» می‌خواندم، جوانی بودم که تازه تحصیلات دوران متوسطه خود را به پایان رسانده بود و به شوق ادامه تحصیل در اروپا خود را برای گذراندن دوران سپاهیگری در یکی از روستاهای مکه‌گنوبه و پیراحمد آماده می‌کرد. باری، این اثر فروم نوشته رام شد تا همدم و مونس دوران اقامت در ده باشد. میباحت کتاب فروم و شاید بیشتر از آن ترجمه شیوا و روان دکتر فولادوند مرا به مطالعه این کتاب کشاند. کتابی که در سال ۱۳۳۰م منتشر شده و یونسکر در سال ۱۳۵۰ را به

عنوان ترجمه ممتاز در رشته علوم اجتماعی برگزیده بود. اما آنچه مرا به شخصیت مترجم دلپسته کرد، همین اشارات کوتاه او در مقدمه کتاب بود. بر این جانب و جذاب بود که می‌دیدم مترجم ایرانی اندیشمندی، مقدمه‌ای چنان پر مغز نگاشته و با صراحت و روشنی و منانت به انتقادات محققی غریب پاسخ گفته است. هم‌تراز این همه می‌دیدم که او در مقدمه و نیز در پانوشته‌های کتاب، اندیشه‌های مولانا را به پارمی خوانده و با اشاراتی، خواننده ایرانی را متوجه نزدیکی و شباهت اندیشه‌های اندیشمنان شرق و غرب ساخته



است. اصولاً یادداشت‌ها و مقدمه‌هایی که دکتر فولادوند بر ترجمه‌هایش از آثار اندیشمنان غرب نگاشته است، همه، به رقم اختصار برآمده و سوسندانه، نشان از تسلط و اشراف او بر مسائل فلسفی دارد.

بگذریم که بعدها که با آثار و شخصیت علمی دکتر فولادوند بیشتر آشنا شدم، دریافتم که او نه تنها رساله دکتری خود را در دانشگاه کلیسیا دربارهٔ کانت نوشته است، بلکه یکی از کانت‌شناسان و آشنایان به اندیشه‌های این فیلسوف آلمانی است. گرچه تاکنون ترجمه اثری از کانت در کارنامه درخشان او نیست، اما چند کتاب مهم و مرجع دربارهٔ فلسفه و اندیشه‌های کانت به فارسی ترجمه و منتشر کرده‌است. از آن جمله «فلسفه کانت» اثر اشکان گورنر با مقدمه‌ای علامته و جذاب از مترجم، «اخلاق در فلسفه کانت، نوشته راجر سیلیوان و همچنین مقاله‌ای با عنوان «فلسفه سیاسی



### شاهنامه تاریخ است، نه اسطوره

برای ویرایش آن استفاده شده است. شما نمی‌توانید کنایی نظیر شاهنامه فردوسی را با دود یا سه نسخه از آن ویرایش کنید.

عب دهم، تعداد زیاد ویرایشگران و اطلاعات کم آنها در زبان فارسی است. تعداد زیادی از ویرایشگرانی که برای این امر انتخاب شده‌اند، اطلاعات کافی درباره شاهنامه و فرهنگ ایرانی ندارند. ویرایشگر ابتدا باید دانش خود را بالا ببرد، سپس برای ویرایش یک کتاب تلاش کند. جمع آوری اطلاعات ویراستار، نباید در طی ویرایش باشد.

**بخشی‌ها شاهنامه را به سه قسمت تقسیم می‌کنند: اسطوره، اسانه و تاریخ. نظر شما در این رابطه چیست؟**

این قبیل تقسیم‌ها تصحیح شاهنامه را تغییر نمی‌دهد. آنچه بدان اشاره شد بر پایهٔ آغاز شاهنامه، ادانه آن و رویدادهایی آن است و یک تقسیم‌بندی واضح نیست. اسطوره، تاریخ و الفسانه در شاهنامه جایی ندارند. داستان و تاریخ در شاهنامه به هم آمیخته هستند. ایرانی‌ها هرگز شاهنامه را به عنوان یک اسطوره و نظر نمی‌گرفتند بلکه آن را تاریخ می‌نامیدند. تاکنون که بعد از بیست قرن، فهمیدیم که اسطوره، تاریخ و خیلی چیزهای دیگر جدا از هم هستند. شاهنامه تنها متعلق به مردم ایران نیست، بلکه متعلق به تمام فارسی‌زبانان جهان است.

**آیا گروه یا نهادی در این کار شما را یاری کرده است؟**
در ایران نهادها خیلی به ندرت پشتیبانی از چنین کارهایی برخرج است. در ایران نهادها خیلی به ندرت روی چنین کارهایی سرمایه‌گذاری می‌کنند. من در کارم تنها از دو نفر کمک دریافت کردم، یکی از آنها خودم بودم، من تمام درآمد خود را تدریس را برای این کار خرج کردم و دیگری «امیرات ایران» (Minaret) در ایالات متحده آمریکا بود که کتاب را منتشر کرد.

دکتر جلال خالقی مطلق نامی آشنا در زبان فارسی و ادبیات اراق است. او اکنون در آلمان زندگی می‌کند و در طی ۳۱ سال شاهنامه را ویرایش کرده است. متن زیر نسخهٔ از مصاحبه سایت mehrnews با دکتر خالقی است.

**تفاوت میان ویرایش شما و ویرایش‌های پیشین شاهنامه در چیست؟**
کار من چند خصوصیت دارد. یکی از آنها این است که من در مدت ده سال قبل از شروع ویرایش شاهنامه، نسخه‌هایی از شاهنامه را که در سراسر جهان چاپ شده بود، خواندم. در ابتدا من پنجاه نسخه را مطالعه کردم که از بین آنها پانزده نسخه را برای کارم انتخاب کردم و تمام این نسخه‌ها را خواندم و اولین تلاش من معرفی آنها در اشارات ادبی بود. من از سیستمی به نام «سیستم هشده» در ویرایش استفاده کردم و سعی می‌برای این بود که اجازه ندهم چیزی از بین برود. اشتباه اکثر ویرایشگران شاهنامه در این است که نسخه‌هایی از کتاب را انتخاب می‌کنند، بدون آنکه تحقیق و مطالعه‌ای در این زمینه داشته باشند و تصحیح خود را آغاز می‌کنند. من از هیچ نسخه‌ای در کارم استفاده نکردم مگر اینکه استنادی علمی پشت آن باشد.

**آیا این بدان معناست که کار شما کامل و بی‌عیب است؟**
که چیزی که نباید فراموش شود این است که «تنها خدا کامل و بی‌عیب است». کار من نیز عیب‌های خودش را دارد. با این حال من سعی می‌کنم که آنها را تا حد امکان و به وسیله استفاده از روش‌های علمی ویرایش، کاهش دهم. **نسخه‌ای از شاهنامه که در مسکو به چاپ رسیده، یکی از معتبرترین نسخه‌هاست. نظر شما دربارهٔ آن چیست؟**

اولین عیب شاهنامه مسکو این است که از تعداد کمی از نسخه‌های شاهنامه



کانت در کتاب «خرد در سیاست». وی اثر مستقلی نیز دربارهٔ کانت نگاشته است با عنوان کانت، روشنگری و جامعه مدنی.

دروغ او یکی از بهترین مترجمان متفکر ماست که در شناساندن فلسفه و اندیشه‌های کانت سهمی بسزا داشته است و سزاوار بود که من در گزارا شماره‌ای که به مناسبت دوپستین سالمرگ کانت با عنوان «کانت و صلح در یاد مخالف» در روزنامه «شرق» (شبه ۲۵ بهمن ۸۲) قلمی کردم، به آثار از شمند دکتر عزت‌الله فولادوند نیز به تلاش‌های او در شناخت و شناساندن اندیشه‌های متفکران و فیلسوفان مغرب زمین می‌پرداختم. آخر مگر می‌شود که در ایران مقاله‌ای دربارهٔ کانت منتشر کرد و از یکی از بهترین مترجمان که در شناساندن فلسفه و اندیشه‌های کانت سهمی بزرگ دارد، نامی به میان نیاورد؟ نمی‌دانم برای دیگر نویسندگان نیز تاکنون پیش آمده است که به رقم بازخوانی و بازویسی مکرر مقاله‌ای که قصد انتشار آن در دارند، تازه پس از آنکه نوشته‌شان در روزنامه یا مجله‌ای منتشر شد و نگاهی گذرا به آن انداختند، به کیسودها و کاغذهای آن‌ای پی بربند؟ من اذعان می‌دارم که چنین اتفاقی بارها برایم پیش آمده است و وقتی موضوع را با دوستان و همکارانم در میان گذاشتم اغلب شنیدام که: «تو نیستی تو خودت بیش از اندازه سختگیری می‌کنی.» نمی‌دانم در این مورد خاص، به دوستان حق نمی‌دهم و سخت بر این باورم که مقاله‌ای که به بهانه دوپستین سالمرگ کانت نگاشتم، به طرفت می‌شد. امید دارم که این گونه‌ای تصور را، هم استاد بزرگوار دکتر عزت‌الله فولادوند و هم صاحبان اندیشهٔ اهل قلم بر من بخشایند.

به گمانم این نکته که مترجمان خوب و زبده در ایران از دیدگاه در شناساندن آثار و افکار فیلسوفان و اندیشمنان و نویسندگان سرزمین‌های دیگر قلم نمی‌گیرند و صرفاً به مستندسازی آن‌ها اکتفا می‌کنند، در واقع نوعی غفلت و تصور را، هم استاد بزرگوار دکتر عزت‌الله فولادوند و هم صاحبان اندیشهٔ اهل قلم بر من بخشایند. به اهمیت آن دسته از مترجمانی است که در کستره ترجمه متون فلسفی نه تنها پیشگسوت‌اند و پیشرو، بلکه سرآمد کار و حرفه خوانند و در برگرداندن چنین کتاب‌هایی به زبان فارسی از چنان نبحر و توانایی برخوردارند که خواننده با مطالعه ترجمه‌های آنان خود را در دنیایی جدید می‌یابد و وقتی تازه در برابر دیدگانش کشوده می‌شود، ایوان تمام تلاش و توانایی و تجربهٔ خود را به کار می‌گیرد. تا من ترجمه، هسان و همدات با متن اصلی شود و در واقع اصل به بدل تغییر نکند، بلکه به جای آن نشیند.

دریغ که در ایران مترجمانی که خوب صاحب رای و اندیشه‌اند و در زمینه ترجمه متون فلسفی اثری جاودان از خود به جا گذاشته‌اند، انگشت‌شمارند. ولی دکتر عزت‌الله فولادوند بی‌هیچ تردید در شمار آنهاست. کافی است که گذشته از کتاب‌ها- که بیشتر فیلسوفان و متفکران بزرگ جهان نگاه کرده‌اند ترجمه «جامعه‌یاز و دوستان آن» از کارل پوپر که من به رقم خواندن متن آلمانی آن، لذت مطالعه ترجمه فارسی آن را هرگز فراموش نمی‌کنم. نگاه کنید به ترجمه «خشونت و انقلاب» هانا آرت، یا «آزادی و قدرت و قانون نوشته فرانتس یونگ».

دکتر فولادوند به نسلی از مترجمان متون فلسفی تعلی دارد که متأسفانه بیشترشان از میان ما رحمت برسته‌اند. کسانی چون زنده‌یادان دکتر حمیدعبادت، دکتر جمدهسجن لطفی و دکتر منوچهر بزگرهمه، بی‌آنکه نام روشناست‌استاد احمد آرام را فراموش کنیم، لاجرم قدر آن‌ان که در میان ما درآیدیم و تلاش میبانشان را پاس داریم.



## شناساندن فرهنگ مهدویت

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(ع) و مرکز تخصصی مهدویت



جادار د که مباحث و پژوهشهای مهدویت در درس و برنامه کار حوزه گنجانده شود نتیجه آن ارائه آموزشها و پژوهشها در سطح داخلی و خارجی باشد

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(ع) تاکنون بیش از ۲۰ سفارش، تدوین، تألیف و چاپ کتاب داشته است



جزوه های درسی جذب استادان مجرب در زمینه مباحث مهدویت، برگزاری امتحانها، ارائه نو آراخانه و مسائل پایان نامه از جمله وظایف این معاونت است. مواد درسی این مرکز در قالب دروس پیش نیاز، پایه، معالجه ای و اصلی اختصاصی تدوین شده است که عبارت اند از: روش تبلیغ، روش تبلیغ، آیین نگارش، روش تدریس، زبان انگلیسی، مابنی رایانه، رجالی شیعه، درایه رجال اهل سنت، تاریخ حدیث، جامعه شناسی، آشنایی با آیین بزرگ، قرآنی، فلسفه، تاریخ تحلیلی اسلام، امامت عامه، امامت خاصه، امام شناسی، مسائل اساسی مهدویت، مهدویت در قرآن، حکومت دینی، مستشرقان و مهدویت، فرجام شناسی، شبهه شناسی مهدویت، فرقه ها و جریانهای انحرافی، دعاشناسی، تاریخ شیخ، تاریخ عصر غیبت صغری، مهدویت در احادیث، حدیث شناسی مهدویت، منبع شناسی مهدویت، و مهدویت و مسائل کلامی جدید. این رشته تخصصی برای سطح سه به شورای مدیریت حوزه علمیه قم ارائه و تصویب شده است و هم اکنون برای نخستین دوره آن از میان افراد دارای شرایط دانشپژوه می پذیرد.

### معاونت پژوهش

این معاونت به منظور ایجاد زمینه مناسب جهت پژوهش در موضوعهای گوناگون مهدویت و سازماندهی آن شکل گرفته است و برای رشد و پالای بردن دانش علمی دانشپژوهان، به شناسایی و طرح عرضه های جدید پژوهش در این موضوع می پردازد. دستاوردهای پژوهشی این معاونت به صورت کتاب، بروشور، رهنومه، پانگه اینترنت و برنامه های صدا و سیما عرضه می شود.

### کتابخانه

کتابخانه مرکز تخصصی مهدویت، کتابخانه ای غنی در زمینه مهدویت است. دارای ۸۰۰ عنوان کتاب فارسی و ۱۶۰ عنوان کتاب عربی و نشریاتی است که درباره حضرت مهدی(عج) به صورت فصلنامه، ماهنامه و گاهنامه چاپ و منتشر می شوند. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) تهران، خ. شریعتی، خ. ملک، خ. مهدی یوسفیان، ش ۱ قرار دارد و تلفن تماس آن ۰۲۱-۸۲۰۰۱۹۹ است. محل مرکز تخصصی مهدویت نیز در قم، خ. شهدا (صفاییه)، کوچه آماراست و با شماره تلفن ۰۲۷۳۳۸۰۱ می توان با آن تماس گرفت. این دو مرکز مرکز آماده ارائه هر گونه اطلاعات و دریافت هر گونه پیشنهاد و همکاری با افراد و مراکز مختلف اند.

فرهنگی مرتبط با امام زمان(عج) مبادرت به ایجاد حدود ۱۰۰ نمایندگی عرضه محصولات در فروشگاههای معتبریش از ۶ شهر کرده است. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) با عرضه گسترده آسان و ارزان کتابهای خود و سایر نشران و تشویق دست اندرکاران در راه اندازی نمایندگانهای متعدد کتاب و محصولات فرهنگی مهدویت در مراکز مختلف آموزشی، فرهنگی و اداری در سراسر کشور فعالیت قابل توجهی داشته است.

### بخش دانشجویی

به منظور گسترش فرهنگ مهدویت و ایجاد فضای معطر به عطر انتظار در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی، از طریق دانشجویان و اساتید علاقه مند و نیز کانونهای انتظار و مهدویت دانشگاهها، بخش دانشجویی بنیاد ایجاد و شروع به فعالیت نمود. از جمله فعالیتهای این بخش، تشویق، ترغیب و حمایت کانونهای مهدویت و دانشجویان علاقه مند برای تشکیل جلسات سخنرانی، میزگرد، برگزاری مسابقات کتابخوانی و تدوین و انتشار نشریات و سوب و دادن پایان نامه های دانشجویان به موضوعهای مهدویت است.

حمایت از برگزاری جشنواره های مهدویت و احداث اردوگاه پایارن امام(عج) در کنار مسجد چکمران از دیگر فعالیتهای بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) بوده است.

### مرکز تخصصی مهدویت

بی تردید سهم اساسی در احیا و گسترش فرهنگ مهدویت، از آن حوزه های علمیه است اما محدودیت دروس اصلی حوزه به فقه و اصول و کرباهای کم کاری حوزه و حوزویان در این امر خنثی کننده سازه ساز بروز خرافات و سطحی نگری از یک سو و دست گرفتن این مقوله مترک و وسیله افرادی ناشایست و کم دانش بایم دانش، از سوی دیگر شده است.

جادار، حوزه به عنوان متولی این امر، قدمهای جدی تری در این راه برادره و با تقویت مراکز تخصصی و یا مشارکت و نظارت بر مراکز که در این جهت فعالیت می کنند، به آموزشها و پژوهشهای اساسی در این عرصه و سپس ارائه و تبلیغ آن در سطح داخلی و خارجی پردازد. در آموزشهای حوزوی، درسهایی مانند، مبانی اعتقادی مهدویت، تاریخ عصر غیبت، حدیث شناسی و منبع شناسی مهدویت، دعاشناسی، شناخت فرقه ها و گروههای انحرافی، باید از جایگاه شایسته ای برخوردار باشد.

مرکز تخصصی مهدویت ایستنه به بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) از تابستان ۱۳۸۰، با هدف گسترش و تعمیق فرهنگ مهدویت در سطح جامعه - به ویژه نسل جوان و فرهیخته- «تربیت مبلغ پژوهشگر و مدرس مباحث مهدویت، تشکیل دوره آموزشی» این مرکز در حال حاضر با دو معاونت «آموزشی» و «پژوهشی» و دو واحد «تبلیغ» و «هنری» فعالیت می کند.

### معاونت آموزش

با توجه به این که آموزش مباحث مهدویت از مهمترین واصلترین هدفهای تأسیس این مرکز است، پذیرش دانشپژوه، تدوین مواد آموزشی، سر فصلها و

نیزهای فکری و اعتقادی آنها و نیز به شهات و مقابله با افکار انحرافی، دوره های آموزشی عمومی برای علاقه مندان اجراء می شود. کتابخانه های تخصصی مهدویت بنیاد تاکنون در دفتر مرکزی، مرکز تخصصی قم و مرکز تخصصی اصفهان، موفق به راه اندازی کتابخانه تخصصی مهدویت گردیده است. در این کتابخانه ها سعی شده است کلیه آثار مکتوب، انواع نوارهای سخنرانی و مدیحه سرایی و سی دی با موضوع مهدویت جمع آوری شود و در دسترس پژوهشگران و عموم علاقه مندان قرار گیرد.

### تحقیق و پژوهش

بنیاد در راستای تیل به اهداف خود مبادرت به سفارش و انجام تحقیقات و پژوهشهای مختلف نموده است که فصلنامه انتظار از جمله دستاوردهای معنوی آن است.

### تدوین و تألیف

در بخش کتاب، بنیاد تاکنون مبادرت به سفارش، تدوین، تألیف و چاپ ۱۱ عنوان کتاب با موضوعهای مهدویت بر روی سطوح مختلف سنی نموده است. از جمله، کتاب مرجع مهدویت با همکاری مؤسسه پارسا در دو جلد تدوین و تألیف یافته و در



کتاب مرجع مهدویت، شامل معرفی بیان نامه و مقاله با موضوع مهدویت است

آستانه چاپ قرار دارد. در این کتاب بیش از ۳۳۰۰ عنوان کتاب، پایان نامه و مقاله با موضوع مهدویت معرفی شده است.

به علاوه به این بنیاد تاکنون مبادرت به تدوین و تنظیم ۷ دفتر پژوهشی یا عنوانی، ۱ امام مهدی و رشد تربیت انسانی، ۲ انتظار، عاشورا، ۳ در عصر غیبت تکلیف چیست؟ ۴ سیمای مهدی، سیرت مهدی، ۵ چلچراغ امام مهدی(عج) ۶ در انتظار خورشید، ۷ مهدی در غدیر کرده است.

این پژوهشها یکجکیده ای از کتابها و مقالات ارزنده و مفید است که توسط بنیاد در شمارگان ۲ میلیون نسخه چاپ و توزیع شده اند.

### پانگه اطلاع رسانی مهدویت

در راستای گسترش فرهنگ مهدویت، بهره گیری از فناوریهای جدید، پانگه اطلاع رسانی مهدویت با موضوعهای متنوع مهدوی در سال ۱۳۸۱ راه اندازی گردید. از مهمترین بخشهای این پانگه، ارائه اطلاعات مربوط به کتابها، مقالات، پایان نامه های است که در این زمینه نگارش یافته است.

### نمایندگیهای فروش کتاب و محصولات

این بنیاد جهت ایجاد تسهیلات برای دسترس آسان و ارزان به کتابها، مجلات و سایر محصولات

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) در سال ۱۳۷۹ تأسیس شد و آغاز به فعالیت کرد. این بنیاد به منظور ترویج و معرفی بیشتر امام زمان(عج) شناساندن فرهنگ مهدویت و آشناساختن جامعه به ویژه نسل نو با نقش امام زمان(ع) از زمان غیبت و در تعیین حکومت جهانی واحد و تحکیم پایه های امامت و ولایت تأسیس شد و برای تیل به اهداف خود از روشهای زیر بهره می گیرد: ۱. تلاش برای شناختن و شناساندن حضرت مهدی موعود(عج) و معرفی بیان خاص و عام ایشان از طریق تبلیغ، نشر کتاب و مقاله، لوحهای نشریه و نرم افزارهای رایانه ای و بهره گیری از سایر زمینه های فرهنگی و هنری و رسانه های ارتباط جمعی به ویژه صدا و سیما.

۲. معرفی و باز شناسی فرهنگ انتظار. ۳. تدوین و نشر دیدگاههای دانشمندان، علماء و مفسران شیعه و سنی، پیرامون جایگاه حضرت مهدی(عج) در کتاب و سنت. ۴. ایجاد ارتباط با مؤسسات تحقیقی داخلی و خارجی و مبادله علمی و ارائه خدمات مناسب به آنها در باب شناخت حضرت مهدی(عج). ۵. برگزاری اجلاسهای پژوهشی، علمی و ادبی درباره شناخت چهره راستین امام زمان(عج). ۶. تحقیق پیرامون تأثیر اندیشه مهدویت در هزاره اخیر و بررسی تفهیمهای منسوب به این اندیشه. ۷. تحقیق پیرامون اندیشه مهدویت در سایر ادیان. ۸. برقراری ارتباط با حوزه، دانشگاه و آموزش و پرورش برای برپای شکل کلاسهای امام شناسی به ویژه شناخت حضرت مهدی(عج) و سوق دادن پایان نامه های درسی در این زمینه.

۹. ترسیم سیمای حضرت مهدی(عج) به کمک متن روایی شیعه و سنی و تدوین سخنان رسول اکرم(ص) و ارائه هدای پیرامون ظهور حضرت مهدی(عج). ۱۰. مطالعه در نظریه حکومت جهانی واحد، براساس کتاب و سنت و عزت رسول خدا(ص) و شناخت موانع توتدیک مسلمانان.

۱۱. تلاش برای انسجام و سازماندهی ارگانها و افرادی که در این زمینه فعالیت دارند. ۱۲. پاسخگویی به شهات و ارادنده در ایجاد مختلف مهدویت و شخص و شخصیت حضرت مهدی(عج).

۱۳. تألیف کتب و نشریات و تدوین آثار فرهنگی و هنری و ادبی برای نسل نو پیرامون شخصیت مهدی(عج). ۱۴. انجام سایر تحقیقات و پژوهشهای مرتبط با موضوعهای فرهنگی اسلامی (در زمینه قرآن و عترت).

**آموزش تخصصی (مراکز تخصصی مهدویت)** مرکز تخصصی مهدویت، طلاب فاضل حوزه، با گذراندن دروس مختلف در دو دوره تخصصی مهدویت، توانایی سخنرانی، نگارش و پاسخگویی به سؤاها و شهات را کسب نموده در مدارس، دانشگاهها و مراکز مختلف به گسترش و ترویج و تعمیق فرهنگ مهدویت خواهند پرداخت. هم اکنون دو مرکز تخصصی در شهرهای قم و اصفهان راه گردیده است که از اسالیهای ۸۰ و ۸۱ به فعالیت پرداخته اند.

### آموزش عمومی

در جهت گسترش و تعمیق فرهنگ مهدویت در میان عموم مردم به ویژه جوانان و پاسخگویی به



یادداشت

کیوان سپهر

«میزین، دریاغ کرافیک ایران

در پی انتشار مقاله مجبور و در سایه مانده‌ای به همین قلم و با عنوان «حکایت همچنان باقی» است، در شماره ۵۰۶ کتابک هفته، بیستم از هیفتت سال جاری و همزمان با برگزاری نخستین نمایشگاه مجموع طراخی جلد کتاب - و در حقیقت در بهترین موقعیتی که می‌توانست مقاله عرضه شود و از قضا در همین فرصت هم منتشر گردید- آقای حمیدالدین فرخیار، مدیر مسئول نشریه گرافیک و آقای مهدی صادقی، مدرس هنر و دیر صفحه گرافیک نشریه انتحاب،با نوشته در تاریکی مانده‌ام با با نقل و ذکر مجدد موضوعش، از تاریکی محیی به در آورنده و سپس بی‌گیر و به تکرار، از واقع خواسته که مشروح دلایل خود را از زوایای نامرئی و مضمّن و بی‌عمل و در امور گرافیک ایران خصوصاً در بخش کتابک، که با کمالت تأسف سلسله‌وار در صحنه فعالیت فرهنگی و هنری کشورمان در حال تولید و تریاده است، تکلیف کشید، که همواره و تاکنون، به دلایلی از اجتناب مطرف و دشنام

دلایل نخست این که معطلی مورد اشاره، به همت بارگرفندی و دشنام‌ها مدبر شورای تحریری کتاب هفته، آن هم در بهترین پرتو و بیگ روییش از برگزاری نمایشگاه مجموع یادشده انتشار یافت، بنابراین دنیایه محصل آن هم تصادفاً باید که سهم کتاب هفته می‌شد. اگر چه هر دو برگزار هم (افق‌ها) خیر اگر در کتاب هفته درج شود - و دیگر با توجه به نقل «رطب خوردم غم رطب چوین گند» و مثال از داستانی به روی آفتاب و کتیر پور سوانی، که آن را هم ترجمه گفتم، سناقه همگویی از هم‌هنگامی نگار و در میان‌دو آرمیل سمنده‌آرپو بر آن و در نمایشگاه سه دوره همچنین برنگذاشت آقای سمن در موزه هنر هانی معاصر و همچنین بارینتعلی از بسیاری ایشان که در راسی و مصمصانه با محضر بارینتعلی شاهی عامل و خیر برایشان می‌نظمم، مزید بر آن از آن که سال‌های سال خوب و خیال‌فرد به دست گردن‌ها این بود که گمان داشتم با این عریان باطن برخی از واقعیت‌ها، حشده‌ای به مراسم «مادگاری» و «سمنده‌آرپی» و مجلس مجلل تجلیل وارد می‌شود، پس تا گذر از آن آلم و آن مراسم، دم و قلم فرو بستم، صمیمیک.

**سکوئی که زبینه‌نی شود**
بیان صریح آقای مرتضی میزین، در روز بیستم بهمن ماه همین سال، البته در میانه جمعی محدود در موزه هنرهای معاصر، که گفته‌اند من پذیر نشستم، پذیر گرافیک ایران نشستم، پذیر گرافیک نوین هم نشستم، خوشحانه به بسیاری از حرف و حدیث‌های در این باب پایان داده که عده‌ای به اشتباه و نامتعارف، همواره از فرمانده لشکر دشمن می‌دانستند که شاه‌های آرزای دست‌ار باقم می‌زند و تأیید می‌کند، که انصاف را این لشتای و این شایعه در شأن این استاد پیشکسوت نمی‌نمود و نمی‌نماید.

**شادروان ذبیح الله منصوری با تخریص فریب و راحت و خیابان‌پزهای هائی جذاب، سبمی فراموش نشدنی و عظیم در مقوله کتابخوانی جامعه ایرانی و ایجاد نبضت مطالعه و شوق به آن در میان مردم دارد**

همین‌جا سر بخورم کتاب‌گیری به دانشجوی سال‌های میانی نده می‌دی، در رشته قاضی‌دانشگاه تهران و شاگرد جرات استاد حدیدیان، استاد جرات‌پور، استاد حمیدی و آن‌مادام فرسوی که همسر شخصی به نام فرین پور بود. در چند سال بعد یکی از سه‌هائی «دور چشم» ۱۳۳۰هـ قاضی‌الدین استاد طهر اشعر معصومی و استاد ذبیح‌الله مقالی شکل گرفته که حیالت‌رئی آن روزا همسه امروزه و تبه چسانل هم‌س از شکل‌گیری کارن آگهی زیاده سزایمان‌فانیا که به‌شخصی بوده و دیگر مؤسسات در این روزها، به سبب حضور فعالی که خصوصاً در صحنه مطوعات آن آلم‌آلو در یادارم و آن‌چند به قلم و ذهن این گرفت‌سنجسورگر بر جای‌مانده و نیز جرات‌ها و وی‌گی‌هایش، طراخی پنج‌بره در دههٔ گرافیک جوان و تازه‌های ایران بوده است، و همچنین معلم این رشته در سال‌های منصفی در دانشگاه تهران که حفا‌جاست با عنوان هنرمندی طراح و پیشکسوت و آراوید بود.

در عین حال، جامعه هنری و فرهنگیان، باید این هنرهای را هم داشته باشند که لشکر تحیقی که در اطراف

بازتاب

## می‌نویسم، تا از خواص باشم...

یادم می‌آید چندین ماه قبل با تماس‌های مکرر خاتم جویفی که خود را یکی از گزارشگران کتاب هفته و همکار بخشی از یوتیوتیوب مصاحبه‌کار آفیس بورلی من سیسلر قائل احرام معرفی می‌کرد، در خواست مصاحبه با یکی دو نویسنده‌ای که با انتشارات شان مشغول همکاری هستند، مواجه شدم. هیچ اطلای برای عدم تصادف نمی‌چیدم. ولی تجربه به نشان داد با فریاد این ارتباط بین گزارشگر و نویسنده، گمان‌نمایان هفت‌انجام مصاحبه نبود، بلکه در کمتر از دو روز حوزج نشدیم که این دوست با هم‌مطالعهٔ هم‌کاران رابطی یکی از همکارانم، ناشر، ما را برای پیدا کردن راه ارتباطی با برخی از نویسندگان بوده است و آن ناشر عزیز، از جیبش تیرین راه منگن، شروع به تماس‌های رفت و یفت با نویسندگانم زد و نمود.

این ماجرا خود یکی دو ماه قبل به دست فراموشی سپرده شده بود تا یکی از همکارانم هفته‌نامه «دین کتاب هفته» را برایم و یقشارتی درخواست مصاحبه با مدیر انتشارات شان را داشت که علیرغم تجربه قبلی به کلام ایشان اصرار کرده و آنچه رخ داده بود را از حساب ایشان جدا کردم. این‌همه آمدن و با یکی بر تسلط کاری و اعتماد بر حلقهٔ بدون هیچ خطب صوفی مصاحبه‌ای انجام دادند که پس از چاپ، خوندش برای ما هم تازگی داشت!

قبل از توضیح ماجرا، باید دست‌حکایتی را مرور کنیم. قلم‌اگرچه در شهری جاهلانی یک‌تورا با چوب و سنگ می‌زند، غریبه‌ای از راه رسیده، نداشتند با چسبند هم‌راشه‌اش، او سوالی کردندش که «کمال مرا از اس‌های پس جرات‌سنگ پویان می‌گویی، این مرد جواب داد: از ترس آنکه میلاد از چسبندت جابلیم و رفته‌ده‌موم و مرا با آن مرد همدست بدارند».

در خوشبختانه زین حالت، اگر ذکر صیلات از زین منبر انتشارات راه حساب ضعف حلقهٔ مصاحبه‌کننده نگذاریم، هر خواننده‌ای به فکر داشته می‌شود که بطوریکه نفر در مورد کار خود، چنین تصادفی می‌کند و با عنوان مدبر انتشارات هراچند ستانورد کاری مؤسسه است. زو سوال می‌برد: صیلات را یک بار مرور می‌کنیم.

این گروه از خوانندگان زمانی را دوست دارند که اگر در اواسط کار چند صفحه‌ای از آن را از سر بی‌حوصلگی رد کرده‌اند، داستان از دستشان خارج نشود و لازم باشد یک جمله از دیوار بیچاره پاره‌وری آن کفر کنند. در حقیقت، زمان‌های سرخی‌القل از مدیر انتشارات شان، که البته ما همواره با عنوان مدیر مسئول یا مترجم‌نشدنیام، حوزم خواننده کتاب‌هلیم هستیم، اما نه به دلیل علاقهٔ اقل از مدیر انتشارات)



انجن صنفی، گرد و خاک نفس‌گیری برپا کرده، مباد که این غبار پراکنی، بر واقعیت‌ها اثر گذارد و حقیقت‌ها را کمرنگ کند.

استادان کیلویی و خالی‌الذهن از مسائل و مباحث مشخصه‌های فرهنگی در مملکت است، به دانشجوی نازی که با ذهنی شفاف کتابی را در کتابخانه دانشگاه یافته و دست‌بسته کار تحقیقی خود قرار داده است.

مردم معصومی از ترجمه متن، نگه‌حیرتانی ۲۰ صفحه‌ای هائزی گزین در برابرش، کتابی چند صد

صفحه‌ای حاصل آورد که کرین هم بر این پرداخت و تحیل پرداختگر آن دچار شگفتی شده بود.

غرض از نوشتن این درجه‌پردازی نداشت، اما دیگران - خدا می‌داند.

**آن دیگری را بایشان بیابورید!**
تا کفر معترضان آفتی انجام‌الدین فرخیار، هشدار می‌نم بسوق، بلکه خیلی هم دیر بود، این تذکر، یادآوری می‌کنند که گرفته‌ها را، بالا و پایین و دونه‌های مترقات را از سر تا ناگهی، زین گزینش‌ها و شام‌ها، حق‌گوشی‌گریدشت درهای بسته انجمن‌های خاص، یا در بیان معلوم صورت‌گیری‌ها و سخنه‌ها، برپا شده، کاری از سبب‌آرایی، اما سبیلان این گزافه‌ها و جمل‌ها، چون نشانه غلطی که برخی از مطبوعات از نشریه ایشان، دانده، اگرچه که جامعه فرهنگی و با داور جوان‌های علاقه‌مندی است، محتلا معلم و محقق درادیمان خوانند و دیر سزیرند، کسی خطرات آن گزافه‌ها، معلوم و در حدیقت، سبب برای پژوهشگر آینده می‌سازد و در نتیجه، تاریخی محفل آرا هم خواهد بود.
از طرف دیگر، با توجه به حضور فرهنگیان زبان و ادب فارسی و مدیرمسؤل مجلس نشر دانش‌گوییوم، روزی که با هم به درد دل از لُجُل و مقدمه‌ها و گزافه‌گری‌های فرهنگی‌گشودن نوشتن، مثالی از ادب پارسی برایم روایت کرد، او گفت: در متن گذشته، داستانی دارید که رهگذری کردی را می‌بیند که در کورچه‌یابی به شیون‌نشسته، از او علت را می‌پرسد. گوئی: دوستم از درخت بالا رفته و دارد گیلاس می‌خورد و من در پای درخت، مانده‌ام، رهگذر شنس می‌سوزد و گوئی: که راه خوش می‌گیرد و او را به شامه می‌بویای می‌مانند، اما گوئی: شیون خوش‌جان من می‌دهد، رهگذر، منجمت می‌بردندگی چرآ و گوئی: پاسخ می‌دهد، «خوامشتم سرا به شامه برسانی، دوستم را بایشان بیابور!»

**واقعیت تاریخی و نه تاریخ سزای جعل تاریخ**
خوب‌بختانه کار سالم و زیبای آقای مرتضی میزین در آن مصاحبه و کنار زند شایعه‌ها و شایعه‌پردازی‌ها - اگر چه در - درد استخوان‌های مانده در کلبهٔ فرهنگ و هنر جامعه ایرانی را تسکین داد: اکنون به اشتغای واقعیت‌ها، می‌شود، می‌توان گفت آفتی فرخیار، شمس است و درست می‌گوید که نخستین نشانهٔ گرافیکی در این امر، مجلهٔ گرافیک‌سنک است و نشان‌دهندهٔ تقویمش را مارگتی می‌دانیم، اگر سومی نشاند، چنان‌که دومی در این زمینه است.

سخن کوتاه:
نسل اول گرافیک‌ها که در میادیه‌های معنوفی خوب‌بختانه خودشان تالیف کرد، اثر خودپیشانی را از میان بردارد، فردیک تالیفگ است، مهندس سیحون است، مهندس هوشنگ کافلمی است، ساسان بخش‌پور و محمد بهرامی و بیوک احمدی و محمود دینگری و پور صادق بریرانی‌اند و چند نفری دیگر.

نسل دوم مردم معصومی، پرنسنگان است و علی‌اصغر معصومی و فریدمش مقالی و مرتضی میزین و مرحوم رضا مقالی و کتیر پور، اولین زین کتابک و قیاده شیوا و محمد امضاان و دیگرانی از این دست...

خوب‌بختانه خودشان تالیف کرد، اثر خودپیشانی را از میان بردارد، فردیک تالیفگ است، مهندس سیحون است، مهندس هوشنگ کافلمی است، ساسان بخش‌پور و محمد بهرامی و بیوک احمدی و محمود دینگری و پور صادق بریرانی‌اند و چند نفری دیگر.

نسل دوم مردم معصومی، پرنسنگان است و علی‌اصغر معصومی و فریدمش مقالی و مرتضی میزین و مرحوم رضا مقالی و کتیر پور، اولین زین کتابک و قیاده شیوا و محمد امضاان و دیگرانی از این دست...

نسل اول گرافیک‌ها که در میادیه‌های معنوفی خوب‌بختانه خودشان تالیف کرد، اثر خودپیشانی را از میان بردارد، فردیک تالیفگ است، مهندس سیحون است، مهندس هوشنگ کافلمی است، ساسان بخش‌پور و محمد بهرامی و بیوک احمدی و محمود دینگری و پور صادق بریرانی‌اند و چند نفری دیگر.

نسل دوم مردم معصومی، پرنسنگان است و علی‌اصغر معصومی و فریدمش مقالی و مرتضی میزین و مرحوم رضا مقالی و کتیر پور، اولین زین کتابک و قیاده شیوا و محمد امضاان و دیگرانی از این دست...

نسل اول گرافیک‌ها که در میادیه‌های معنوفی خوب‌بختانه خودشان تالیف کرد، اثر خودپیشانی را از میان بردارد، فردیک تالیفگ است، مهندس سیحون است، مهندس هوشنگ کافلمی است، ساسان بخش‌پور و محمد بهرامی و بیوک احمدی و محمود دینگری و پور صادق بریرانی‌اند و چند نفری دیگر.

نسل دوم مردم معصومی، پرنسنگان است و علی‌اصغر معصومی و فریدمش مقالی و مرتضی میزین و مرحوم رضا مقالی و کتیر پور، اولین زین کتابک و قیاده شیوا و محمد امضاان و دیگرانی از این دست...

**جامعه هنری و فرهنگیمان باید این هشاری را داشته باشد که لشکر تحیقی که در اطراف انجن صنفی، گرد و خاک نفس‌گیری برپا کرده، مباد که این غبار پراکنی آن‌ها بر واقعیت‌ها اثر بگذارد و حقیقت‌ها را کمرنگ کند.**

**این آشوب و نهمالی و تلق‌ها... البته که به قصد سیر بر گرفتن کلامی، در این میانه و از این نطق است. کلام بر آن‌ها ارازی، هشدار که این آشوب و فرهنگ و هنر جامعه و تاریخ آن را سوسوم نکند**

استادان کیلویی و خالی‌الذهن از مسائل و مباحث مشخصه‌های فرهنگی در مملکت است، به دانشجوی نازی که با ذهنی شفاف کتابی را در کتابخانه دانشگاه یافته و دست‌بسته کار تحقیقی خود قرار داده است.

مردم معصومی از ترجمه متن، نگه‌حیرتانی ۲۰ صفحه‌ای هائزی گزین در برابرش، کتابی چند صد

صفحه‌ای حاصل آورد که کرین هم بر این پرداخت و تحیل پرداختگر آن دچار شگفتی شده بود.

غرض از نوشتن این درجه‌پردازی نداشت، اما دیگران - خدا می‌داند.

**آن دیگری را بایشان بیابورید!**
تا کفر معترضان آفتی انجام‌الدین فرخیار، هشدار می‌نم بسوق، بلکه خیلی هم دیر بود، این تذکر، یادآوری می‌کنند که گرفته‌ها را، بالا و پایین و دونه‌های مترقات را از سر تا ناگهی، زین گزینش‌ها و شام‌ها، حق‌گوشی‌گریدشت درهای بسته انجمن‌های خاص، یا در بیان معلوم صورت‌گیری‌ها و سخنه‌ها، برپا شده، کاری از سبب‌آرایی، اما سبیلان این گزافه‌ها و جمل‌ها، چون نشانه غلطی که برخی از مطبوعات از نشریه ایشان، دانده، اگرچه که جامعه فرهنگی و با داور جوان‌های علاقه‌مندی است، محتلا معلم و محقق درادیمان خوانند و دیر سزیرند، کسی خطرات آن گزافه‌ها، معلوم و در حدیقت، سبب برای پژوهشگر آینده می‌سازد و در نتیجه، تاریخی محفل آرا هم خواهد بود.
از طرف دیگر، با توجه به حضور فرهنگیان زبان و ادب فارسی و مدیرمسؤل مجلس نشر دانش‌گوییوم، روزی که با هم به درد دل از لُجُل و مقدمه‌ها و گزافه‌گری‌های فرهنگی‌گشودن نوشتن، مثالی از ادب پارسی برایم روایت کرد، او گفت: در متن گذشته، داستانی دارید که رهگذری کردی را می‌بیند که در کورچه‌یابی به شیون‌نشسته، از او علت را می‌پرسد. گوئی: دوستم از درخت بالا رفته و دارد گیلاس می‌خورد و من در پای درخت، مانده‌ام، رهگذر شنس می‌سوزد و گوئی: که راه خوش می‌گیرد و او را به شامه می‌بویای می‌مانند، اما گوئی: شیون خوش‌جان من می‌دهد، رهگذر، منجمت می‌بردندگی چرآ و گوئی: پاسخ می‌دهد، «خوامشتم سرا به شامه برسانی، دوستم را بایشان بیابور!»

**واقعیت تاریخی و نه تاریخ سزای جعل تاریخ**
خوب‌بختانه کار سالم و زیبای آقای مرتضی میزین در آن مصاحبه و کنار زند شایعه‌ها و شایعه‌پردازی‌ها - اگر چه در - درد استخوان‌های مانده در کلبهٔ فرهنگ و هنر جامعه ایرانی را تسکین داد: اکنون به اشتغای واقعیت‌ها، می‌شود، می‌توان گفت آفتی فرخیار، شمس است و درست می‌گوید که نخستین نشانهٔ گرافیکی در این امر، مجلهٔ گرافیک‌سنک است و نشان‌دهندهٔ تقویمش را مارگتی می‌دانیم، اگر سومی نشاند، چنان‌که دومی در این زمینه است.

سخن کوتاه:
نسل اول گرافیک‌ها که در میادیه‌های معنوفی خوب‌بختانه خودشان تالیف کرد، اثر خودپیشانی را از میان بردارد، فردیک تالیفگ است، مهندس سیحون است، مهندس هوشنگ کافلمی است، ساسان بخش‌پور و محمد بهرامی و بیوک احمدی و محمود دینگری و پور صادق بریرانی‌اند و چند نفری دیگر.

نسل دوم مردم معصومی، پرنسنگان است و علی‌اصغر معصومی و فریدمش مقالی و مرتضی میزین و مرحوم رضا مقالی و کتیر پور، اولین زین کتابک و قیاده شیوا و محمد امضاان و دیگرانی از این دست...

خوب‌بختانه خودشان تالیف کرد، اثر خودپیشانی را از میان بردارد، فردیک تالیفگ است، مهندس سیحون است، مهندس هوشنگ کافلمی است، ساسان بخش‌پور و محمد بهرامی و بیوک احمدی و محمود دینگری و پور صادق بریرانی‌اند و چند نفری دیگر.

نسل دوم مردم معصومی، پرنسنگان است و علی‌اصغر معصومی و فریدمش مقالی و مرتضی میزین و مرحوم رضا مقالی و کتیر پور، اولین زین کتابک و قیاده شیوا و محمد امضاان و دیگرانی از این دست...

نسل اول گرافیک‌ها که در میادیه‌های معنوفی خوب‌بختانه خودشان تالیف کرد، اثر خودپیشانی را از میان بردارد، فردیک تالیفگ است، مهندس سیحون است، مهندس هوشنگ کافلمی است، ساسان بخش‌پور و محمد بهرامی و بیوک احمدی و محمود دینگری و پور صادق بریرانی‌اند و چند نفری دیگر.

نسل دوم مردم معصومی، پرنسنگان است و علی‌اصغر معصومی و فریدمش مقالی و مرتضی میزین و مرحوم رضا مقالی و کتیر پور، اولین زین کتابک و قیاده شیوا و محمد امضاان و دیگرانی از این دست...

نسل اول گرافیک‌ها که در میادیه‌های معنوفی خوب‌بختانه خودشان تالیف کرد، اثر خودپیشانی را از میان بردارد، فردیک تالیفگ است، مهندس سیحون است، مهندس هوشنگ کافلمی است، ساسان بخش‌پور و محمد بهرامی و بیوک احمدی و محمود دینگری و پور صادق بریرانی‌اند و چند نفری دیگر.

نسل دوم مردم معصومی، پرنسنگان است و علی‌اصغر معصومی و فریدمش مقالی و مرتضی میزین و مرحوم رضا مقالی و کتیر پور، اولین زین کتابک و قیاده شیوا و محمد امضاان و دیگرانی از این دست...

نسل اول گرافیک‌ها که در میادیه‌های معنوفی خوب‌بختانه خودشان تالیف کرد، اثر خودپیشانی را از میان بردارد، فردیک تالیفگ است، مهندس سیحون است، مهندس هوشنگ کافلمی است، ساسان بخش‌پور و محمد بهرامی و بیوک احمدی و محمود دینگری و پور صادق بریرانی‌اند و چند نفری دیگر.

نسل دوم مردم معصومی، پرنسنگان است و علی‌اصغر معصومی و فریدمش مقالی و مرتضی میزین و مرحوم رضا مقالی و کتیر پور، اولین زین کتابک و قیاده شیوا و محمد امضاان و دیگرانی از این دست...



کارگاه
<div><span>رضا تفسی</span></div>



گمان می‌کنم بر سر این نکته یک توافق عام وجود دارد که فیلم‌هایی که بر اساس رمان‌های موفق ساخته شده‌اند تقریباً همگی کاری ناموفق دارند.دانه‌دانه.چرا؟ به هنگام تبدیل رمان به فیلم،بخش‌هایی از کتاب به ناچار حذف می‌شوند. این عملی است کاملاً مشروع.ما اغلب فراموش می‌کنیم که وقتی فیلمسازی سراغ رمانی می‌روندفردش خدمت به ادبیات نیست وتعهدی هم ندارد که همه ارزش‌های ادبی یک رمان را به زبان فیلم ترجمه کند.اگر چنین چیزی اساساً امکان‌پذیر باشد، ماجراهای یک رمان، مثل هر چیز دیگری، صرفاً ابزاری است در دست فیلمساز. و از آنجا که سینما مخاطبان وسیعتری دارد، نهایت نیت ادبی یک فیلمساز می‌تواند این باشد که همهٔ موضوع رمان را به میان طیف گسترده‌تری از مخاطبان برود.مخاطبانی که شاید هیچگاه سراغ چنین کتابی نروند. طبعاً برای چنین مخاطبانی هم چیزی که هرگز مطرح نیست لذت‌فراتر است. یک متن ادبی است؛ لذتی که اوجش در بخش‌هایی از رمان ظاهر می‌گردد که نویسنده از نقل‌ماجرای آن بی‌زند تا سطرهایی را بیافریند که ادبیات محض درواصلاًفقد اصلی نویسنده از پرداختن ماجرا هم کشف و نوشتن همین سطرهاست؛ سطرهایی که به همان میزان که برای یک خواننده حرفه‌ای لذت بخش‌اند برای خواننده معمولی گسالت‌آورند.

اما پیش از پرداختن به کم و کیف این بخش‌های مغفقاچی رمان‌ها، باید نکته‌ای بدیهی را تذکر داد. سینما در رمان، به رُم همهٔ شیوات‌ها و خوشبازندی، دو هنر متفاوت‌اند و طبعاً دارای دو زبان مختلف و از همه مهم‌تر، دو شیوهٔ تأثیرگذاری مختلف. سینما از راه چشم با مخاطبش ارتباط برقرار می‌کند. و رمان اگرچه با چشم خواننده می‌شود؛ از راه خیال، و درست به همین دلیل، مکان و اثر هر شیء، و تصور واحدی دارد، تصویر هر کدام از این شخصیت‌ها، مکان‌ها و اشیا در ذهن خواننده رمان تصویری است یکسره متفاوت و بی‌نهایت متکثر؛ طوری که می‌توان گفت از هر رمان به تعداد خوانندگانش روایت‌های مختلفی وجود دارد. این امر به معنای آن نیست که همهٔ بینندگان یک فیلم برداشت

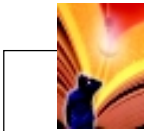
## رمان‌ها در دستان فیلمسازها

رضا تفسی مولد ۱۳۳۸ در اصفهان است و در فرانسه اقامت دارد.رمان او به نام «مثنویای شبانه اراکستر خوب‌ها» اولین بار در سال ۱۹۹۶ توسط نشر «کتاب» در آمریکا به چاپ رسید و سپس در سال ۱۳۷۸ در ایران منتشر شد.

این رمان در سال ۱۳۸۱ به مرحله نهایی جوایز ادبی «کلتوری» و «مقتدین مطبوعاته» راه یافت و از سوی هیأت داوران جایزه «مهرگان ادب پکا» تحسین شد.

واحدی از آن دارند؛ نه، این ویژگی هر ژانر هنری است که امکان برداشت‌های متفاوت می‌دهد. به مخاطبش، اما در مورد رمان، وضع فرق می‌کند. چرا که ابزار رمان زبان است؛ نشانه‌هایی قرار داد ناخدا قطعیت (درست برخلاف تصویر)

توصیفی که رمان از یک شیء، ارائه می‌دهد، حتی وقتی که نویسنده‌اش در پرداختن به جزئیات کسبی باشد؛ با حوصله و مهارت بالا، کند، باز هم توصیفی است. تقطه چنین خواننده رمان به طور طبیعی این تقطه چنین‌ها را به مدد خیال کامل می‌کند. وقتی



نویسنده از پنجرهٔ یک خانه صحبت می‌کند، حتی اگر رنگ و ابعاد و شکل آن را هم مشخص کند، باز هر کدام از ماجراهای رامی‌بینم که مشخصات نهایی‌اش بستگی دارد به نوع تجربیات و نیز زمانه تخیل ما، حالا همین پنجره‌ای که برای هر خواننده رنگ و شکل و ابعاد مختلفی دارد، وقتی کنار هزاران شیء دیگری قرار می‌گیرد که به همین نحو در ذهن ما ساخته شده‌اند، جهانی باید می‌آید کاملاً شخصی، سیال و غیرقطعی؛ در حالی که فیلم ساخته شده بر اساس همین رمان به همه بینندگان تصور واحدی می‌دهد از شکل همان اشیا، و این تازه اول کار است؛ چرا که در مورد مشخصات ظاهری شخصیت‌ها، بخوره مغفله آنها با هم و از همه مهمتر، فرآیند شکل‌گیری یک افق، آن فضای تقطه چنین با شدت باز هم پیشتری عمل می‌کند. در حقیقت، خواننده رمان، این تقطه چنین‌ها را همواره به شکلی ایده‌آل (دخواد) یر می‌کند. در حالی که معلوم نیست هنرنیسه، کارگردان و سایر عوامل اجرایی یک فیلم بتوانند همواره به شکلی ایده‌آل عمل کنند. چرا که

سینما جهان مقدرات است و رمان جهان هر امکان. کوتاه کنیم، تا آنجا که به از زیباط با مخاطب مربوط می‌شود سینما هنری است عینی (ژئوتیو) و رمان هنری است ذهنی (سوزیتیو) و این مثل تفاوت دیدن یک واقعه است با شنیدن آن (آپالادم است اشاره کنیم که نخستین روایت‌های داستانی اساساً شفاهی بوده‌اند. مخاطب از راه گوش با آنها ارتباط برقرار می‌کرده و عمل خواندن یک رمان در واقع نوع خاصی است از شنیدن که در جریان آن چشم به مثابه گوش عمل می‌کند؟)

با این مقدمات، آیا به نظر نمی‌رسد تا کمالی فیلم‌های ساخته شده بر اساس رمان‌ها امری است مقدر؟ حال، بپردازیم به آن بخشی از رمان‌ها که معمولاً در روایت سینمایی حذف می‌شوند و ببینیم حذف این بخش‌ها چه نقشی دارد در سرخوردگی خواننده حرفه‌ای از روایت سینمایی یک رمان.

**توصیف فضا سازی، تأمل**

سه عامل تأملاً روایت ماجراهای رمان را قطع می‌کنند: توصیف، فضا سازی، تأمل. و درست در همین سه حوزه است که یک رمان‌نویس بیشترین امکان را پیدا می‌کند تا به مدد کلمات جادوگری کند. در قدرت خودش را در زبان و دید خودش را از جهان به نمایش بگذارد. و از قضا، به هنگام خلاصه کردن یک رمان، نخستین چیزهایی هم که با کاستاری می‌شوند همین سطرهایی هستند که غالباً به این سه حوزه مربوطند. سطرهایی که من به آنها می‌گویم جمله‌های ادبی محض.

حدود سی سال پیش به کتابی برخورد می‌کردم که نهصد صفحه‌ای «آنا کارنینه» را تقلیل داده بود به یک کتاب جیبی دوست‌صفحه‌ای. شاید چیز به اندازهٔ اینگونه کتاب‌ها نتواند نشان بدهد که هنگام تبدیل یک رمان به فیلم چه چیزهایی پیش از همه فرامی‌شوند. نایاکوف، در کتاب درس‌هایی از ادبیات اشاره می‌کند به ضعف وجه ادبی آثار داستاوسکی مشخصاً جاهایی که مربوط می‌شوند به توصیف و فضا سازی. نایاکف تا آنجا پیش می‌رود که (در قیاس با تولستوی، گوگول و تورگنیف)، به این غول ادبی لغره مرود

می‌دهد. البته این بیرحمی کینه‌توزانه او را که احتمالاً ریشه در یک دعوی اخلاذگی قدیمی دارد (فرمانده پادگانی که آن صحنه اعدام نامشای داستاوسکی را ترتیب داد کسبی نبود جز پرایزرگ نایاکوف) باید جدا کرد از تقطه ضعیفی که نایاکوف بردستی و از راه مغفایسه توصیف‌های داستاوسکی با گوگول به آن اشاره می‌کند. یا این همه، نایاکوف بهترین ویژگی آثار داستاوسکی را نادیده می‌گیرد: آفرینش هینتریک شخصیت‌هایی که با رفتن به منتها لیه مزراحی و جودی خود، ژانر رمان غمناکسیمی را به اوج می‌رسانند. از این منظر، شاید هیچ رمان‌نویسی به اندازهٔ داستاوسکی تقب نزده است به ایجاد هستی ما با این اوصاف، آیا امر غریبی است اگر فیلمسازان رغبت بیشتری نشان می‌دهند به آثار داستاوسکی؟ شاید بشود گفت رمان‌هایی که جنبه تاتاری بیشتری دارند (مثل قالب آثار داستاوسکی) درست به دلیل همین کم‌رنگ بودن «وجه ادبی» از یک طرف و پررنگ بودن شخصیت‌ها از طرف دیگر، علاوه بر آنکه مستعدترند برای فیلم شدن عذاب وجدان کمتری هم می‌دهند به فیلمساز؛ چرا که بخش‌های کمتری از رمان را نیاز دارند حذف کنند.

برای خواننده حرفه‌ای، هیچ اتفاقی بالاتر از لذت‌فراتر سطرهایی نیست که در آنها لغوه شروع می‌کند. به توصیف، فضا سازی با تأمل این درست همان جایی است که فلزیر جادوی قلمش را به کار می‌گیرد تا به تک‌تک اشیا جان بدهد. یک پاراگراف توصیفی را بداند کند به اشتناوتی از کل رمان؛ پاراگرافی که ظنراً وضعی است از تلاط طبیعت اما هم تعلل در آن هست، من ماجرا هم آنهاست. و خواننده هر لحظه انتظار می‌کند تا از میان این برگ‌ها شاخه‌ها پاکو و ایر و آفتاب ناکهان واقع‌ای سر برآورد و تفه می‌بیند؛ چرا که اغلب هم چنین واقع‌ای رخ می‌دهد اما نه از جنس ماجراهای دیگر رمان؛ بلکه از جنسی یکسره متفاوت، مرورهٔ شاید بشود گفت از جنس متنازیکر اشیا، متأسفانه، آوردن نمونه‌هایی از اینگونه توصیف‌ها در اینجا عملی است بی‌بهره چون اینگونه توصیف‌ها در زمینهٔ داستان است که کارکرد واقعی خود را آشکار می‌کنند.

مثنوی، سببین بیهنایی و فروغ و از دوست دارم؛ شعرانی معهود که به مسائل پیرامون خود واقف بودند و مراه بعض خود می‌رساند تا اینکه با چشم آنها ببینم، البته نه کند؛ که به دید آنها واقف شوم، اما سهراب این شاعر طبیعت که همیشه پشت تئوری‌هاست، دور از کلی سرخ شاور است، مرا می‌برد تا فلسفه ایمان، تا عشق، تا تکبیر.

از طرح و چاپ و توزیع و فروش کتابای راضی هستید؟

از طرح کتاب راضی هستم که دوست عزیزم جناب آقای یاشا وکتیلی آن را انجام داد. چاپ کتاب هم خوب بود ولی به هیچ عنوان توزیعی برای تکمیل نشد. فقط انتشاراتی آروچ زحمت کشید و کتاب را به اسم خود نام کرد و دیگر هیچ. در صورتی که تمام هزینه‌ها را از من گرفته بود. تمام توزیع کتاب چه در تهران و چه در شهرستان‌ها توسط دوستان عزیزم انجام شد. انتشاراتی فنا واقع در میدان انقلاب و شهرستان بوستان یونیک روی کتاب کار کردند ولی در مورد فروش چون اولین تجربه من بودند بیشتر به دنبال مخاطب بودم تا فروش. اگر وی کتاب کم می‌شد من بگویم بهتر از این حرف‌ها بود فروش برود. من حتی به انتشاراتی پیشنهاد تبلیغات کردم ولی مناسبانه… بگذریم آدم بعضی وقت‌ها با دست آوردن تجربه بهای سنگینی می‌پردازد.

**انتعاش کتاب و در فضای ادبی امروز چگونه ارزیابی می‌کنند؟**
انتعاش کتاب در شب شعرهایی که حضور داشتیم، دانشگاه امام جعفر صادق و دانشگاه پیشروی ورامین خوب بود حتی تقاطع شعرهای را هم به من گفتند که بجا بود و بین شعرا هم مورد تشویق و ترغیب قرار گرفت. در کل راضی هستم.



**سعید امکانی، شاعر**

## همیشه از عشق خواهیم گفت

کند شد است.

**شعر شما بیشتر مضمونی است. آیا به شعر ابه‌ای هم اعتقاد دارید یا بیشتر به رسالت اجتماعی معتقد؟**

من همیشه در خلسه شعر نمی‌گویم و به مسائلی که پیرامون ما می‌گذرد توجه می‌کنم. به گریه کودک خیابانی و زن‌هایی که پشت چراغ قرمز اسفند دور می‌کنند. من به همه اینها توجه می‌کنم و شعر را آغاز می‌کنم اما در مورد شعرهای ابه‌ای خود شخصاً شعرهایی را که دور از حس و آفتاب است و تصویر مستقیم شعر ارائه می‌دهد، قصوری که جزئی و محسوس باشد دوست دارم و بعضی وقت‌ها خودم هم اینگونه شعر می‌گویم.

**درون‌مایه‌هایی که احساس می‌کنید دلتان می‌خواهد درباره‌شان شعر بسرایید کدامند؟**

من همیشه از عشق خواهم گفت. از آمدن‌ها و شب‌های سرد جدایی و از انسان که دستان چرخشش آینه شفاف زندگی را گذر کرده است. از بهار آویشن مردها و بیوزنان پاره‌نه و اشک کودکان بنیم و افسردگی‌های من و تو. ما.

**نظراتان راجع به شعرهایی که بر شما تأثیر گذاشته و برانگیز خیلی اهمیت داشته‌اند چیست؟**

واقعاً شعرهایی هستند که وقتی شعرهایشان را می‌خوانم و در پیچ و خم آنها گیم می‌شود، به‌طوری که بارها و بارها آنها را می‌خوانم و هر بار خنده‌ام در می‌

ققا شده را برای چشم‌نامم باز می‌کنند. من شعرهای احمد شاملو، فریدون



**نوکلم**

**سعید امکانی مولد ۱۳۵۵ بزرگ‌شده یکی از جنوبی‌ترین**

**مناطق تهران (کازی‌آباد) دارای دیپلم فنی است. اولین مجموعه**

**شعر او به نام «انتظار سرخ» از نشر آروچ اسمال چاپ و روانه**

**این مصاحبه به بهانه چاپ اولین مجموعه شعر وی صورت گرفته**

**است.**

**از چه زمانی سر کرده‌ای که می‌توانید شعر بگویید و اولین شعرتان را کی**

**سرودید؟**

**من هم مثل بقیه فقط می‌نوشتم تا اینکه در سال‌های ۷۲-۷۳ که شعرهایی**

**را که سرودم بودم به دوست عزیزم جناب آقای سعید نیاز کرمانی نشان دادم**

**که مورد تشویق و ترغیب ایشان قرار گرفتم و چنین آغاز شد.**

**چه چیزی باعث شد به سرودن شعر روی بیابورید؟**

**خوب، اگر عشق نباشد نمی‌توان چیزی نوشت البته عشق به هر چه چیز.**

**وقتی شروع به سرودن شعر کردید، دربارهٔ چه چیزهایی شعر می‌گفتید؟**

**من در مورد همه چیز می‌نوشتم از عرفان، عشق‌های دورافتاده که در**

**یادها پویا می‌ماند، انداز درخت، دریا و سنگ، از مردم عادی تا رئیس جمهور گرفته،**

**تا آرزوی کارتن خواب‌های خیابانی و خانه‌بازی‌های کودکان که در خیال ما**



گفت و گو با دبیر انجمن علمی شانسپس

چرا با وجود اینکه در حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی از قبیل توسعه، آموزش و پرورش و تخصص دارید، جامعه‌شناسی نظم را برای تألیف کتاب برگزیده‌اید؟
این انتخاب در دلیل داشت. اول اینکه مسأله نظم اجتماعی و سازماندهی اجتماعی از جمله مسائل مهمی است که در دنیای ما اکنون جامعه ما به آن مناسلات، به همین دلیل آن را مسأله‌ای محوری برای تألیف کتاب دانستم.

دوم به دلیل گفتنی است که در علوم اجتماعی بخصوص در جامعه‌شناسی نسبت به مسأله نظم اجتماعی شده است.در دوران معاصر اغلب کشورها به خصوص کشورهای در حال توسعه بیشتر به موضوع و مسأله تغییر توجه کرده‌اند بنابراین کمتر به نظم اجتماعی توجه شده است و حتی آنهایی که به نظم اجتماعی توجه کرده‌اند بنا بر این تغییر برای اکثر گرایش‌های نظم‌ناشنده، به‌عبارت‌عبارت اغلب تئوری تغییر داشته‌ایم اما تئوری اثباتی درباره نظم نداشته‌ایم. همچنین آنقدر که راجع به تغییر کار شده و کتاب نوشته شده است، درباره جامعه‌شناسی نظم کار نشده است چون مسأله نظم اجتماعی را یک مسأله ایدئولوژیک می‌دیده‌اند،چنانچه به‌جای قائل شدن این «منزلت ایدئولوژیک» برای نظم، آن را به عنوان یک مفهوم موجود شناختی در نظر می‌گرفتند. بنابراین نظم اجتماعی و تغییر اجتماعی دوری یک سکه می‌شدند و هم‌اقتدر که به تغییر توجه می‌شد، به مسأله نظم اجتماعی نیز توجه می‌شد.

از موانع پرداختن به نظم اجتماعی اشاره کرده‌اید آیا اساساً می‌توان به مسأله نظم اجتماعی بدون رویکرد ارزشی و قائل از ایدئولوژی نگریست؟
بی‌شک ما اصولاً در جامعه‌شناسی کمابیش با این مسأله رویه و هشتم که مفاهیم و موضوعات جامعه‌شناسی دارای دو بعد جنجاری و اثباتی هستند ولی اینکه شخصی بتواند به لحاظ علمی، این موضوع را بررسی کند، امر دیگری است. مثلاً به بحث ارزشی و قائل از ایدئولوژی یک‌سره است یک نگاه ایدئولوژیک بدون سیاست‌داری یا گاهی غیر ایدئولوژیک وارد میدان شود یک رقم هم نمی‌کند حتی المقدور با کمترین دخالت مسائل ارزشی و شخصی خود، به بررسی علم و عوامل یا موانع توسعه و نظم پردازد. حتی ممکن است یک تئوری جنجاری راجع به توسعه یا نظم وجود داشته باشد که همین تئوری جنجاری می‌تواند از لحاظ علمی بررسی شود که علم و موانع آن چیست و آیا چنین شرایطی می‌تواند پدیده شود و اگر می‌تواند شرایط و لوازم چیست؟ که خود این می‌تواند مورد بررسی علمی قرار گیرد.

کتاب شما اولین کتابی است که در حوزه جامعه‌شناسی نظم در ایران تألیف شده است. با وجود مباحث تئوریک کاملاً جدیدی که در این کتاب مطرح شده است، آیا بهتر نبود مقدمه یا راهنمای بر آن نوشته می‌شد؟

اینه درس جامعه‌شناسی نظم، چند سالی است که برای دوره دکتری آماده شده است بخصوص در گرایش عامه‌شناسی سیاسی، ولی اینکه کتابی با واحدی در حد مبانی ارائه شود، بهتر. البته اگر کسی هنر این را داشته باشد که به صورت ساده مقدمه‌ای بر این موضوع جامعه‌شناسی نظم بنویسد، خیلی خوب است چون شکل نظم در جامعه ما موضوعی جدی است بنابراین خیلی مهم است که به صورت مختلف به آن پرداخته شود. از جمله اینکه بتوان در سطح

مبانی برای آن کتابی نوشت. در مقدمه کتاب اشاره کرده‌اید که این کتاب دارای زبان تخصصی است و مخصوص دانشجویان کارشناسی ارشد به بالا می‌باشد. آیا این گفته مهم بود، سعی کردم کتابی پیشرفته در این باره بنویسم لذاذاین کتاب، کتاب مبانی یا در سطح متوسط نیست بنابراین مخاطبانش نیز مردم معمولی نیستند بلکه بیشتر متخصصان و نخبگان این رشته هستند. بنابراین آگاهانه از مفاهیم مرئی و استفاده کرده‌ام که مخصوص خودزبان تخصصی این رشته علمی است نه زبان مرئی اول که عامیانه است. البته من هم قصد نداشتم کتابی ساده و همه فهم بنویسم چون در نگارش کتاب علمی بخصوص در زمینه علوم اجتماعی نوسنده باید مراعاتی را رعایت کند، یعنی ابتدا در یک دایره تخصصی علمی راجع به آن بحث کند، بعد در یک دایره بزرگتر صحبت کند و همینطور

عامیانه داشته باشد ولی این کتاب خیر. ممکن است عده‌ای این را ایراد کتاب بدانند ولی به نظر من ایراد نیست. از آنجایی که برای خودم نظم یک مسأله بسیار مهم بود، سعی کردم کتابی پیشرفته در این باره بنویسم لذاذاین کتاب، کتاب مبانی یا در سطح متوسط نیست بنابراین مخاطبانش نیز مردم معمولی نیستند بلکه بیشتر متخصصان و نخبگان این رشته هستند. بنابراین آگاهانه از مفاهیم مرئی و استفاده کرده‌ام که مخصوص خودزبان تخصصی این رشته علمی است نه زبان مرئی اول که عامیانه است. البته من هم قصد نداشتم کتابی ساده و همه فهم بنویسم چون در نگارش کتاب علمی بخصوص در زمینه علوم اجتماعی نوسنده باید مراعاتی را رعایت کند، یعنی ابتدا در یک دایره تخصصی علمی راجع به آن بحث کند، بعد در یک دایره بزرگتر صحبت کند و همینطور



**درباره جامعه‌شناسی نظم کار نشده است چون مسأله نظم اجتماعی را یک مسأله ایدئولوژیک می‌دیده‌اند**

دایره‌ها را بزرگتر کند. تا نهایتاً کسی بتواند مطالب تخصصی را درست برای مصرف عموم مطرح کند. درود دل، خوانندگان متخصص و مشتاق علمگی از **نگارش سخت متن کتاب است چرا این کتاب ایفرد سخت نوشته شده است؟**

شاید یک دلیل، این باشد که من توانایی آسانتر نوشتن را نداشته‌ام. این مشکل من بوده است و بالاخره وقتی یک سیستم فکری با یک گرایش تئوریک خاص مطرح می‌شود، دارای مفاهیمی با همان دلالت تئوریکی است که اگر کسی با مفاهیم تعاریف اساسی آن آشنا باشد در رود به آن مباحث خیلی مشکل نخواهد بود.

متأسفانه دانشجویان علوم اجتماعی بر خلاف علوم طبیعی ال‌آنمط اظهار نظر هستند. تألیف اغلب در اوقات فراغت و به‌صورت دوازگش کتاب‌های جامعه‌شناسی را می‌خوانند. در حالی که کتابی را که درباره نسبت اینشتین نوشته شده است، نمی‌توان به‌صورت دوازگش خواند، چرا که مفاهیم خاص خود دارد که بدون فهم آنها نمی‌توان وارد آن مباحث شد.

البته اساساً در این کتاب‌های مقدمه‌ای، متوسط و پیشرفته از هم جدا نمی‌شوند، بخصوص در علوم انسانی. در حالی که در اکثر کشورهای پیشرفته این

به بیان کتاب جامعه‌شناسی نظم

گفت و گو با دکتر مسعود چلبی

## جامعه‌شناسی نظم

سطوح از هم جدا شده‌اند، بنابراین مخاطبان هم می‌دانند که در کدام سطح باید کتاب بخوانند. کتاب «جامعه‌شناسی نظم» هم یک کتاب پیشرفته است و فهم آن بدون دانستن مفاهیم مقدمه‌ای بسیار سخت است.

خیلی‌ها اکنون سلیقه همه‌فهم‌نویسی دارند، من هم نمی‌گویم راه غلطی است ولی من این راه (تخصصی نوشتن) را ترجیح می‌دهم چون تاکنون در نگارش کتاب‌های هم فهم و زودفهم، نتیجه‌ای نبرده‌ام.

**چرا فضای واژه‌گزینی در کتاب شما با فضای واژه‌گزینی در دیگر کتاب‌های جامعه‌شناسی متفاوت است؟**

به دلیل، مهم‌ترین این است که ما خودمان تولیدکننده علم نبوده‌ایم و این پراگماتگی و ابهامات موجود، بیشتر ناشی از رایجی واژه‌های ترجمه‌ای بوده است تا واژه‌های تولیدی. چون تولیدکننده، می‌فهمد چه تولید کرده است اما فهم تولید کند. دیگر، می‌تواند اشتباه مفهومی ایجاد کند. دلیل دوم هم این است که هیچ کوشش جدی برای ساماندهی این معضل نشده است در حالی که عواصم یا ناخواسته علم انتقادی می‌باید بنابراین نیاز بود که کمک‌هایی در جهت هماهنگی در این امور صورت بگیرد.

**واژه‌گزینی‌ها در کتاب شما توجه بر خواننده‌ای را جلب می‌کند، به نظر شما واژه‌هایی که تمام مفاهیم و مصداقشان در زبان تولید شده‌اند، چگونه قابل ترجمه به زبان دیگری می‌شوند؟**

واقعی راجع به مفاهیم علمی صحبت می‌کنیم دارای دو وجه است، یکی وجه لغوی و دیگری وجه مفهومی آن به‌لحاظ مفهومی تخصصی باید مفهومی را که در تئوری خاصی وجود دارد فهمید و تعریف مفهومی‌اش را با آن تئوری که مفهوم از آن آمده است، ارائه کند که این کار یک متخصص است که ابتدا باید آن‌شخور تئوریک آن مفهوم را فهمیده باشد. البته در این باره نیز دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که آیا این کار شدنی است یا خیر که تا حد زیادی شدنی تصور می‌شود، چون مفاهیم و سازه‌هایی که در یک زبان دیگر ساخته شده است بالاخره درباره زبان‌های پیشخور تئوریک آن مفهوم را می‌تواند در زبان خودمان ارتقا بخشد، اما مشکل این است که فهم نادرست، در فهمی، درجه‌ای از ابهام در مفهوم و… باشد ولی این کار شده ندارد امکان ارتقا بخشدان به صورت مفهومی وجود دارد. وجه دیگر وجه لغوی است بعضی اینکه معادل یا مترسب، برای مفهوم را در زبان خودمان چگونه انتخاب کنیم که این بهتر است یا مشورت ادیبان و فلاسفه دان انجام شود که برگزیده چه برگزید یا معاملی برای مفهوم و مفاسم‌کن که دارد مناسب‌تر است.

کتاب شما تئوریک محض است چگونه می‌توان کتابی در تعریف معنایی نظم اجتماعی به منظور تحقیقات علمی و تجربی به رشته تحریر درآورد؟
این کتاب اگر به بیان آکاتویش « بگویم، نوانسته است یک برنامه تحقیقاتی (Research program) فراهم کند چون حاوی مسائل ریز و درشت و حتی تئوری‌های ریز و درشت است. مطالعه تجربی و تاریخ تطبیقی نظم اجتماعی کار این تقریبست بلکه باید اثرات متعددی به فراتر از علل یک تخصص را امکان‌ناشن بخشی از موضوعات را بگیرند، بسط دهند و مطالعه تجربی یا تاریخ تطبیقی روی آن

مسعود چلبی ۳۲ساله یود که دکتری جامعه‌شناسی را از دانشگاه میشیگان دریافت کرد و طی‌رهم توصیه استادان آمریکایی‌اش که از بازگشت او به ایران زمان جنگ ناخرسند بودند، در شهریور ۱۳۳۲ به ایران بازگشت و چند ماه بعد به عضویت هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی درآمد. چلبی چهره‌ای آرام و درونی سخت‌گیر در ذهن دانشجویشاز دارد و کمتر دانشجویی از قدرت طنز زبان او در امان است!

اجرای پیش از هشت طرح ملی، تألیف دو کتاب «جامعه‌شناسی نظم» و «بررسی نظامی شخصیت» و مقالات متعدد علمی در نشریات‌های معتبر جامعه‌شناسی به‌عنوان مدرس در دروس تخصصی مختلف جامعه‌شناسی از او چهره‌ای پرکار ساخته است تا خرد پا از میانسالی بیرون نگذاشته، موقی به اخذ درجه استادی در دانشگاه شود.

تجدید چاپ کتاب «جامعه‌شناسی نظم» بهانه گفت‌وگویی با اوست.



انجام دهند تا باعث رشد جامعه‌شناسی نظم شوند. **بعضی مثل «گودویچ» هدف علم را توصیف و برخی مثل فرانتفورتی را علم را سلاحی برای ایجاد تغییر در جامعه دانسته‌اند. این بررسی علمی درباره جامعه‌شناسی نظم چه عین علمی دارد و در اختیار چه کسانی قرار می‌گیرد؟**

در ابتدا بگویم آنچه از نظر من در علم اهمیت دارد، تبیین است که توصیف مقدمه آن است و تجهیز بعد از آن است که ممکن است کسی شناختن راه کار بگیرد یا بگیرد. پس در اینجا بحث و هدف اصلی من شناخت است.

اما کاربرد شناخت در جهان، مثل مشیتر دویله مهم این است که درست بشناسیم و محورت شناخت هم تبیین است که بتوانیم سوالاتی از نوع «چرا» را پاسخ دهیم. مثلاً اینکه در جامعه ما از دیرباز مسأله نظم چگونه بوده است؟ دانستیم یا ندانستیم؟ اگر دانستیم چگونه بوده است؟ بقدر پاروایت در آن بوده است؟ یا مثلاً بقدر بی عدالتی در آن بوده، بقدر نابرابری در آن بوده، بقدر شکننده بوده است که روی ایجاد مختلف آن می‌توان کار کرد و تئوری‌های ریز و درشتی راجع به آن ارائه کرد.

پس فکر نمی‌کنم مباحثی داشته باشد یا اینکه کسی کوششی در جهت توضیح مسأله نظم داشته باشد و تئوری اثباتی برای نظم فراهم کند. حال‌اگر کسی خواست، می‌تواند از آن استفاده کند یا استفاده کند. چون بحث علمی، بحث شناخت است. نکته کتاب شما، تفاهای پاروسوتی است. چگونه تفاهای کتاب شما، تفاهای پاروسوتی است؟

پاروسوتی در این کتاب چگونه بوده؟
من چهارمباری نظریه‌پرداز فکر از چارلیوب، پاروسوتی استفاده کرده‌ام ولی از لحاظ محتوایی ضرورتاً این کار را نکرده‌ام و هر جا هم عبارتی مربوط به پاروسوتی بوده، است هم‌معنا کرده‌ام که نقل قول است یا از پاروسوتی وام گرفته‌ام. بقیه هم‌معنا مربوط به پاروسوتی نمی‌شود ولی آنچه ممکن است خواننده را به اشتباه بیندازد این است که ما چون سخن‌اراد قائل پاروسوتی بیان کرده‌ایم، تصور می‌شود مطالب از آن پاروسوتی است. در صورتی که اصلاً پاروسوتی چیزی نیست.

فصلی از کتاب شما به «نظم یا اختیاضی دارد و در آخر کتاب هم پویایی را یکی از مفاهیم بطور موزع نظر بهکشت اجتماعی دانسته‌اند. مزم نظم پویای اجتماعی

و تغییرات تدریجی اجتماعی در چیست؟
باید سعی کرد در نظم‌هایی که طراحی و مدیریت می‌شود، نظمی یا تغییرپذیری بالا داشته باشیم تا خودشان قابلیت تغییر، داشته باشد. به‌عبارت‌عبارت نظم، ایستادگیات و مقاوم در مقابل تغییر است. مانیست چون نظم و تغییر دو وجه یک چیز هستند. حتی بعضی رتجیح می‌دهند به جای استفاده از کلمه نظم از مصدر آن یعنی انظم دهندگی را می‌گویند. یعنی چیزی که دائم در حال شدن و تحول است. به همین جهت من

سعی کردم که بحث پویایی را در نظم مطرح کنم. نظم اجتماعی باید پویایی داشته باشد، تغییر کند و بتواند تغییرات را تحمل کند. در جوامع جدید ممکن است مثل جوامع روستایی و قدیمی بدون دخالت نخبگان، نظم اجتماعی خودبه‌خود برقرار شود؟

اگر این امکان وجود داشت که دیگر لزومی به تألیف کتاب «جامعه‌شناسی نظم» و امثال آن نبود، یک نکته در تنظیم نهادی نظم‌های پیچیده امروزی در بعد هنجاری‌اش قابل توجه است که در جوامع جدید که پیچیدگی، جمعیت، تفکیک اجتماعی و تخصص بسیار زیاد شده است و به همان اندازه خرده گروه‌ها و خرده فرهنگ‌ها اضافه شده است که اگر کمی ریاضیاتی نگاه کنیم خواهیم دید که تعداد، زیاد و متنوع شده است، بنابراین اگر بخواهیم به تنظیم هنجاری چنین جامعه‌ای برسیم از لحاظ اخلاقی و هنجاری باید حتماً تعداد اصولمان کم، عمومی، متنوع، بازگشتند و مقدس باشد که فقدان هر کدام از اینها، مشکل‌ساز خواهد بود.

**رابطه جامعه‌شناسی نظم با دیگر علوم انسانی را چگونه می‌بینید؟**

علوم دیگر صددرصد با این حوزه در ارتباط هستند، چون نظم هم ایجاد مختلف و هم سطح مختلفی در جامعه دارد یعنی هم در سطح خرده‌میان، کلان و فراملی مطرح می‌شود و هم حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را در برمی‌گیرد. بنابراین در اینجا خیلی از کارها را می‌توان به صورت میان‌رشته‌ای انجام داد یا حتی اگر خوش یک‌گفته می‌رویم از کل نظم وارد شد می‌تواند در قسمت مربوط به خودش کار کند و کلاً همه علوم انسانی می‌توانند سهمی در فهم بهتر مطلب داشته باشند. پس شناخت نظم اجتماعی یا همه ایجاد آن یکی تلاش میان‌رشته‌ای را می‌طلبد. به عبارتی یک شخص به تنهایی حلال چه قصه‌ها، چه جامعه‌شناسی از جمله مطالعات جامعه‌شناختی نیاز به مطالعه میان‌رشته‌ای و بین‌رشته‌ای دارد و در مورد مطالعه نظم هم صادق است ولی این به معنای کوشش نکردن محققان برای کسب حواب و پاسخ‌های مشروطی نیست، که در مسأله نظم در بحث وجود دارد، یکی بحث‌های ژورنیک دارد ای است که صیغه فلسفه و نظری هم می‌تواند باشد. مثلاً منظم‌نظم چیست؟ نظم چگونه به وجود می‌آید؟

این فقط در مورد نظم اجتماعی نیست، روزبه‌روز که جلوی رومر بر پیچیدگی موضوعات اضافه می‌شود، مطالعات علمی از جمله مطالعات جامعه‌شناختی نیاز به مطالعه میان‌رشته‌ای و بین‌رشته‌ای دارد و در مورد مطالعه نظم هم صادق است ولی این به معنای کوشش نکردن محققان برای کسب حواب و پاسخ‌های مشروطی نیست، که در مسأله نظم در بحث وجود دارد، یکی بحث‌های ژورنیک دارد ای است که صیغه فلسفه و نظری هم می‌تواند باشد. مثلاً منظم‌نظم چیست؟

نظم چگونه به وجود می‌آید؟
میحت دیگر به چگونگی حفظ نظم‌های مستقر می‌پردازم. صفات این نظم چیست؟ علائله است؟ فرایگ است؟ نسجام دارد؟ پویا است؟ این مباحث هم خیلی مهم است که می‌توان در آن تئوری‌پردازی‌ها و تحقیقاتی چه از لحاظ نظری و چه از نظر تجربی در آن صورت داد.
**سحوا و زویموان** کتاب شما نشان‌دهنده نظری بودن این کتاب است. **اصولا میانی و رویکردهای جامعه‌شناسی نظری چگونه است؟**

متأ مقانه در ایران کمتر راجع به جامعه‌شناسی نظری کار شده است و بیشتر راجع به نظریه‌های جامعه‌شناسی کار شده است. اما جامعه‌شناسی نظری - که من کتاب خودم را زیرمجموعه این شاخه می‌دانم - کارش بررسی و مقایسه نظریه‌ها و ارتباط دادن نظریه‌ها با هم و بررسی زیرساخت‌های نظریه‌هاست که کاری فراتحلیلی است. با بررسی زیرساخت‌های نظریه‌ها می‌توان پی چگونگی و رقیب یکدیگر هستند را با هم ترکیب کرد. البته واقعیت اجتماعی اقتدار نودرتو، پیچیده و سیال است که ما باید تورا یا شبکه‌ای از نظریه‌ها داشته باشیم که ما را به فهم بهتر و پیشتر عالم نزدیک کند و هیچ تئوری به تنهایی نمی‌تواند این کار را بکند و جایی که بتواند این تورا را تشکیل دهد و تئوری‌ها را با هم ترکیب کند، در مطالعات نظری از جمله جامعه‌شناسی نظری است.

**یعنی جامعه‌شناسی نظری معرفی درجه دوم است که به بررسی خود علم جامعه‌شناسی می‌پردازد؟**

نه، جامعه‌شناسی نظری صرفاً به بررسی خود جامعه‌شناسی نمی‌پردازد، بلکه در آن واقعیت اجتماعی و مسائل اجتماعی لحاظ می‌شود. به عبارتی کار جامعه‌شناسی نظری بررسی ارتباط تئوری‌ها با یکدیگر است نه ارزیابی آنها، بدین معنا که در مسیر تئوری‌سازی قرار دارد. مثلاً جامعه‌شناسی ریاضی و مباحث منطقی در اینجا جای دارد. همچنین بررسی رابطه مفاهیم، شبکه مفاهیم و شبکه تئوری‌ها همه جز مباحث جامعه‌شناسی نظری است.

**در مقابل، جامعه‌شناسی تجربی چگونه است؟**

در مقابل جامعه‌شناسی نظری، جامعه‌شناسی تجربی وجود دارد و جامعه‌شناسی تاریخ تطبیقی که راجع به سیستم‌های تجربی کار می‌کنند. در جامعه‌شناسی نظری با سیستم‌های تحلیلی کار می‌کنند اما در جامعه‌شناسی تجربی با سیستم‌های تحلیلی کار نمی‌شود بلکه با سیستم‌هایی که روی زمین کار می‌شود و کار دارد، اما هر دو مکمل یکدیگرند.

با عخطر ساده‌گویی می‌توانیم بگوییم جامعه‌شناسی از سه بخش جامعه‌شناسی نظری، جامعه‌شناسی تجربی و جامعه‌شناسی تاریخ تطبیقی تشکیل شده است و اینها همه مکمل هم هستند و هر کدام بدون دیگری ناقص است.

**نشانه‌های نظم و بی‌نظمی اجتماعی چیست؟**



**در مقابل جامعه‌شناسی نظری، جامعه‌شناسی تجربی وجود دارد و جامعه‌شناسی تاریخ تطبیقی که راجع به سیستم‌های تجربی کار می‌کنند**

یکی از معرفت‌های کلی بی‌نظمی اجتماعی، آتومی (بی‌هنجاری) اجتماعی است، به این معنا که مراجع به موضوعی قاعده‌ناشدته یا بنیام یا قاعده‌هایی داشته باشیم که باهم تقاضی منتهی اجتماعی باهمام دارند. هر کدام از اینها می‌تواند منشأ بی‌نظمی اجتماعی باشد. کشور‌های در حال گذار بیشتر با آن دست به گریبان هستند و نشان‌اش هم ندانم‌کاری است. مثلاً فرض کنید دختر دانشجویی می‌خواهد ازدواج کند، نمی‌داند منتظر خواستگار باشد، خودش اقدام کند و… علامت دیگر بی‌نظمی نابرابری‌های اجتماعی است. یعنی ندانیم قواعد توزیع منابع ارزشمند در جامعه چیست؟ هنجار‌های توزیمی کدام است و آیا ما آنها را قبول داریم یا خیر؟ حاصل این نابرابری‌ها ایجاد تضاد توزیمی می‌کند و تضادهای توزیمی در جامعه و نظم جامعه محلال ایجاد می‌کند. بی‌عدالتی هم یکی دیگر از نشانه‌های بی‌نظمی اجتماعی است. نظم اجتماعی نظمی است که خیلی از زور و زورپز باشد. گرچه این نظم کمی ایده‌آل به نظر می‌آید اما باید سعی کنیم به سمت آن حرکت کنیم.

**نظم اجتماعی را در ایران چگونه ارزیابی می‌کنید؟**
در ایران از گذشته (قبل از وجود تکنولوژی و فن) تا به امروز با مشکل «سازماندهی اجتماعی» روبه‌رو بودیم، به این دلیل که نظم جامعه‌ما از دیرباز همیشه بی‌نظم سیاسی داشته است یعنی تغییر و تحول در تنظیم امور بیشتر صیغه سیاسی داشته که آن هم نامحدود شکستده بوده است.

برای رسیدن به نظم اجتماعی باید نخبگان فکری و فرهنگی ابتدا مسأله صحیحی را در این باره تدوین کنند به طوری‌که به همه ایجاد آن به شکل علمی پرداخته شده باشد که از آن بتوان به یک اجماع فکری معقولانه جهت نظامی علائله، فرایگ، همدلانه و پویا رسید.



## پیام عشق و انسانیت

**فکت‌وگو** با ایرج ستوده

ایرج ستوده یک دهه است که در کشورهای مختلف در عرصه فرهنگی و نویسنگی فعالیت می‌کند و با شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب در کشورهای مختلف اروپایی، آسیایی و آفریقایی موفقیت‌گسب کرده و ارتباط‌هایی با نخبان از لامل علم و ادبیات جهان برقرار کرده است. ستوده تاکنون کتاب‌های غیر انتهای خود به دنبال نیمه گذشته خود، غریبه در آن سوی مرزها، آشای شبی با من ملارا، کن، میراث از انسان نمی‌یابی، و تو می‌اندیشم و مسخر خانات یکجاست را منتشر کرده و کتاب‌های یک نگاه، سوخندل و با عشق تو جان می‌گیرم را زیر چاپ دارد

ستوده در نوشته‌ها و سخنانش پیام عشق و انسانیت می‌دهد و کتاب میراث از انسان نمی‌یابی و تازه در دو فصل پرسنگو در سال ۱۳۹۳ بوده است.

**گریبا شما با آثار و نوشته‌های خود قصد دارید پیام‌های انسانیت، عشق، محبت و صلح را انتقال دهید**
ما به دنبال موضوعی هستیم که جهان دیزور و امروز ساده از کنار آن گذشته‌اند. آثار در کشورهای مختلف به‌ویژه جهان سوم افرونی تلاش می‌کنند هدایای معرمان را به گوش جهانیان برسانند. من هم به‌عنوان یک مسفر فرهنگی حدودیک دهه است که به خاطر عشق به انسان در این راه تلاش می‌کنم. در کتاب میراث از انسان نمی‌یابی» که اسال‌تازه جایزه صلح پرسنگو است، تا حدودی به آزادی دیرینه‌ام رسیده‌ام. در کتاب جدیدم بزبخت‌های فقر، جنگ و انسانیت مطرح شده است.

**چرا قالب داستان و رمان را برای انتقال این پیام‌ها انتخاب کردید؟**
این کارها، چندفرهنگی است. سعی کرده‌ام درها را به هم نزدیک کنم. دردمشترک انسانیت را مطرح کردم. با وضعیت جنگ، کودتای بی‌سپرست و فقر در جهان، امروز انسانیت و محبت نیاز جهانیان است. بنابراین ساده نوشتم‌ام تا تمام مخاطبان را در بر گیرد و وقتی من‌ها ترجمه می‌شوند، ساختارشان حفظ شود.

**یعنی از آثار، تاریخی و سیاسی و بقیه در قالب رمان است.** انتخاب رمان به خاطر این بود که جایگاه رمان‌نویسی کشور را در بیرون مرزها حفظ کنم و نشان دهم که رمان‌نویسی هنوز زنده است. البته استقبال از رمان در داخل و خارج نیز موجب شد که در رمان روی بیازوم.

**رمان‌های شما سوزهای عشقی، پیش پا افتاده و تکراری و تا حدی سطحی دارند و تیر آنها هم بسیار ساده است که مخاطب لازم از تفاوت این آثار در دنیا مفاران بسیاری دارد.**
جوانان و دانشجویانی که در ایران با آنها ارتباط داریم، رمان و نوشته‌های عاشقانه را تأیید می‌کنند. در نمایشگاه کتاب سال گذشته تهران بیش از ۲ هزار اثر خودرواضا عرضه شد. جوانان اغلب با خریدن کتاب در این سوره‌ها علاقه‌مندند. آیا شما در آثار خود ملایان و ملایان از گروه را پاسخ می‌دهید؟

مخاطبان آثار من همه گروه‌ها هستند. فضاها یعنی این آثار سرگذشت‌های واقعی و برخاسته از درون جامعه است و به دل می‌نشیند. این فضاها تکراری نیست بلکه فضاهای واقعی است که من از انسان‌های ایران و جهان گرفتم و پیام انسانیت دارند و چون مردم نشسته و عاطفه هستند، از این انسان‌های می‌کنند. بسیاری فکر می‌کردند که طبل حلیی گوشر گراس به خاطر طرخ مسائل جنگ، نازی‌ها و تغییر عقیده گراس، جایزه نوبل را برده است در حالی که اصل کتاب عشق و با هم بودن را بیان می‌کند. نظیر امروز از آثاری که به مفاهیم عشق و مهرورزی می‌پردازند، استقبال می‌کند.

**هر اثر، حتی اگر عالیترین مفاهیم را داشته باشد، اما این مفاهیم در قلم و نثری پیش پا افتاده و سطحی بیان شود، نمی‌تواند مخاطب را با خود همراه کند.** احساس می‌شود تیر آثار شما هم جدایت لازم را برای انتقال تیر این کتاب‌ها از ویژگی‌های مثبت آنهاست.

مخاطبان تازه و نمی‌توانند آنها را با خود همراه کنند. در شرایطی پیش می‌رود که ممکن نیست. مطلب را در لحظه خود بایگانی می‌کنند. بنابراین افرو عشق به دنبال سادگی هستند و این ترسه‌ها ذهن مخاطبان را حسنه نمی‌کند و در ذهن خوانندگان توفیق می‌کند. قرار بود این کتاب از طریق دفتر پرسنگو در ایران به پاریس فرستاده شود اما با تغییر مزیت این امکان فراهم نشد و من با دفتر پرسنگو در سوئد ارتباط برقرار کردم و این کتاب به همراه کتاب دیگری را سوئد برای دریافت جایزه صلح یونسکو نامزد شد. از بین ۳۰۰ عنوان کتاب از ۱۳۰ کشور انتخاب شد. به هر حال تلاش این بود که به عنوان مسفر کوچک این مرز و بوم، پرچم ایران را به نام ایران و قلم ایرانی به افتراز داروزیم آمد. مسأله‌ها درستانی که در ایران بودند، کفایتی کردند.

**کتاب در واقع سعی که در دست انتشار دارید چه مسأله‌ای را مطرح می‌کند؟**
این کتاب یک دهه از خاطرات من در کشورهای مختلف است که در آن هم مسائلی مانند فقر، جنگ، صلح و انسانیت را مطرح کرده‌ام تا صدای محرومان جهان را به گوش همه برسانم. این کتاب برای تصویر سازی است و به‌زودی به زبان فارسی و انگلیسی منتشر می‌شود. مقدمه و مختصری از کتاب برای آکادمی‌های نیویورک، اسپانیا، ایالتا، تورژ، سوئد، کانادا و فرانسه ارسال شده و آنها اظهار تمایل کرده‌اند که پس از انتشار، کتاب برای آنها فرستاده شود و امیدوارم که جایگاه خوبی پیدا کند.

**شما علاوه بر فعالیت در حوزه نویسندگی، در نمایشگاه‌های بین‌المللی مختلف و ارتباطی با کشورهای دیگر فعالیت دارید. به نظر شما برای ارتباط نویسندگان و نخبان از کشورها و فراهم کردن زمینه حضور آنان و دورتیجه‌ها آثار در سایر کشورها چه باید کرد؟**

مسأله‌ها سوولان ایران نیست به فعالیت‌های فرهنگی ورودیم‌زی می‌توانیم. من به‌عنوان عضو ارتباطاتی را با سایر کشورها در نمایشگاه‌های برای معرفی کتاب و فرهنگ ایرانی برقرار کرده‌ام. چندین بار نخبان را به نمایشگاه‌های مختلف دیگر کشورها دعوت کرده‌ام. نخبان را راهنمایی و معرفی می‌کنم اما این وظیفه شخص من نیست که راه فرهنگی را هموار کنم. کسانی که دست‌اندرکار معیام فرهنگی هستند این زمینه این ارتباطات را فراهم کنند اما مسأله‌ها کفرایی می‌کنند و این درد است.





مریم سجاری

## اصلاحات آموزشی و مدرن سازی

**گفت وگو با دکتر محمدرضا سرکار آرائی درباره کتاب اصلاحات آموزشی و مدرن سازی**

محمدرضا سرکارآرائی، از جمله چهره های قابل افتخار و حوزه مطالعات تطبیقی آموزش و پرورش است که تجربه حضور در برخی کشورها از جمله ژاپن را با خود دارد. با وی به پهنه تازه‌یون تألیف «اصلاحات آموزشی و مدرن‌سازی» با تأکید بر مطالعه تطبیقی آموزش و پرورش ایران و ژاپن» که از سوی انتشارات روزنگار به چاپ رسیده، گفت‌وگویی کرده‌ایم که می‌خوانید.

**ابتدا بفرمایید انگیزه شما از تدوین حاضر (مطالعه تطبیقی آموزش و پرورش ایران و ژاپن) چه بود؟**

کیبودی که در زمینه اصلاحات و مدرن‌سازی و استفاده از تجربه‌های دیگران احساس می‌کردم باعث شد تا سعی کنم از تجربه‌های این دو توسعه، تعمیم و پیشرفت وضعیت آموزش و پرورش برسی‌ها مورد استفاده مسئولان آموزش و پرورش قرار گیرد و در حل مشکلات موجود آموزش و پرورش به آنها کمک کند و از بروز لغزش‌های احتمالی در زمینه اقتباس از نظام‌های آموزش و پرورش سایر کشورها بایکون مطالعه دقیق و بررسی همه‌جانبه جلوگیری کند.

این بررسی‌ها برای محققان و خوانندگان نیز مؤثر است. مفید است، چرا که نتایج حاصل از آن گویای نکات آموزنده‌ای در خصوص اصلاحات آموزشی بر فرایند مدرن‌سازی ژاپن، تاریخ تحول، ساختار، سازمان و مدیریت، اصول و مبانی و ویژگی‌ها و دشواری‌های آموزش و پرورش ژاپن و ایران است.

**چرا برای انجام این بررسی تطبیقی دو بین کشورهای پیشرفته کشور ژاپن را انتخاب کرده‌ا؟**

در انتخاب نظام آموزش و پرورش ژاپن بنده جنبه‌های مختلف را مدنظر گرفتم، به‌علاصا مورد توجه شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش در اعزام هیأتی برای مطالعه نظام آموزشی ژاپن نیز بوده است که برخی از جنبه‌های آن اشاره می‌کنم. نایب‌فرمودن کرد پیشرفت‌های اساسی وسیع و سریع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ژاپن طی چهار دهه پایانی قرن بیستم، آن را در شمار دومین کشور نیرومند اقتصادی جهان قرار داده است و به نظر بنده ژاپن از حد یک کشور مترقی گذشته و در لطفبه رسیدن به پرورش داندن‌دهمین ساله تأثیر بسزایی در کاهش بار مالی دولت در انجام مسؤلیت سنگین و تعمیم گسترش آموزش و پرورش عمومی، فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی دارد. نکته حائز اهمیت دیگر استفاده وسیع از روش‌های نوین آموزشی در دوره‌های مختلف آموزش و پرورش، تأکید بر خلاقیت و ابتکار و دوری از هر گونه تقلید کورکورانه در آموزش و پرورش است.

علاوه بر موارد فوق باید توجه داشت که ژاپن و ایران تقریباً در یک مقطع زمانی با علوم و فنون جدید و فرهنگ مغرب‌زمین آشنا شدند هر دو کشور آسیای این است که کشوری که روزی مشتاقان کله‌ی یافتن ازدمو موفقیت‌جامع صنعتی قرن بیس بوده امروزه موضوع مطالعه بسیاری از پژوهشگران جهانی با رموز موفقیت آن در توسعه سریع اقتصادی، اجتماعی

و فرهنگی موجود شده است. حتی یکی دو متفکران نیمه قرن بیستم به نام هانسه گارل (۱۸۶۹-۱۸۷۵) سرعت انجذاب آور فرایند مدرن شدن جامعه ژاپن را پس از انقلاب بیعی لیکنه تبیین می‌کنند شاید کسی افراق آمیز به نظر برسد اگر بگوییم ژاپنی‌هایی که اکنون در قید حیانتند و در ارباب سلطنت

امپراتور بیعی متولد شده‌اند، در طول مدت زندگی شان شاهد یک دوره تحول و پیشرفت ژاپن، مشابه آنچه در اروپا دو تا سه قرن به دراز آتشید، بوده‌اند.

می‌بخی از آن زاپسی‌ها هستم.

آنچه که مسلم است شما در این **پروژه تمام تلاشان** بر این بوده است که نظام آموزش و پرورش را که ایناگر نقش مهمی در مدرن‌سازی جامعه و توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی یک جامعه بوده، معرفی کنید. در این مورد ادتکی توضیح دهید.

بله در عین حال، سعی کرده‌ام آنچه را که موجب این تحول بزرگ و پیشرفت همه‌جانبه است بشناسانم تا مورد بررسی دقیق و توجه عمیق قرار گیرد و از تجربه‌های آن بهره‌برداری شود در صورت هماهنگی و سازگاری با شرایط فرهنگی و نظام ارزش‌های اجتماعی کشور، آموخته و با رعایت تمام جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی آن به کار گرفته شود.



**نظام آموزش و پرورش ایران تأکید بسیار بر گذراندن حجم محتوای مشخص شده از طرف سازمان‌های مسؤول دارد و محتوای کتاب‌های درسی محور فعالیت‌های معلم و دانش آموز محسوب می‌گردد.**

با توجه به اینکه در زمینه آموزش و پرورش مطالعات تطبیقی انجام داده‌ایم، تصور می‌کنید که آیا کشور ژاپن در امر آموزش و پرورش موفق بوده است یا نه؟
مطالعات تطبیقی آموزش و پرورش نشانگر این است که آموزش و پرورش عمومی و بویژه دوره ابتدایی در ژاپن از کیفیت بالایی برخوردار است و بنده با ذکر چند نمونه نتایج حاصل از پژوهش پژوهشگران صحت این مسأله را برای شما روایت می‌کنم.
(ازراواگل یکی از استادان دانشگاه هاروارد، در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که کودکان ژاپنی که دوره آموزش عمومی خود را در مدارس اطراف شهرهای آمریکا به اتمام رسانده‌اند، وقتی به ژاپن برمی‌گردند، یک تا دو سال در دروس‌های علوم طبیعی و ریاضیات نسبت به همسالان خود که در ژاپن تحصیل کرده‌اند، عقب‌ترند.
ناتان گلاره طی پژوهش‌هایی در این زمینه چنین می‌گوید که: «ژاپن براساس نتایج ۱۲ آزمون دانش ریاضیات که در سال ۱۹۶۹ برای دانش‌آموزان ۱۳ساله برگزار شد، بین ۱۲ کشور جهان مقام دوم را کسب کرد. علاوه بر آن ژاپن در سال ۱۹۷۰ از ۱۹۷۰ آزمون‌های علوم و زیست‌شناسی که از دانش‌آموزان ۱۰ تا ۱۲ ساله به عمل آمد مقام اول و در دانش عمومی مقام دوم را کسب کرد.
در سال ۱۹۶۹ کشور جهان به دست آورد. همچنین پژوهش‌های تطبیقی ثابت نیز نشان می‌دهد که ژاپنی‌ها در مقایسه با آمریکایی‌ها حتی مردم در سایر کشورهای صنعتی قوانینی را کمتر ناده‌ی می‌گیرند و این مسأله را در حدود زیادی به موفقیت آموزش و پرورش مدارس دوره ابتدایی در پرورش اجتماعی

و اخلاقی و مهارت‌های زندگی کودکان نسبت داده‌اند. همچنین بسیاری از پژوهشگران، آموزش و پرورش ابتدایی ژاپن را در زمینه خواندن، موسیقی، هنر و مطالعات اجتماعی موفق‌تر از آمریکا می‌دانند.
نتایج این پژوهش‌ها و سایر پژوهش‌های دیگر، نشانگر این مسأله است که ژاپن در زمینه نظام آموزش و پرورش، کشوری موفق بوده است و همچنان نیز در این زمینه موفق است.

شما در بخشی از کتابتان آورده‌اید که وام‌گیری تلفظ اصول، هدف‌ها، محتوا و برنامه‌های درسی نظام آموزش و پرورش فعلی از غرب، سبب ایجاد مشکلات فراوانی در راه ازیختن نظام آموزش و پرورش ایران شده است. می‌خواستم پرسیم که این وام‌گیری تلفظ به صورت مفصلی در چه بخش‌هایی تأثیرات منفی نهاده؟

ببینید، وام‌گیری اصول، هدف‌ها و مبانی آموزش و پرورش از کشورهای پیشرفته در گذشته نظام آموزش و پرورش ایران را از بین‌بهای نظری مؤثر بی‌بهره ساخته و ادبیات علمی توسعه‌نیافته‌ای را بر آن تحمیل کرده است و میزان بهره‌گیری از ظرفیت‌های حرفه‌ای موجود را کاهش داده، موفق مدیران را در بازی رساندن به توسعه ظرفیت‌های حرفه‌ای بویژه در ارتباط با منابع انسانی سلب کرده است.

نظام آموزش و پروش ایران تأکید بسیار بر گذراندن حجم محتوای مشخص شده از طرف سازمان‌های مسؤول دارد و محتوای کتاب‌های درسی محور فعالیت‌های معلم و دانش آموز محسوب می‌گردد.
بعلاصا با نیازهای اقتصادی و اجتماعی هماهنگی ندارد و به استمدادها، علاقه‌ها و تفاوت‌های فردی افراد توجه نمی‌شود و با ویژگی‌های دوره‌های مختلف رشد انسان سازگار نیستند و نتیجه افت تحصیلی خسارت‌باری را به همراه دارند. البته بخش عمده‌ای از برنامه‌های آموزش و درسی جنبه کاربردی لازم را ندارند و ارتباط با زندگی اجتماعی در آنها لحاظ نشده، بیشتر به محفوظات تکیه دارند و به کارگیری آموخته‌ها در عمل با دشواری‌های جدی روبه‌روست.
تحصیلات نه تنها در جهان خارج از کلاس ارتباط کمتری دارد و ضروریات زندگی فردی و اجتماعی امرتجه نیست که به شکل نظری و تئزاعی ارائه می‌شود و جز به گرفتن مدرک مشخصی نمی‌انجامد.
در واقع ارزشیابی به نحو جامعی انجام نمی‌شود به شدت متمرکز است، اختیارات لازم معلم را سلب می‌کنند، محور فعالیت‌های آموزش و پرورش معلمان و دانش‌آموزان است. نیازهای فردی توانایی‌ها، علائق و بسیاری از اصول، عوامل و عناصر وحتهی هدف‌های آموزش و پرورش را تحت الشعاع قرار داده است و شرط عبور از یک پایه تحصیلی به پایه دیگر می‌باشد.
در اجرای برنامه‌های درسی از وسایلی کمک‌آموزشی در حد بسیار ابتدایی استفاده می‌شود و بسیاری از مدارس از حداقل کمک‌آموزشی بی‌بهره‌اند.

**آنچه‌ان که در کتاب قید کرده‌اید در ۸۰ سال گذشته، در آموزش و پرورش ایران نظام آموزشی تغییرات فراوانی کرده است (به طورمتوسط هر ۱۰سال یکبار) این وضعیت چه زیان‌هایی را نصیب نظام آموزشی و در نهایت معلمان و دانش‌آموزان کرده است؟**

مهمترین عامل در تغییرات بی‌درپی و تضادات این است که مصمولات دوران مدرن را پذیرفته‌ایم اما آمادگی پذیرش فرآیندهای وریشه‌های برخی‌ها که منجر به این میوه‌ها می‌شود را نداریم.
این مشکل را برای صنعتی‌شدن هم داشته‌ییم و همچنان‌رای مدیران شدن نیز داریم و برای گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات هم با آن مواجه هستیم. ما اینترنت و کامپیوتر

را می‌پذیریم اما می‌خواهیم قواعد فعالیت را در این حوزه دستکاری کنیم و این پیامدهای بسیاری را موجب می‌شود. از جمله رایج‌ترین آنها، تغییرات ساختاری بی‌درپی و خسارت‌آور حوزه‌های مختلف است.

این دستکاری‌ها اگر به معنای بومی کردن و فناوری باشد، نیازمند ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بسیاری است که در فرامه کردن ظرفیت‌ها دچار مشکل هستیم و معمولاً به تغییرات بی‌درپی و خسارت‌آور می‌دهیم که آموزش و پرورش یکی از این زمینه‌هاست. تغییرات مداوم نظام آموزشی در هشتاد سال گذشته ناشی از ناتوانی مدیریت و نوسازی آموزش و پرورش و فقدان روش‌شناسی اصلاحات آموزشی است. فرایند تصمیم‌سازی در مدیریت اصلاحات آموزشی معمولاً تابعی از فرایند مدرن‌سازی جامعه ایران بوده و از بالا به پایین شکل گرفته است. زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی

تعمیلات جامعه‌شناختی اجرای آنها کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند و اغلب تحت نجات تحولات سیاسی ایران بوده است. در نظام آموزش و پرورش ایران وفای ذهنی و قلبی لازم در خصوص مسائل تریین و مهمترین ارکان پرورش و آموزش انسان به وجود نیامده است. مسأله‌تقاضای مذهبی گسترش پیدا کرده است و گسترش و توسعه‌یاری متخلفی در این خصوص که در آموزش و پرورش رسمی چه می‌خواهیم، چرا می‌خواهیم، چگونه می‌خواهیم، فیزیکالی اعضاء است. بخشی از این شرایط احتمالاً ناشی از عدم پویایی فضای سازمانی، مدیریت غیرمشاطکی و افاده آموزش و پرورش به روش‌های غیرمدرن‌گرایک است و بخشی دیگر ناشی از تنش‌های عمده است که سیاستگذاری آموزشی و برنامه راهبردی مجعی برای انسجام و علیه بر آنها وجود ندارد؛ تنش بین جهانی شدن و بومی ماندن؛ تنش بین خرد جمعی و تفکر فردی، تنش بین سنت‌گرایی و تجدد؛ تنش بین روزمردگی و ضرورت رفقت و فراهم آوردن فرصت‌های برابر برای همه؛ تنش میان انتجار افلاحت، اقتصادناشن ظرفیت‌های انسان در توزیع و مصرف اطلاعات و نهایتاً تنش میان بعد مادی و فیزیماهی تمدن، جهان و مادیات و معنویات و میان پرورش و آموزش و... به نظر شما چه مهارت‌هایی بایدآموزده در جهت پرورش مهارت‌های آموزش و پرورش گویمانگاده شود؟

می‌توانیم مهارت باید در خصوص پرورش کودکان افعال‌شده، توسعه اول مهارت‌های ادراکی از جمله، درک جهان، اطلاعات، محیطزیست، بهداشت و سلامت و... است و دسته دوم مهارت‌های علمی است که آن‌ها هم مهارت‌هایی چون، کشف چالش‌ها، رویه‌رو شدن با چالش‌ها، مهارت دیدگاه، یادگیری، تفکر، توانایی جست‌وجوی چالش‌های مشکل‌فعل و خلق توانایی تفکر دیربازه مهارت‌های فنی چون جست‌وجوی مسائل، گفتن و شنیدن و پژوهش و... است.

**آیا این اقدامات برای پرورش مهارت‌ها کافی است؟**
بله.



سجاد مسلمانزاده

پیش از آنکه به آورد رای‌ی، به صورت جزئی‌تر پیرزاییم، یادآوری چند نکته کوچک بی‌فایده نخواهد بود،

چراکه ساختار نوشته، خود ساختار نقد و یادداشت روی آن را تعیین می‌کند.

در سال‌های اخیر، تئوری‌هایی مطرح شده است که «طبق آنها، مرزهای بین ژانرهای ادبی» هنری، اجتماعی و... محذوف شده‌اند. امروزه کلمه متن به هر نوع ساختاری اطلاق می‌شود، به این ترتیب که، رمان و شعر با هم می‌آمیزند، یا رمان با فلسفه یا جامعه‌شناسی یکی می‌شود و به اثر تولید شده، فقط عنوان متن تعقل می‌گیرد. گسترش معنای کلمه متن از این هم فراتر می‌رود و حتی فیلم‌های سینمایی، عکس، تئاتر و… هم عنوان متن را بر خود می‌بینند. این نکته بسیار شده تا چارچوب‌های سابق بشکند و طرخی نو در فرهنگ ادب‌ناشته شود. به طور مثال، نقدی که امروزه روی یک رمان نوشته می‌شود، خود، اثر هنری دیگری می‌شود و روی آن نقد دیگری نوشته می‌شود و…

از طرف دیگر، طی همین تئوری‌ها، نکته دیگری که بیان می‌شود، فرانت معطوف به متن است. در این نوع نگارش، «متن» طبق ساختاری که سوزه تعیین می‌کند، ساخته می‌شود و شکل آن را به خود می‌گیرد. فکر می‌کنم با چند مثال این قضیه روشن‌تر می‌شود. در نظر بگیریم که قر از است متنی در مورد یک بیمار روانی نویسنده، ساختار جدید پیشنهاد می‌کند که متن نشام، دارای یک ساختار روانی و از هم گسسته باشد. «متکب ادبی یک نیویورک»، به دلیل علاقه‌اش به این سوزه، در حال کار و اعتلای «متن‌های

ژیوروفریک» است، متن‌هایی که به هم ریخته‌اند و ظاهراً ساختار ندارند. در حالی‌که خود یک ساختار جدید بنا می‌کنند.

در مورد نوشتن متون تاریخی هم، شکل روایت از سوزه‌ای که در مورد آن نوشته شود، تأثیر می‌پذیرد. آورد رای‌ی هم، چنین کرده است. این کتاب که در ظاهر، قصه «مقتاحیه» را روایت می‌کند و در درون، قصه عشق را از ساختار متون کهن بهره می‌برد. «رواد رای‌ی» سرگذشت جوانی است که دارای پدر و مادری ناشناخته است. او که سال‌های کودکی و نوجوانی اش را، در «روینوز دارالمفتاح» گذرانده، مورد لطف مخصوص «مفتاح اعظم» نیز هست. جوان که اکثراً نام دارد، برای تحصیل علم طلب به لاهور فرستاده می‌شود. اما در آنجا، بعد از مدتی تحصیل در طب، درمی‌یابد که طاققت شرح بیماری و شکافتن تن او را ندارد و از طرف دیگر، در راه در اعضا که در جای دیگری جست‌وجو می‌کند. به همین دلیل، برای تحصیل علم کلام، به مکتب قشریه می‌رود، مکتبی که با «مقتاحیه» چندان سرسازگاری ندارد.

«کیا» از طرف دیگر دل به یکی از روسییان رودخانه راوی می‌بندد و همیشه برای تماشای رقص او به کنار رود راوی می‌رود. اما عاقبت او به دارالمفتاح برمی‌گردد و به واسطه جریان «تسحیر»، به نوعی توبه می‌کند. بعد از رفتن او نه «نهیود» جراحات او زن کیا، و به عنوان میانش، خاص مفتاح اعظم و پرشدت دارالمفتاح به آنجا می‌رود. او شفاعت زنی را می‌کند که به اهام نسبت قتل مفتاح اعظم را سر برانیده، در آنجا نگهداری می‌شود. «کیا» او را شفاعت می‌کند. اما همان زن در روز معرفی به عنوان مفتاح آیده روینوز، مفتاح اعظم را با شلیک گلوله از پای آورد و به سوی کیا هم

نگاهی به رمان رود راوی نوشته ابوتراب خسروی

## از لایه های یک متن

شلیک می‌کند و او را زخمی می‌کند.

الته این روایت این چنین ساده و سرراست هم نیست. «گایتری» همان زن سیزدهمی که کیا در لاهور دل به او باخته بود، نقشی اسطوره‌ای از عشق را بازی می‌کند. با توجه به اینکه که نام مادر کیا نیز، «گایتری» بوده است، شاید این مهم در ذهن به وجود بیاید که خود مفتاح اعظم هم روزی مانند زنی سیزدهم دیگر، به نام گایتری بوده باشد. زنی که مادر «کیا» بوده است.

معشوقه کیا، نیز

فرزندی برای او به دنیا می‌آورد و طریقه آن که برادرش شدن گایتری از راه معاشقه با کیا پامرد تسحیر، حاصل نشده است، صحنه بنده در جریان تسحیر، خود درمی‌آورد و به شکل «گایتری» را به شکل عجب، از کیا یار می‌گیرد و آن را در زهدان جیوسی اش نگه می‌دارد تا به گایتری اصلی برساند.

در کنار این روایت، لایه دیگری وجود دارد که با موازات جریان اصلی پیش می‌رود. در آن روایت، سرگذشت مفتاح اول روایت می‌شود و قسمتی از تاریخ «مقتاحیه»، مفتاح اول نیز مطلق زنی می‌شود «ام‌العیسان» نام. و پیدایش «مقتاحیه» به این عشق برمی‌گردد، عشقی که به واسطه عروج ام‌العیسان، سیزدهم، تبدیل به روایت بزرگ می‌شود و «مقتاحیه» شکل می‌گیرد. کل روایت چند لایه، به واسطه حضور توان‌مان خیال و واقعیت، رنگی از افسانه به خود گرفته است. تکرار در حال خوانش یکی از قصه‌های هزار و یک شب که با در هزارتوی یک افسانه گم‌شده، اجم، اما نکته‌ای که

### ریشه‌ها

مترجم: رضا اسدی



نویسنده: مارک ایگان

## از دنیای نوشتن



شانه» و از نیز یگانگانه، با وجود اینکه در محافل ادبی ستاره روزه ابرجی است، اما با حداقل ارج و قرب روزگارش را سپری می‌کند. او برای اولین کنایش تنها ۳۵ هزار دلار پیش پرداخت گرفت. کتاب دوم و سومش نیز به ترتیب تنها ۵۰ و ۸۰ هزار دلار بر سر می‌آش افروزد. سپس ناشر او را رها کرد و لنون «نامه‌رسان» را در ارای ۵۰هزار دلار به انتشاراشی W.W.Norton فروخت. او در این باره می‌گوید: «برای سپیر کردن شکم خانواده‌ای چهارنفره، باید این مبلغ را تا دو سال نگه دارم. البته همه ۵۰ هزار دلار به من تعلق ندارد، زیرا آذاردستش به خاطر سهم دل‌ال و مالیات کسر می‌شود. به محض آنکه حق‌التالیفشان را می‌گیرم، نیمی از آن از این می‌رود و کوهی از صورتحساب دارید که باید بپردازید.»

**مقدم هنر پیوول**

لئون که هر دو سال یک‌بار رمان تازه‌ای می‌نویسد، با فروش حقوق نشر آثارش به خارجیان و فروش داستان کوتاه و همگانه برگزاری دوره‌های آموزشی امرامعاش می‌کند. او با وجود خجالی بودن حساب بانکی‌اش، سرخه نویسنده‌گی را بر پیوول مقدم می‌داند. یک ناشر بزرگ نیویورکی، حاضر شده بود برای نامه‌رسان «معمور» دلار بی‌پروانه، ولی لنون پیشنهاد ۵۰ هزار دلاری نوتون را پذیرفت زیرا معتقد بود ویراستار آنجا می‌تواند به هر کمک کند تا کتاب بهتری بپنید آورد.

در دنیای نوشتن، همه چی کی روینگی (نویسنده) میلیارد کتاب می‌ری‌پاشی نمی‌شوند. پدیدآوردنگان اهم از شاعر و نویسنده در هر کجای دنیا باید روزهای طاقت‌فرسای رایت سر بگذارند تا به آزمایشی نسبی در کنار و زندگی دست یابند. یک نویسنده گاه برای درخشیدن به جزئی فراتر از نوشتن نیاز دارد.

حمایت کتابفروشی‌ها، اطلاع‌رسانی و تبلیغ و از همه مهمتر توجه منتقدان عواملی هستند که به این درخشش قدرت می‌بخشند. گاه آنچه در این میان اقبال برخی از نویسندگان را نزد مخاطب تأمین می‌کند، عامیانه نوشتن است، اما از آنها که آثار جدی و منتقد پسند می‌نویسد (به غیر از استثناء) گورسویو پیش دیده نخواهد شد. این وضعیت تنها به نویسندگان ایرانی محدود نمی‌شود.

مجان رابرت لوند، همه چی کی پدیدآوردنگانی است که نوشتن و زینست تبلیغ بر این اعضا صحنه می‌گذارد. این نوشتن و زینست تبلیغ را بخوانید.

با خواندن تفدهای رمان نامه‌رسان( Mailman) از «مجان رابرت لوند» شاید گمان کنید او در پیوول می‌غلند ولی با وجود نگارش چهار کتاب مستفید، وی کمکاان در حسرت کامیابی است.

تشریح «انترتینمنت» ویکی‌ا ناره‌ترین کنایش نامه‌رسان را یک کمندی سیاه خواند که «اندان‌هایش از سگ محله‌تان تیزتر است». نیویورک نامیو آن راهم پیچیده و مسحورکننده، خواند و لیون تا نوشت، نامه‌رسان فوق‌العاده بدیع است. عجیب و شگفت‌انگیز و خواندنی.»

با وجود این تمجیدهای درخشان، این رمان از زمان انتشارش در سپتامبر گذشته در فهرست پر فروش‌های سایت Amazon.com تنها حدود ۲۷ هزار جلد فروش داشته است. لئون می‌گوید که سخت تیزآمد پیوول است و تنها درآمد بخیر و نگیری دارد. او اعلام کرد: تفدهایم خوب بوده، امیدوارم مردم را به خرید این رمان ترغیب کند.

شاید علت عدم موفقیت مای لنون، موضوعات تیره و تار کتاب‌هایش باشد. یک نامه‌رسان بی‌میلالت، تأثیر سقوط هولیوود بر خانواده و دوستان فریانیان، خانواده‌ای درممانده و زندگی نوانفرسانی دامادان.

کامیابی مای و محبوبیت معر وقرشش جان لنون از گروه پینل‌ها هیچ تأثیری بر حال و روز این نویسنده نگذاشته است. پدر و مادرش نام

پدریورگی وی (جان) را برایش برگزیدند و هیچ از شهرت عضو لیفید آن گروه موسیقی پاپ افلاهی نداشتند.

لئون از هنگام انتشار نخستین کنایش دنور ستارگان در حال سقوط، به عنوان رمان‌نویس، امرامعاش می‌کند. وی که «بیمروها» و «در دشت

مترجم: رضا اسدی

جان بیکر ملینر ویراستاری نشریه پابلشز و ویکی می‌گوید: «مشکل نویسندگان همچون لئون برای کسب شهرت و مکتب تا مدودی این است که کتاب‌های وزین و تاریک چندین مورد علاقه مردم نیست.» وی می‌افزاید: «کتاب‌هایی که منتقدان می‌پسندند و مردم می‌خوانند بخردن، گاهی اوقات یکی هستند، ولی اغلب اوقات تفاوت دارند. امروزه کتاب‌های کمندی سیاه و هم‌آمیز فروش خوبی ندارند. قهرمانان چنین کسی نمی‌توانند بیشتر از چند هزار خواننده را جذب نمایند.»

برخی نویسندگان طنز سیاه مانند چاک پلایوگ و اروین ولش خوانندگان آثار تحلیلی، زنان می‌سالند هستند. بیکر می‌گوید: «پیش از ۶۰ درصد آثار ادبیات داستانی را زنان می‌خرند که اکثرشان بین ۳۵ تا ۵۵ سال سن دارند. مرمان، علاقه وافری به ادبیات داستانی ندارند.»

برخی نویسندگان طنز سیاه مانند چاک پلایوگ و اروین ولش توانسته‌اند آثارشان را در فهرست پر فروش‌ها قرار دهند. اما اغلب تنها پس از مدتی کتاب‌هایشان با فیلم‌های محبوب مانند «دانشگاه مستزنی» می‌توانند ستاره شوند.

### فیلم‌سازی

تمام دیسیپل کارگردان نیویورکی، فیلم‌سازی بر اساس رمان «بیمروها» اثر لنون را بررسی کرده، ولی مشخص نیست آن را روزی روی پرده نقرای سینما به نمایش خواهد گذاشت یا خیر. همچنین تغییر در رویه فروش کتاب، راهایی نویسندگان گمانه به اوج قله موفقیت را دشوارتر ساخته است. ناشران ناگزیر به هزاران دلار به کتابفروشی‌های تجزیه‌رای می‌پردازند تا کتاب‌هایشان در جای چشمگیری از قصه‌ها به نمایش گذاشته شوند. آنها همچنین پیوول هکنگی را بابت تبلیغات در روزنامه‌ها می‌پردازند، در نتیجه بودجه بازاربایی خود را تنها صرف نویسندگانی می‌کنند که نسبت به بافکشت موضوعات فریبا یقین دارند. لنون در انتظار طلوع ستاره اقبالش روزانه چهار ساعت را در آی‌جی‌بی بافقیه‌اش صرف نگارش می‌کند. ای بقیه ساعات روز را با دو فرزند خردسالش می‌گذراند. همانند بسیاری از رمان‌نویسان نامت نامت ناگزیر است در شهرت کوچک مانند ایچاکا در نیویورک در خانهای زندگی کند که بیشتر به دلیل کشش صاحب بلیت‌اش در آنجا ازان بود.

آیا ممکن است نویسندگانی با استعداد لنون هرگز به این فکر بکنند که کنایشی را تعمداً برای جاذبه تجاری‌اش نویسنده‌ی وی می‌گوید: «هم برای نوشتن یک داستان پلیسی درباره قتل آیده بزرگی دارم، ولی با توجه به شانسش که از خودم دارم، قبل از رسیدن به صفحه‌م، شانسم را برای قرار گرفتن در فهرست پر فروش‌ها نادیده گرفته‌ام.»

سبب می‌شود که قصه را ادامه بدهیم و از طرفی ریلمان باورپذیر هم باشد، ساختاری است که ابوتراب خسروی برای ساختار روایتش برمی‌گزیند.

او با استفاده از ساختار نثر تاریخی «مذهبی اولین قدم را در این راه برمی‌دارد. در مرحله دوم، خسروی از مرزهای «رمان مدرن» می‌گذرد و به ساختاری جدید می‌رسد. ساختاری که رمان او را تبدیل به یک متن «اینترسانه‌ای» تبدیل می‌کند.

«رود روی» متنی سهل‌الوصول نیست، چه نثر آن که ساختار متعارف حنومان را به هم می‌ریزد، چه روایت در هم تنیده آن که لحظه‌ای غفلت، سبب می‌شود سیرازه روایت از دست برود. خسروی در این نکات بسیار حرفه‌ای و دقیق عمل می‌کند.

اما نکته‌ای که ابوتراب خسروی، می‌توانست با تکیه بر آن، هر چه بیشتر ساختار متشش را به سوزه نزدیک کند، در مان می‌بینم. روایت فضایی معاصر، با روایت تاریخی تفاوت زبانی در لایه‌های مختلف روایت است. آنچنان‌که در مان فضایی معاصر است و ساختار افسانه‌ای دارد، اما تفاوت لحن، می‌توانست ساختار متن، هرچه بیشتر به سوزه نزدیک شود و متن راست‌تر خوانده شود.

«رود روی» هرگز نثر لذت من نخواهد بود، روایتی و مخاطب از خواندن آن بی بهره نخواهد بود، روایتی که آنچنان آدم را تحت تأثیر قرار می‌دهد که بعد از خواندنش، می‌خواهی بدانی «مقتاحیه» آیا الان هم حساس است؟ روایتی که تورا نسبت به همه اطرافیات حساس می‌کند. آیا این زن سیزدهم همان بازمآنده ام‌العیسان است یا نه؟ و…

**رود رای، ابوتراب خسروی، نشر قصه، تهران، ۲۵۶ صفحه، ۱۳۸۲**



**زنگ و نوا**

نگار پدرام

**گفت وگو با فرزاد فرید، مترجم**

## درباره ترجمه یک مجموعه



خیلی برابم جذاب بود، چون نثر خوبی داشت و پر از

اصطلاحات آمریکایی ویژه اصطلاحات تگزاسی است

و حتی شاید اهالی دیگر ایالت های آمریکا نیز با این

اصطلاحات آشنا نباشند.

به هر حال من کار طنز را دوست دارم ولی این را

هم بگویم که در آوردن لحن صحیح کتاب خیلی مهم

بود، در مجموع همیشه منتظر خواندن جلدهای بعدی

کتاب هستم.

**مخاطبان این کتاب، پیشتر چه گروه سنی هستند؟**

فکر می‌کردم، توجوانان و گروه سنی پایین تر از

این کتاب، پیشتر لذت برید، اما می‌بینم که توجوانان و

خوانان علاقه بیشتری به خواندن این کتاب دارند. این

مجموعه می‌تواند، بچه‌ها را به کتاب خواندن تشویق

کند.

**آیا این کتاب، دو تشریفات نقد شده است؟**

فرزاد فرید، متولد ۱۳۴۷ و فارغ‌التحصیل مترجمی

زبان انگلیسی از دانشگاه آزاد است

وی از ۶ سال پیش با ماهنامه سینمایی فیلم همکاری

داشته حدود دو سال است که در مجله دنیای تصویر

نیز فعالیت دارد.

از کارهای وی می‌توان به ترجمه مقدمه کتاب

«اریاب حلقه‌ها»، «مثل زگربا» و «رضعیای فیلم‌های

سال ۲۰۰۲ اشاره کرد.

فرید از سال ۸۰ «ترجمه مجموعه کتاب‌های «هنگ

سگ گاوچران» نوشته هانز آر اریکسون را شروع

کرده که با استقبال کودکان و توجوانان مواجه شده

است این کتاب‌ها را نشر پسر، منتشر می‌کند، با وی

درباره این مجموعه گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید.

**ابتدا دریاب، نویسنده کتاب «هنگ سگ گاوچران»**

**توضیح دهید.**

جان آر اریکسون مرزعه دار بوده و بعد از مدتی

الهیات خوانده و سپس نویسنده شده است، نویسنده

در این کتاب از تجربیات مرزعه داری، استفاده کرده و

یک مجموعه طنز ۳۰ جلدی به نام «هنگ سگ

گاوچران» منتشر کرده است.

**تاکنون چند کتاب از این مجموعه ترجمه و منتشر شده**

**است؟**

تا به حال ۶ عنوان کتاب از این مجموعه به چاپ

رسیده و جلد هفتم آن نیز بزودی منتشر می‌شود. البته

هر کدام از این جلد نیز چندبار تجدید چاپ شده‌اند.

**چرا یک کتاب مربوط به گروه سنی توجوانان را برای**

**ترجمه انتخاب کردید؟**

وقتی این کتاب به دست رسید، آن را خواندم.

### یکی از همین روزها

انتشارات نوای مدرسه مجموعه چهارجلدی به

نام‌های ایچه خوب میگه طمع کاری نه، ایچه خوب

میگه اسراف کاری نه، ایچه خوب میگه قفسولی نه

و ایچه خوب می‌که زورگویی نه نوشته زویی بری با

توجه امیر صالحی طالقانی را در دست انتشار دارد.

این انتشارات ۱۶ جلد از مجموعه آفرین پسر

گلم، آفرین دختر گلم، نوشته اعظم تبرلی را نیز زیر

چاپ دارد. این مجموعه را یاسمن اکبری

نظریرگری کرده است.

انتشارات منادی تربیت کتاب‌های زیر را منتشر

می‌کند.

داستان‌های شگسپیر(۳ جلد)، گردآورنده:

محمدکاظم مزیانی

«آنجیک یک توجوان برای دوران بلوغ باید بداند»

نویسنده: دکتر محمدرضا شرفی

اصدلی حاکسته‌اند نویسنده:محمدکاظم

مزیانی

«من آمیم» دکتر علی زریف

«خرمغولی نارس» نویسنده:محمدعلی شامانی

ایپرمرد و درخت» نویسنده: لیلی غفارزاده

«قورباغه‌ای که ترمز بریده بوده» نویسنده:

محمدعلی شامانی

### بر وپچه‌ها



### جعفر نوزنده جانی

جعفر نوزنده جانی داستان زندگی برمهنا را در

انتشارات مدرسه آمده چاپ دارد. برمهنا یکی از افرادی

بود که در قرن ۱۸ میلادی با هندی‌ها درگیر شد و همچنین

در آفریقای جنوبی، خاکنگ، نقش موزی داشت.

نوزنده جانی مشغول نگارش نهمی یک‌برون لذتزی

پانام موقت دختر اریاب، است. این کتاب با تشریح ماه‌ها

و اسطوره‌ها قدیم ایران است که محدود به مکان

جغرافیای خاصی نیست. کتاب «مردی که گم شده بوده

این نویسنده نیز چندی پیش توسط انتشارات به‌نشر تجدید

چاپ شده است.

نوزنده جانی یک رمان برای توجوانان به نام «بلوغ

زمستانی» نیز آمده چاپ دارد.

وی اولین جلدی موزگان آبیانات کوک و توجوان را

برای نگارش کتاب مهمانی خوبا، به دست آوردن کتاب

پاییز لاسال توسط نشر پرهان به چاپ سوم رسیده است.

### سوسین شهریان

سوسین شهریان مجموعه ۴ جلدی «ماجراهای گل

گندم» را در دست تصویرگری دارد، نویسنده این مجموعه

منیزه پدرازی است و نشر تاریخ و فرهنگ آن را منتشر

خواهد کرد.

شهریان سه کتاب از مرتضی خسروزاده به نام‌های

«ماه با من است»، «از همه من غول‌ترم» و «درست مثل هم»

را در به‌نشر زیر چاپ دارد.آخرین کتاب این تصویرگر،

«مسکند و دختر شاه پریان» از مجموعه مسکند، در سال

۸۰ توسط نشر پدایش منتشر شده است. این مجموعه را

محمدکاظم مزیانی نوشته است.

### سوسن طالقیدیس

سوسن طالقیدیس یک داستان بلند برای توجوانان به

نام «پشتونگی برای تو می‌خواند» را در دست نگارش دارد.

وی همچنین دو کتاب به نام‌های «تسلیح آبیجوری

درباره تسلیح است که هنوز تصمیم نگرفته چگونه

تسلیح می‌شاند.

طاقیدیس یک مجموعه ۷ جلدی «کتاب‌های درانه

من می‌است» به‌قدم باره‌هم، را در انتشارات کانون پرورش

فکری کودکان و توجوانان زیر چاپ دارد.

وی نویسنده یک هیوز نام آن را انتخاب نکرده است.انتشارات

به‌نشر کتاب‌های امنگی و میوه، قدیم زن خویشیت» و

«آن شب که مترسک‌ها»، را از این نویسنده منتشر خواهد

کرد.طاقیدیس کتاب‌های «موزه‌های زنده، «یک راه دور و

دراز» «همراه سال نگاه» «سیاه‌ای زیر نور ماه» قصه یک

شفاقت تیار» «جی» «جی» و «چراغ‌خامس‌ها می‌شکنند» را

در نشر شیربازیر زیر چاپ دارد.

بله، در جهان کتاب ملمسی درباره آن نوشته شد.

با توجه به اینکه شما کار روزنامه‌نگاری هم انجام

می‌دهید، آیا با تشریفات ویژه کودکان و توجوانان آشنایی

دارید؟ نظر شما درباره آنها چیست؟

من قبل از انقلاب کیهان بچه‌ها می‌خواندم، نشریه

پر بار و خوبی بود. یادم هست برای چاپ شدن آن

روزشماری می‌کردم. اما سال‌هاست که چندان تشریفات

کو دکان و توجوانان را نمی‌خوانم. ولی فکر می‌کنم،

بچه‌ها یا خواندن آشنا نیستند. از طرفی، بسیاری از ناشران

نیز، کتاب‌های مخصوص کودکان و توجوانان را

منتشر می‌کنند. ولی متأسفانه در ارائه‌هایی یک کتاب

و جذاب نمودن آن برای بچه‌ها، مشکل دارند. در نتیجه

آنچنان که باید و شاید نمی‌توانند در کتابخوان شدن

بچه‌ها تأثیر گذار باشند.

**شما با مجلات سینمایی همکاری دارید و با سینما آشنا**

**هستید. نظر شما درباره ساخت فیلم، براساس کتاب‌های**

**کودکان و توجوانان چیست؟**

نمونه موفق چنین فیلمی قصه‌های مجیده، آقای

هو شنگ مرادی کرمانی بود که هم مورد توجه منتقدان

سینمایی قرار گرفت و هم با استقبال مردم، مواجه شد.

متأسفانه بسیاری از فیلم‌هایی که به اسم کودکان

ساخته می‌شود، درباره آنهاست نه برای آنها، اما با یک

گروه خوب، شامل کارگردان و فیلمنامه‌نویس حرفه‌ای،

می‌توان بسیاری از کتاب‌های خارجی و ایرانی کودکان

را به فیلمنامه و فیلم سینمایی تبدیل کرد. حتی در چنین

شرایطی که با بحران فیلم‌های کودکانه مواجهیم، بهتر

است فیلم‌های خارجی را که برای بچه‌ها ساخته شده و

نیاز به سانسور نیز ندارند در ایران پخش کنیم.

در سی و نهمین نشست نقد ادبی کتاب ماه کودک و توجوان فرشته مجیب، عضو

هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی با موضوع «از قصه تا قصه‌گویی» به ایراد سخن

پرداخت.

در این نشست که در خانه کتاب و با حضور جمعی از منتقدان و نویسندگان کودک

و توجوان برپا شد، فرشته مجیب با اشاره به اینکه قصه‌گویی یک آفرینش دوجانبه است،

اظهار داشت، برای اینکه این آفریندگی صورت بگیرد، طبعاً باید مطالعه آفریننده کنیم.

مطالعه آفرنده یکی از اجزایی است که می‌توانیم کودکان را به تفکر حلال رهنمون کنیم.

یعنی بچه‌ها بتوانند آنچه را که می‌خوانند، تجزیه و تحلیل کنند، احساس کنند، اضافه‌اش

کنند، کم کنند و زیادش کنند.

مجیب با معرفی چرخه قصه‌گویی برای پرورش یک قصه‌گویی خوب ادامه داد:

اولین گام در چرخه قصه‌گویی، انتخاب قصه است. در انتخاب قصه سه عامل اساسی

وجود دارد: یکی، نیاز کودک است، دیگری، علاقه‌مندی کودک و سوم اصطلاحاً جایز

معرفی است.

### مشاهده و ارزشیابی کودک

راهنمای علمی مشاهده و ارزشیابی کودک، کریستین هویارت

و جیل فرنگل، ترجمه **مجموعه احمدی و حسین احمدی**، مشهد،

**مؤسسه فرهنگی هنری فریح آفتاب، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۲**

**۱۷۱ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ۱۰۰۰ تومان.**

کتاب راهنمای علمی مشاهده و ارزشیابی کودک

ترجمه ای است از کتابی به همین نام که برپایه موفقیت

کتاب اصلی هویارت و فرنگل، مورد تجدید نظر قرار گرفته

و کاملاً به روز شده است.

نویسندهگان این کتاب از پیش زمینه‌ای غنی در ارتباط با آموزش پرستاری،

پداگشت و آموزش و پرورش پیش دبستانی برخوردارند و دانشجویان می‌توانند از

طریق خواندن آن مهارت‌هایی را آموخت که تاکنون در رشته‌های آموزشی کودک، کودک‌نگار

می‌رود. در خود پرورش دهند. راهنمای علمی مشاهده و ارزشیابی کودک به سفارش

کمیته تولید فعالیت‌های یاددهی - یادگیری دوره پیش از دبستان استان خراسان

ترجمه شده است.



می‌رود، در صورتی که اگر قصه خوب گفته شود، شنونده خودش را بیادار می‌کند.

سخنران همچنین اظهار داشت: وقتی که من قصه‌های را انتخاب می‌کنم، باید حتماً

علاوه بر نیازها، علاقه‌مندی‌ها و بارش معنی که من را به انتخاب وادار می‌کند، به این

مسئله فکر کنم که بچه من در چه سن و گروهی هست.

مجیب در ادامه سخنان خویش به مرحله آماده‌سازی پس از مرحله انتخاب اشاره کرد

و تأکید کرد: قصه‌گویی فقط گفتن نیست، ما کتابخوانی با صدای بلند را هم قصه‌گویی

می‌نامیم.

وی همچنین گفت: در آماده‌سازی قصه نکات بسیار ظریفی هست که باید رعایت

کنیم. اول اینکه هر قصه را حداقل باید ۳ تا ۵ بار خوانده باشیم. هر قصه طبعاً چارچوب

خاصی دارد که ما باید آن چارچوب را رعایت کنیم. قصه، شخصیت‌های خاصی دارد که

ما باید آنها را بشناسیم.

فرشته مجیب دیگر عنصر مهم قصه را زبان عنوان کرد و پرشانتخت آن از سوی

قصه‌گویی تأکید کرد و تصریح کرد، یک معلم باید یک ملارد وقتی که کتابی را می‌خواند، باید آن

را درونی کند. برای درونی کردن نیز باید لغات اساسی، کلیدی، تلفظ صحیح و بار جمله

را تشخیص داد.

سخنران در بخش دیگری با سخنانش اظهار داشت: وقتی که قصه تمام می‌شود،

چند خطره قصه گو را تهدید می‌کند: یکی اینکه از بچه‌ها پرسیم: «بیم قصه چه

بود؟»

وی در پایان به تشریح برخی از روش‌های قصه‌گویی پرداخت و برخی از ابزارهای

آن را معرفی کرد. سپس حاضران در نشست، پرسش‌های خود را مطرح کردند و با سخنران

به گفت‌وگو نشستند.

## آی دزد!



گفت‌وگو با سیدعلی کاشفی خونساری، مدیر نشر کارنامه

روزی؟ گفت: همیشه. دوازده سیمت پیستم، پس، و من چون در مسافرت بودم و اطلاعات چهارروبه بودم، مطلقاً مطمئنم، قرار شد شرح موقی او در دردیگریه، اما این هم سراسر شده، آنکه چگونگی رانته و شرح آن را در کتاب هفته خواندم و در ادامه لیسان را دیدم و گفتش مرا انگشته دزد، دزد با چراغ و دود و انگیزه تر کالا را برده است، و علاوه بر قطعات کامپیوتر، ادبیات ملوی زنده‌یاد مهرداد پورپی، کرندنگار کاشفی، مجموعه آثار شکیبای رنست، میبگری و آثار ارزنده استاد مودت و دیوان شمس تبریزی و سرانجام یک نسخه خطی از هوبت ملی ما داشته‌ام.

و همین بلا بر سر مؤسسه فرهنگی - هنری ماور به گونه‌ای دیگر و تأسیف زهرایی که فلاں سازمان بیه حاضر شده قطعاً قطعاً کامپیوتر با بیه کند و از همه نودون و نوزده‌اشان را بیه کند و مسافران را از فرام‌یاداریم که به سال‌ها وقت نیاز دارد.

وقتی صحبت بیه می‌شود، خیلی چیزها به ذهنم خطور می‌کند. اصلاً فرض کنیم شرکت بیه‌ای هم حاضر شد، نوشته نویسنده‌ای را بیه کند، آیا امکان بازپوری و نوشتن آن دویاره وجود دارد؟

آیا مه‌راده‌های دویاره زنده می‌شود و کتابش را با دیگر می‌نویسد؟ یا اصلاً کدام نویسنده را می‌شناسید که بتواند به تنهایی و فقط از نو نوشتن ایزراق کند و روزی بگذاردند؟

چندی پیش در همین ستون پیرامون بیه کردن نویسندگان از سوی سازمان تأمین اجتماعی، مطلبی نوشتم و از آن استقبال کردم، اما خواستار آن شده که فقط سیمت فیزیکی نویسنده را بیه کنیم و با وضع قوانین درخور داشته‌باشیم، نویسنده و نوشته‌اش را بیه کنیم و مسافران را از فرام‌یاداریم که نویسنده دچار عسر و حرج شود و سر و کارش به جیب و بند بکشد. روابط عمومی سازمان تأمین اجتماعی در جوابیه‌ای که هیچ ربطی به نوشته من نداشت، به پاسخگویی برآمد و وقتی با مسؤول روابط عمومی آن سازمان نامی نامی گرفتم و پرسیدم اصلاً نوشته بنده را خوانده‌اید و اقدام به پاسخگویی کرده‌اید یا نه؟ جواب فرمودند: ساعت دیگر پاسخ می‌دهم و دو ساعت بعد فرمودند: بله، راست می‌گویید.

کامپیوتر را می‌شود خرید، اثر ترجمه شده را شاید بتوان دوباره ترجمه کرد و نسخه‌ای آماده شده برای چاپ شمس تبریزی را شاید بتوان دوباره ترجمه کرد و نوشته روز آغاز شده‌ای که فقط به شخص نویسنده است، یا بیچاره؟ فرض کنیم بزرگ بیه‌ای پیدا شد و حاضر شد نوشته‌ای را بیه کند، آیا می‌توان روی نوشته قیمت گذاشت؟ گرییم که قیمت گذاشتیم، چه مشکلی حل می‌شود؟

علاوه بر همه اینها، همه می‌دانند که نوشتن به هر اوفدی ایمنی نیست، مگر من مه‌راده‌ها بیه‌ان بودم که مجبورم بارش به خاطر نوشتن و فکر کردن، سر و کارش به جیب و تأدیب و نگی بلند کشیده؟ حالا دزد بیه‌ان برسد و ما هم داد بپزینیم، آیا دزد دزد که با نوشته نمی‌تواند کاری داشته باشد، او هر چه که می‌کوبد و سنگین قیمت است، می‌برد و اصلاً چون سر و کاری با نوشتن ندارد، فردی می‌کند و اگر با کتاب و کتابت آشنا بود، هر کس دردی نمی‌شد، مشکلات نشر کم بود. حالا اگر در می‌گفت می‌شود فلاں مؤسسه انتشاراتی را دزد زده است، هر چند که مدت‌هاست بازار کتاب دچار زده‌های زیادی شده است، چنگ‌های برکنش، طلب‌های سوخت‌شده، مشربان گور و کرم شده و نشرگران بی‌بهر، هر کدام قطعاً الفظیفی هستند که بسیاری از نشران و مؤسسات بخش کتاب را خلع سلاح کرده‌اند و دزد اگر بیلد صد البته گریزند می‌برد کلا!

خارج‌صحت کند زنده یاد مهندس مهدی بازرگان را در یکی از کتاب‌هایش که حالا نامش به یاد نیست، سال‌ها پیش خواندم، عده‌ای قطع‌الظریق راه بر عده‌ای سفاک که بر اروپوسی سوار بودند، بستند و یکی از آنک، از مسافران خواست، هر چه دارند، بی‌سر و صدا و مطیب خاطر، بدهند و آفتی دزد و همکاران را به زحمت نیندازند.

مردم که عیاج و ولع به آفتی دردنگاه می‌گردند، با فریاد دویاره، او به خود آمدند و عهدید شدند که اگر دار و مدار خود را ندهند، آفتی دزد چنین و چنان خواهد کرد.

یکی از مسافران به هراداری آفتی دزد صدا برآورد و گفت: عجب مردم بی‌جایی هستند، گوری آفتی دزد پاره شد، بالا هر چی دارید، بدهید دیگه! حالا بروی بختم یا آفتی دزد است، آفتی دزد، قطع‌الظریق کردن گوش تو را ندادم، باور کن، هر کسی به شا گفته که می‌شود از راه کتاب و کتابت پل‌گذار شد، اشتباهی عرض کرده و به آگاهان زده‌اید و در طول ثرون و اعتبار، این عقیده باها و بارها دچار دردان نام و ستان‌دار شده‌اند، دیگر قطع کنید و به سرانجام بیاورید.

ما سیمت فهمیدن توان داده و به اشکال مختلف این توان را داده‌ام و بیه‌اندن سر و کله شما، باور را آنچه که هست تا نامن تر خواهد کرد و اگر قصد داری از این راه وارد شده و جدای تا کرده ناشر نشوی، بدان که خلاف به عرض رسانده‌اند و نشرگان کتاب به هزار و دو هزار نسخه رسیده و اگر بخشی از آن دوفی بخارند، نخرند، و اورلا.

از قدیم دانی‌ها گفته‌اند خانه دزد زده، تا چهل روز امن است. خدا کند این باور پدران ما، به سرآغ نشر و ناشر بیاید و صاحب بودای ایمنی شوریم. ان‌شاءالله.


**گفت‌وگو**
**مهرداد رشیدیان**

## تنها یک فهرستنگاری است

**گفت‌وگو با سیدعلی کاشفی خونساری: نویسنده**

سید علی کاشفی خونساری در ۲۲ بهمن سال

۱۳۵۰ به دنیا آمد. وی گذشته از سال‌ها کار حرفه‌ای در عرصه مطبوعات بیشتر از ۳۰ جلد کتاب منتشر کرده که از آن جمله می‌توان به «فهرستگان نمایش کودک و نوجوان»، از باب قرالت اطفال، حیدرنامه، ده‌واهای اسی و… اشاره کرد. سیدعلی کاشفی خونساری از سال ۱۳۸۱ مسؤولیت دفتر نمایش‌های مذهبی مرکز هنرهای نمایشی را عهده‌دار است

**شرایط پرداخت درام دینی را در شرایط کنونی چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

به نظر من پیش‌زمینه‌های لازم وجود دارد، بلکه باید شرایط انتشار آثار فراهم شود، ما در هیچ کدام از پیش‌شرط‌هایمان دچار مشکل نیستیم. تنها اینکه شرایط اهل فن باید فراهم شود. یعنی در میان اهالی هنر نمایش این انگیزه فراهم شود که به‌طور تخصصی‌تر در حوزه‌های آندیشه، اعتقادات، کلام، تاریخ، اخبار و حدیث آشنایی پیدا کنند و آنگاه به خلق و آفرینش درام مذهبی بپردازند، باینکه اهل دین و طالب علوم مذهبی با توجه به نقش و جایگاه هنر نمایش در انتقال مفاهیم و پارهای دینی به یادگیری علوم ادبی و اصول هنر نمایش و نمایشنامه‌نویسی بپردازند.

به هر حال نمایش دینی مرز مشترک هنر

نمایش و مجموعه‌ای فراخ به نام دین است و کسی که در این حوزه وارد می‌شود ناگزیر است چار و ششکاران از برای پایه امروز گرایش چندانی

به این مکتب نداشته‌اند؟ این یک بحث تاریخی است، دوره قاجار همزمان با ورود مظاهر تمدن غرب و بازضاتی عمومی تحیکان از اوضاع سیاسی، اجتماعی و

اقتصادی کشور ناخواسته چنان مبهوت تمدن غرب شدند که همه چیز فراموش شد. البته شاید این اتفاق چندان هم جای انتقاد نداشته باشد. مشابه آنچه که در داستان تئیتلی شیخ ضعیان می‌بینیم ایرانیان تا مدتی مسحور غرب، تمام داشته‌های خود را از یاد بردند. اما امروز در حوزه‌های مختلف با اندیشمندانی روبه‌رو



هستیم که ضمن آگاهی از فرهنگ جهانی چشم خود را به روی پیشینه ملی و فرهنگ کهن و مذهبی نمی‌بندند.

**گذشته از کتاب‌های هنر مذهبی، در عرصه کودک و نوجوان و فعالیت حرفه‌ای دارید، چندی پیش نیز فهرستگان نمایش‌های کودک و نوجوان را منتشر کردید. از این کتاب بیشتر بگویید.**

کارها فقط یک فهرستنگاری بود و مجال بررسی خیلی آثار را نداشتیم. امروز انتشار نمایشنامه‌های کودک‌ان و صحنیتی بسیار بهتر از چند سال قبل دارد. تعدادی از بزرگ‌ترین ناشران در این مثل کانون پرورش فکری، مدرسه و تربیت به‌طور مستمر به چاپ نمایشنامه برای کودکان می‌پردازند، و در ضمن تعدادی از ناشران خصوصی نیز در این حوزه فعالند. اما جای


**گفت‌وگو**
**محمد ابراهیم حاجری**

### ایران کشور کتاب است

**گفت‌وگو با روییناسلیمانی بازیگر تئاتر**

روییناسلیمانی یک ژانری ایرانی الاصل است که مرز این دوس تئاتر خواننده و به گمان خودش پیش از ۸۰ عمرش را آنجا زیسته و وی فریب یک سال است که به ایران آمده و اکنون نیز برای اولین بار در نمایش «بی شیر و شکر» حمید امجد در

ایران وارد صحنه تئاتر شده است. به همین بهانه گویی با وی زده‌ایم که می‌خوانید.

**از وقتی به ایران آمدید تا زمانی که مشغول تمرین تئاتر شدید، چندتر طول کشید.**

حدودش سه‌ماهه، در دفتر پدرم مشغول به کار بودم. بعد فهمیدم که کار من اصلاً کار فدرتی نیست، به همین دلیل خواستم که کار تئاتر انجام دهم، چونکه من در زاین درس تئاتر خواندم. بالاخره توسط یکی از آشنایانمان با آقای امجد آشنا شدم و کارم را شروع کردم.

**از نوشتن در بی شیر و شکر بگویید.**
کتابش دفتر بی‌اسم ستاره‌ها بازی می‌کرد، این نقش خیلی کوفه‌گانه بود ولی بسیار دوست‌داشتنی‌ام، البته من نوشته‌های آقای امجد را دوست دارم.

شگفتنی اینجااست که مهم‌ترین متولیان نمایش در کشور خواه مرکز هنرهای نمایشی، خواه حوزه هنری سال‌هاست که در این حوزه هیچگونه فعالیت انجام نداده و چنانز خسوت و تک‌کاری شده‌هستند.

**در واقع شما در حیطه فهرستنگاری این حوزه قدم اول را برداشته‌اید؟**

کام اول برای کار کل‌پرومشی و تولید، فراهم بودن فهرست‌های اطلاعاتی پایه است که در حوزه کتاب و نمایش کودک و نوجوان چنین فهرستی در دسترس نبود، البته سر کار خانم قنیان هم سال‌ها پیش فهرستی منتشر کرده که نیاز بود

اطلاعات آن در زمینه تئاتر کودک تکمیل شود. من و پرومتر خود کل‌پرومشی در سال ۱۳۸۱ برای اطلاعاتی تمام تحلیل ادبیات کودک مجبوره به گزارشی برارکده شد و بخشی از آن نیز «فهرستگان اطلاعاتی نمایش کودک و نوجوان» شد، اما بدوام روزی این مجال فراهم آید که در سایر حوزه‌ها نیز این اتفاق بیفتد.

**از حیدرنامه بگویید.**

کتاب کتاب است. شامل گزیده‌هایی از ۱۳ شعر حمدی درباره امیرالمؤمنین که از نسخ خطی مثل آثار گلابی، حمله، حیدری، باران، خراسانی، جلده حیدری و… برداشته شده است. این متن‌های حماسی گذشته از چالگامی که در آیینات دارند در حوزه هنر نمایش هم قابل ملاحظه هستند. چراکه این اعمال در تقابل پرده‌های بی‌مهر که گویی و حتی تعدادی از آنها در نوعی‌ها کاربرد داشته‌اند، مخصوصاً اینکه سنتی واهی نمایشی به نام حمله خوانی که فرهنگ ما جای داشته که چنین اشاری در آن مورد استفاده قرار گرفته است.

### بیش ازخبر

**مجموعه‌ه‌های یخزنی**

چیناسازی که تکاورن برخورد نزدیک از نوع آخره و اسم نمایشنامه را منتشر کرده، در حال حاضر مشغول آماده‌سازی عمل غروب و مجاله که فکر کنید این طوری هم منگنه بشه و بایدعا برای که می‌روند، می‌باشد، البته بزری

نمایشنامه‌ای نیز به نام الیدی مکتب، یک بار دیگر از آخره و رایتز برای شهره تر نشستی نوشته که تا آخر آشنایان منتشر می‌شود گذشته از این دو اثر تدریجی با عنوان تئاتر در زمان، از قبل صورت‌را ترجمه کرده و ناملی بر آسانه‌های همه را رایتز آماده چاپ می‌کند.

**آشنایانه را به خاطر بسیار**

نمایشنامه پرواز آشنایه داشته نوشته دلیل اولی است که براساس رمای از کن کیمیی دلیل دومین نکته گلخانه شد. این اثر توسط ستاره معمادنی ترجمه و به نام فریدون جهانگیرانی

پرواز بر کاز آشنایه فامه، که در ۱۹۳۲ میلادی توسط کن کیمیی نوشته شده، در سال ۱۳۶۴ شمسی توسط ستاره معمادنی در شکل تئاتر به مدت پنج شب در تئاتر شهر تهران به صحنه رفته بود.

این متن در ۱۳۶۲ صفحه به همراه چهل تصویر از اجراهای ایرانی و خارجی به قیمت ۲۰۰۰ تومان عرضه شده است. طرح جلد، اثر اثر براساس نقاشی Down Man معروف مصطفی شکر گلک است.





زبان فارسی‌ا در می‌یابی که ایرانی است.
ومی‌گوید، ساکن ترکیه‌ایم.
و شوره‌م از علاقه‌مندان برنامه کاروان شعر و موسیقی است، که از طریق جام‌جم می‌بینیم.

چه وقت برسه زدن در خیابانهای برف گرفته مطلقه الالا علیه‌الکند لاله علیی باشد!
که در برابر دستفروشی، کسی باز تا تو سلام و علیک کنه، و یا در جهان مطلقه نمی‌کنه برودنی شسته، مگر می‌تواند موشه، نه‌هان توده‌یادپایان توده با گیجی بی‌ساده و داخل شوی، و سلام و علیکی و تورا بشناسند و شروع کنند دریاوه مشکلات ایرانی‌ها در ترکیه با تو سخن بگویند.
از کشتی که بدون ریزو، حیرت و مامندن در یک کشور اروپایی مثل آلمان بر جانمان نشسته. و گیر کلاه‌بردارها و تاجفروشی‌های این جرفلی می‌افتند.
و...

- 

در آنکارا هم یک شب با ناصر فیض قدم می‌زدیم. دیدیم برنابلیوی لوتلی که چراغش خاموش بود، نوشته

«چلوکباب خوجه کباب»، «اسرار کرمه که با ما پروردم»
بینیم که ماجرای این چلوکبابی خوجه کبابی، در یک هتل ترک چیست.
راضی شدم عزیزم!
بیاجاب دست و پایی مثل من بود.
همینطور که کرمه ناسم صحت با مسؤل هتل به لهجه فصیح ترکی استانبولی رده حسابی شلیم.
نوی دشتی، صامی سوبانو، گوریم ران ویزو و تروچان و پیرو کوچک لای هتل رسیم.
جمعی ران و پرو و تروچان و پیرو کوچک و بزرگ، دو هم.
در این لحظات اترخیب و در سرمای

گزنده، کلاه‌م را برداشتم و گفتیم: سلام!

و همه با زوی خوشی به سلام جواب دادند، که:
پیشده کاروان و صیانت و تاجیر و نگارها همیشه به جای خرماتن کزنده، خرمه‌ها از موسیقی شعر آغاز شد و به شرح داستان که در ده -جوادیه-قرن سائل هتل کشید.
و معلوم شد، که همه عجب جواب سفارت مومسام برای ویرا هستند.
و معلوم بود، لوله‌نمشه‌هایش، یکی ویرا دیدن فرزند یکی برای رسیدن به مسمی، یکی برای رسیدن به ندای فرزند یکی.
و دیگری برای معامله، و آن یکی...
و مدت انتظار آنها، در ده هفته داشتند تا یکسال.
یعنی شته‌شدند تا سفیر و مترسولان بنگه دشل دشل شود



پیشتر ناشران مصحح مطبوعه ای را برمی‌تابند چه رسد به

ویراستار ویرایش؟

در تمام دنیا، هیچ پیشتر کشورهای کوچک عربی، ناشران، ویراستارانی یا به خدمت نمی‌گزینند و این کار، مدینه‌حاست که با جاکشانی راننده ناشران پیدا کرده و اینکه هر ناشر، ویراستاری ناموفق دارد و ویراستارانی آزاد که طبق قرارداد، ویراستاری حساب‌ها را حاضمی را انجام می‌دهند و این البته غیر ویراستارانی است که هر نویسنده و مؤلف با آنها، و فقط با آنها، کار می‌کنند.

کاریانی این گروه را بارها در خاطرات این نویسنده، و از مؤلف کتابی است که در تعریفی، تمثیل گروگاستی به اثری نقل کرده‌ام.
در مسافت پرواستادانه هم در محلا، «تلا» کتاب‌های چاپ خوردم‌ان برگزیدم ناشران دولتی معمولاً کارها، بسنگی دارد به نگاه مؤلف نویسنده کتاب بعضی از همکاران (که شهرتی در همان حده سوم هیچ چیز همکارگان کارشان یافته‌اند) یا تمام گامی به چگونگی نشر و ویرایش انتشاراتی‌های پیام کشورهای صاحب قدرت و اختیار، با هر نوع ویرایشی معالفتی می‌کنند یا اینکه همان اوله، این تلا همی راننده به ناشر می‌گویند، یک کاروان حذف یا جابه‌جا و چون همین اثر به ما، گاه کنشی را درصحت در نظر می‌گیرند، گاه داشته‌اند، اما در ادعای آن که جزئی وند است، با تغییر چند کلمه، کلماتی نامی شده و هیچ لفظی‌های به‌تر و موهوم نمی‌خورند است اما این حرف من به معنی دروغ آن شده، «تلا» کامرون ترجمه مرحوم قاضی، ایراد کتاب خط اصلی خارج می‌شده و ویران می‌شده، «تلا» کامرون ترجمه مرحوم قاضی،

اما نکته اصلی در این مورد، دفاع و ویرایش و ویراستار است از جانب ناشر که حاضر نیست دختری در ویراستاری و تبلیغ کتاب خودش بکند.
در واقع گاه برای زودتر درآمدن کار، اینها خرج برای تبلیغ، پخش، پول زورزنه و تپاید زیر بار زور وقت البته بعضی از ناشران برای تبلیغ، مسنده صدر نشان می‌دهند و دو جلده از نوی‌ها را به روزنامه‌های پخششان گران می‌دهند یا مخرجی این کنند که معمولاً آن روزنامه، هم طبق قوانین حاکم بر همان نشره، با مخرجی نمی‌کنند، یا انگلند در معرفی می‌کنند که دیگر در فروش کتاب بازاری ندارد.
با

وزیر درخشانان را امضا کند و به ویرا برسد.
و صحت از اینکه بخورده سفارت USA بسیار تحقیرآمیز و خفت‌بار است یا از آن‌ها، و چقدر می‌کنند این خواننده‌نگار، به فکر می‌انجامد که در بازگشت به پوست فیلسوف، چه پاسخی موسوی، پیشهاد یک مستند، بهم در این باره مستندی یا سه برادشت، یکی برای بخش از رسانه، و یک برادشت هم برای ارائه در جشنواره‌ها و برمی‌مراکز فرهنگی-فرهنگی، و یکی هم با دستم بازنو و صریح برای ارائه به مسؤلان مکتبی.
که بینند و از وضعیت اینگونه آدم‌ها و شرایط و مشکلات آگاهی پیدا کنند.

و بعد حدود یک ساعت و نیم، کپ و گفت‌وگو با جمیع وقت جداگانه شد.
صاحب‌همان صدای نخستین، عصبانی خورده، و باز دریاه شمش، از عارف فروری، گریه را به سستی چانه کردم.

شکوه‌ها از دست زلمه کردم

آسئین چو از دیده برگرفتم

سلی خون به دامان، روانه کردم

دلا خموشی چرا، چو چرم نچوشی چرا

برون شد از پرده راز، پرده‌پوشی چرا

- 

مصادیق کجا ترکت، Prof.Dr.Saadettin KOGATURK در نظر استادان این مرز و قسمت و شش - هفت ساله، یک اتفاق افتاد بود.
در مساتنگاه، فرهنگي ایران، همراه ناژنین مادی آقای خداداد معرفی‌اش کرد، و همان لحظه اول دوست شدیم، که فارسی را به لهجه نهرانی و با لحن مدشن ماشدی‌ها صحبت می‌کرد، و البته با طعم ترکی استانبولی.

روز بعد، اکتاش را در دانشگاه آنکارا دیدیم، یک اتاق ایرانی کامل، و خودش می‌گفت، همه این اتاق، باشا‌ته‌های ایران، سر و سامان گرفته لطفه‌های فارسی می‌گفت و همراه ما با ما به حسابی بر طیش می‌خندید.
سال‌های تحصیل در خیابان شامپور تهران گذشته بود، و در یعنی اینکه با فرهنگ جنوب تهران و اصطلاحات و حتی منگ‌های نهرانی، به خوبی آشناسد.
من و ناصر فیض از استادش پرسیدیم، با لحسی اختصارآمیز - دقیقاً - گفت: استادان من بر افتد تر، هادو، باه و یاد کرد از فرقت، جبارتی، ذبح لاله صفا، فروری، و رسید به سادات ناسری.

که من هم در او، این مفاخره شریک شدم و گفتیم:
من هم سال‌ها سید جلیل‌القدر دکتر سادات ناسری بر سررم بوده، و یاد کردم از مقاله‌ای که در کتاب یادنامه

<b>یادداشت‌های نشر و ناشری</b>
<b>محمد ابروی</b>

## رسوم ویرایش و ویراستاری

ناتیر آنقدر ناچیز و جزئی است که به جایی نمی‌رسد.

چاپ بی‌وجه این است که ناشر و وقتی ویراستار را قبول ندارد، معمولاً از خودش مایه پیشتر باید بگذارد، یعنی خود ناشر، (تالی آخرین نگاه پیش از چاپ را، آن هم بسیار دقیق و کارگشایانه، به هم بپندازد. چون مطلب با نام و نام مؤسسه نقل می‌شود، و خیلی زود به جامعه کتابخوانی مشهور می‌شود به اعمال سفیده در چاپ و جلد و کم لفظی متن. اما متأسفانه کمتر ناشری چنین می‌کند. چاپ بفروش‌ها، که زبانی می‌دهند و ناشر کار هر چه پیشتر خلاف قانون چاپ و نشر باشد، برای خود و خریدارانش، بهتر است و البته مسوولتر.

اما ناشران خوب چرانه ویراستار می‌گزینند، نه خود، کار ویراستار را راعیده می‌گزیند؟ بعضی‌هاشان رگ بگویم سوادش را ندارند. بعضی دیگر شاخ اما رفتن را ندارند. گرفتن کافز دولتی و مجوز و بهره‌بر بعد از چاپ کتاب (با اینکه مجوز دارد تمام روز و نشر می‌گیرد کم نداشته‌اند. کتاب‌هایی که بعد از چاپ با مجوز ارشاد، و ای مؤلف و ناشرش در دمسر آفریده‌اند. اینجا و در بازار نشر، فقط مخاطب و خواننده است که حشش ضایع می‌شود و نیز زبان پاک و عجز فارسی است که در خود ما می‌خورد. برای ارتجاع به نمونه، خواهش می‌کنم به کتاب «بایدانگ‌های نویسنده و عوشر افکار فرانسوی دومن گادی نگاهی بی‌طرفانه» کتاب خوب ترجمه شده، اما نمی‌دانم چرا، مورجم فارسی نمی‌دانسته برای همی طرفه زبانی و دستوری آن رام حشش نکرده، «تلا» مقلوه ساده حذف به قرینه لفظی می‌انمی‌اشناخته که کتاب برده از ضمایر تلازم که هم به صورت متصل آمده‌ام، هم به صورت متصل، مثل «من رقوم» و «انها آمانده». در این کار می‌تواند، گاه در جمله‌ای با چند حرف اضافه و ربط تلازم دیگر می‌نویم کتاب یکی از دشوارترین کارهای گادی، نویسنده، جدا حافظه گادی کیو و کسب سفیده، است و نیز یادمانده‌ها را یکی از دشواران خوب می‌آورد است. ناشری که لحن هم‌کلام و فرهنگ ایران زمین را دارد و در نشر کتاب‌های دیدگش این نکته با یکی بهیمن نشان داده، «تلا» این کتاب به این سرنوشته دچار شده، نمی‌دانیم شاید چون مردم بی‌وه و مسؤلان زمان‌خورده اما آدمی این تسامح می‌دانند، آدمی که فقط به فکر خط دست‌نشان است اما با دوری کم، همین لعل تسامیحی که فقط سر خط را می‌گیرد و می‌رود تا به خط دست‌نشان می‌سپار. همان‌طور که در آرا آقای آ می‌خواند که خیلی زود به خاطر داشتن چنین خواننده‌گانی به چاپ دهم و بیستم می‌رسد.

سادات ناسری نوشته‌ام، و با خاطراتم در آنجا سخن گفته‌ام، دکتر ساداتین کجا ترکت، کسرام می‌کرد که شب را در خانه‌اش به مهمانی برودم، و همان‌جاست، که حیدر، چرا که آشنا با زندگی و نظام خانواده، نحوه مشور در خانه، در ترکیه بر می‌آید. است. که امیراوم یک سفر دیگر پیش بیاید، و از این وجه زندگی در ترکیه آگاه شوم.

- 

حضور در الحادیه نویسنده‌گان و شاعران ترکیه، ساعتی در یک بعد از ظهر، و مسؤل الحادیه جناب آقای دکتر نطف - خاطره خوشی داشت از سفر سال گذشته شاعران ایرانی به ترکیه و شهر فونیه. صحبتان گل انداخت، من از آشنایی‌مان با ادبیات ترکیه آغاز کردم، ناظم حکمت، و پشدار کمال، و از رضا سیدحسینی و جلال خسروشاهی و عبدالله توکل سخن



و بعدا تعطیل شد.
و توضیح داد که ما الان دوباره این کلاس‌ها را داریم کرده‌ایم، هر هفته کلاس‌های مخصوصی می‌آستاند و دانشجویان آمیخت دارد است. البته کلاس‌هایی هم برای عموم مردم ارائه‌ام، از زدهای خانه‌ها را با پیشه‌وران و کاسب‌های می‌آیند، و یکی از کلاس‌های روزیکشنه ما به حال ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر مشرو می‌رونی. خوانده شده، و معتقدیم فراتر مشرو به زبان اصلی فارسی انداز کار از این اثر عظیم افرینتر می‌کند.

و حرف آخر او که منظره نا حرف‌ها قول و فرما، شکل عمو به خود بگیرد و روابط و داد و ستد فرهنگی

میان اهل قلم از کشور رواج پیدا کند.
منظ حیدر بعد از مولوی، صحبت از شهریار و شعر فارسی و ترکی او، یکی از بحث‌های مورد ملاحظه ما و میران‌هایمان در الحادیه بود.
●●●●

جلسه شعرخوانی و سخنرانی و از سان‌های جمع و جور، دانشگاه آنکارا، و با حضور تعدادی از علاقه‌مندان ایرانی و ترکی، گردنده جلسه دکتر امیراوس بود. برمی‌خورد؛ چهل‌ساله، خوش‌زبان و خوش‌پوش و خوش‌خود، اول، شعرخوانی آقای «بایسن حسیب اوغلو» ادیب و شاعر، و نماینده سابق مجلس ترکیه، شعر در حال و هوا و زور کلام حیدر، بابا شکایت‌نامه‌ای که حیدر بابا از کسبت فرهنگي جمع‌گویی‌ها و رفتارهای نامناسب، و فرهنگي روزگار و زلمه، گورشی به شعر و درد دلی، و همه خطاب به کوه حیدربابا.

سخنرانی حسینعلی قبادی، درباره دشمنی‌های جهانی و صلح‌طلبانه آثار عرفانی و حماسی‌ما، اشاره به مولوی که مهمترین رکن و درخشان‌ترین فصل عرفانی ماست، و اشارتی که شعر امروز ایران، به کشف دوباره میراث ادب فارسی، تنها متعلق به ایرانیان نیست، بلکه برآمده از یک روح جهانی است و فصل مشترک مردم این نجه از جهان که مضمین، آفاقشان، پاکستان، چینکاست، هندوستان از آنجا، تریک.
●●●●

روایت غزل سبایه به فارسی، و سپس ترجمه آن به ترکی.
ای عاشقان، ای عاشقان، بی‌سایه‌ها بخونید کیند چند لعل خوند، و یک شعر درمیان، چند خطه افغانی، که تحسین جمع ما در این نشست، این بافتی‌های صوفی صلاسی‌جایی‌که من قبل از بار، فقط بافتی را در نرسونی، در شعرهای او دیدم، و دانستیم که بافتی بی‌سایه است، و یک غزل نامر، که در این باره چند بیت از شعرهای او دیدیم، می‌گفت، بسیار شگفتی است. مطلع غزل این است:

دخترم عشاق عروست نیست
عشق لفظه‌های کوچک نیست
و مراهم دوبار به پشت زبرجون دعوت کردت.
بار اول از مولوی و میراث مشترک ما که همان حضور مولانااست سخن گفتیم، و روزیکر دوباره به عرفان و معنایابی و معنیت‌گرایی شاعران ایرانی، در بیست و پنج ساله اخیر، و صحبت از چاپ‌های متعدد مشرو و غزلیات شمس در این سال‌ها، که تا پیش از این یک چاپ از مشرو تصحیح نیکنسوز بود و یک چاپ از غزلیات به تصحیح فروانفر، و مولوی شناسی در این سال‌ها، که رواجی‌باشسته‌داشتند، و خوانندگان حدی مشرو مولوی در دو - سه دهه اخیر، و تعداد چاپ‌های مستتر گزیده غزلیات شمس به توضیح و گزینش دکتر تقیعلی دکتری، و داستان‌های مشرو به تحقیقات حیدری این سال‌ها، مثل «سرسوز» از دکتر زوربک کوب، و داستان‌های سایرمان در غزلیات شمس و توضیح بافتی‌آیینیه اثر دکتر یوناندریان، و یادگرم از کرمی ناژنین، سخن نقلی و انسان دوست‌شنی، و عزیزمیشه، از حیدر، به تهران که آدمم، دیدم شرح ضایع مشرو، اثر برنده کتاب سال شده چند شعر بخردیم.

و یاد دادم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در سادش خطی عریل بودم، که اینها زیاد خاص و عام در ایران است، و مورد ملاحظه شمس، زبان‌ها را از یک شعر عالی شهریار یاد کردم، و خواندم، گفتند که این ایم از راه نسخه در ایران، عید غنیر برنگار می‌شود، به مساحت این جشن ملی - دینی - در این اثر قطعه را می‌نویسم:
شیدم آب به جگن اندرون مایه‌میت
بدرودم حرفم و درباره شهریار صحبت کردم، و اشعاری که در ساد

و به موسی نیز کتاب دادیم و در آن اختلاف پدید آمد. قرآنی کریم، سوره هود(۱۱) بخشی از آیه ۱۱۰

خداوند تبارک و تعالی را در زمین، حجتی و حکمتی رساو و قاطع و از کتایش نپا شد. امیر مومنان علی(ع)، گزیده میزان الحکمه، حدیث ۱۱۳۰ به نقل از بحرالاکوثر

## نمایشه

## به سوی بهترنوشتن (۳)

### ج فرایند نگارش

نگارش

نگارش فرایندی است که در آغاز پیچیده می‌نماید اما در واقع تنها نیازمند کسب چند مهارت اساسی است. این فرایند با درک موضوع، هدف و قابل هدایت تقسیم کنیم و سپس روش‌های این فرایند را به مراحل این مراحل به شرح زیر است:

### ۸ طرحریزی

نوشتن با طر طرحریزی آغاز می‌شود بدین معنی که ابتدا باید درباره موضوع بیندیشیم و این که در چارچوب آن چه می‌توان یا بچه باید نوشت. طرحریزی همچنین در صورت لزوم نیازمند یادداشت‌برداری یا تهیه فهرستی اندیشه‌ها و دیدگاه‌هایی است که باید ارائه شود. در این فهرست، علاوه بر ذکر نوس اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها، ردوس جزئیات و مستندات آنها را نیز ثبت می‌کنیم.
تائذگی را از قلم نیندازیم یا مجموعه‌ای از افکار و دیدگاه‌های بیسامان را پیش روی خواننده نگذاریم.

فکر، واژه گزینی و تصور آنچه باید نوشته شود، پیش از نوشتن نخستین کلمه، به همان اندازه مهم است که اتخاذ شیوه درست در نگارش کل متن.

### ۶ تهیه پیشنویس

نگارش یا تهیه پیشنویس دقیق آغاز می‌شود که در آن ارائه کلام و کاربرد واژه‌های مبهم و نامأنوس خودداری شده است. در حین نگارش پیشنویس باید خوانندگان و میزان درک و دانش آنها و نحوه دریافت و برداشت آنها را از اندیشه‌های اساسی، در ذهن خود داشته باشیم و آن گونه بتوسیم که درک آن برای مخاطبانمان آسان باشد. پژوهشگری‌تشریحی از مثالهای متنوع در اغلب موارد می‌تواند فهم اندیشه‌های دشوار را برای خواننده آسان کند.
زمان تهیه پیشنویس -از آن رو که پیشنویس، زیربنای نوشته اصلی است- زمان گام‌آزمایی به شمار می‌آید. به محض آماده شدن پیشنویس بر آن مروری می‌کنیم تا عناصر قابل استفاده -از فکر گرفته تا مثال یا شیوه‌های کلی ارائه مطلب- را شناسیم و از آنها در مرحله بازنویسی و ویرایش بهره بگیریم. اگر بخشی یا همه پیشنویس، تأثیرگذار یا مفید نبود باید آماده حذف جزو یا کل آن باشیم.

### ۳ بازبینی و ویرایش

بازبینی و ویرایش گاه می‌تواند در حدی قابل ملاحظه، پیشنویس ما را بهبود بخشد. بازبینی پیشنویس به منظور حذف جزئیات بی‌اهمیت و روشن سازی اندیشه‌ها و دیدگاه‌های مبهم صورت می‌گیرد.
بازبینی و ویرایش نه تنها کار تصحیح پیشنویس اولیه، بلکه به وجود آورنده مطلب نهایی است. در این مرحله از نگارش، در صورت لزوم، باید حتی بخش عمده‌ای از کار، باطرزیاب و آهنگ نوشتار یا دیدگاه خود را تغییر دهیم. این مرحله فرصتی مناسب برای از میان بردن اشتباهات و اشتباه‌هاست.

### ۹ غلطگیری و تصحیح

این مرحله را نباید با غلطگیری و تصحیح متن نهایی که خروجیجینی شده است و اصطلاحاً به آن نمونه خوانی می‌گویند اشتباه گرفت.
اهنگامی که پس از یک یا چندبار بازبینی و ویرایش پیشنویس اولیه، پیشنویس نهایی آماده شده، نسخه نهایی را غلطگیری می‌کنیم تا غلط‌های دستوری و املایی و نقطه گذاری و علامتگذاری متن را تصحیح کنیم. در این مرحله، داشتن یک فرهنگنامه و یک کتاب دستور زبان معیار و به‌روز بر سرعت کار ما خواهد افزود.

یابد این قاعده را برای خود بگذاریم که اگر وقت برای بازخوانی، غلطگیری و تصحیح متن نداریم، در واقع برای نوشتن نیز هرگز وقت نخواهیم داشت. بنابراین بهتر است که نویسیم. در شماره بعد به ایست ذهنی نویسنده و برخی راهنمایی‌های سودمند اشاره خواهیم داشت.



## توسعه اقتصادی و متون اسلامی

**در گفت و گو با حجت الاسلام سید ابوالقاسم حسینی (زرقا)**، پژوهشگر، مؤلف و مترجم

### مدل اقتصاد اسلامی جامعه‌ای است که همه ابعاد و اجزای نیازها و شخصیت انسان در آن لحاظ گردد و هیچ بخشی فدای بخش دیگر نشود. در این جامعه عدالت، رکن همه ارزش‌ها و بینش‌ها و گرایش‌هاست

درونی، شرح این عوامل نیازمند مجالی مفصل است. فقط به این نکته اشاره می‌کنم که مهمترین عامل درونی توسعه یا تکلیفی، برودت محدودیت‌شخصی و تکنجسته‌ای برخی آموزه‌های دینی و کاندیدانهایی برخی از آنها به‌طور کلی است. رفع این مشکل اساسی، نیازمند بازسازی حوزه تفکر فقهی و معرّضی مابریه‌پایه همان نگاه متعادل و متوازن است.

در زمینه تشبیه‌های اقتصادی اسلام با چه میزان عدالت، و مطالعه شده است و ما در چه وضعیتی از نظریه‌پردازی اقتصادی به سر می‌بریم؟

در آغاز رازیم، بهترین دلیل آن همین دو مجلد مورد نظر است که شامل محوره‌های بسیار مهم و راهبردی در توسعه اسلامی است که اگر یکایک و لایسی شوند و بر اساس آنها یک دستگاه منسجم و مهندسی اقتصادی تعریف شود، به در زمینه نظریه‌پردازی اقتصاد اسلامی هنوز در آغاز رازیم، بهترین دلیل آن همین دو مجلد مورد نظر است که شامل محوره‌های بسیار مهم و راهبردی در توسعه اسلامی است که اگر یکایک و لایسی شوند و بر اساس آنها یک دستگاه منسجم و مهندسی اقتصادی تعریف شود، به

دادوستد نموده و در حدی شب امتحان است. کتاب توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث نهیم جلد از دیالوگ‌های میزان الحکمه است. در این تحقیق از چه منظر به اقتصاد اسلامی نگریسته شده است؟

در کتاب مورد نظر، موضوع‌های اصلی توسعه اقتصادی از درون قرآن روایات و سیره معصوم استراخ گشته و احادیث هر موضوع از جامعترین، استوارترین، و بهترین منابع روایی، تاریخی، تفسیری، و جزآن -خواه از شیعه و خواه از اهل سنت- گردآوری شده است. در جایزات و مفهومی طوی با فرضی میان این موضوعها برقرار بوده، از نظام ارجاع استفاده شده است. بوده‌اند، به اختصار توضیحی آمده است. با این فهم درست تر از بخش کمک کنند. با این حساب، نظرگاه کلی فراهم آوردن گان این اثر، در دست‌دافتن یک دانشنامه موضوعی و جامع در این زمینه بوده است تا محملی برای مطالعات حاصل در دهه تحقیق، تألیف، ترجمه و ویرایش در حوزه مطالعات دینی و ادبی بوده، انعکاس بخشم، مهمترین هدف ارائه برگردانی امروزی، روشن، و اماتنارانه، تأکید می‌کنم. اماتنارانه-از میراث کلاسیک فرهنگ قرآن و سنت بوده است. اگر به این هدف -حتی-لذکی -دست یافته باشم، حاصل معنوی آن را فروخته تقدیم می‌کنم به دستهای پینه‌سته کارگران و کشاورزانی که در همه تاریخ شلاق خوردند.

کتاب و سنت است. اسلام در پرداختن به این مقوله مهم، از همه مکاتب پیشی گرفته است. آن چه در پنج بخش پیشرفت اقتصادی، پایه‌های توسعه، اصول توسعه، مباحث توسعه، و آفات توسعه در کتاب توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث، گرد آمده و این بنده به ترجمه آن توفیق یافتم؛ به خوبی نشان می‌دهد که آموزه‌های صریح و روشن اسلام در قرآن و سخن و رفتار پیشوایان معصوم تا چه اندازه آفاق زرف، نورانی و امیدبخشی از توسعه اقتصادی را، هم در مباحث معرفی و هم در شاخه رفتاری و عملی و مدیریت خرد و کلان پیش روی انسانها گسترده است.

توسعه اقتصادی در اسلام بر چه پایه‌هایی استوار است؟

اسلام در کنار پایه‌های عمومی توسعه به شش دسته از عوامل و اصول زیرساز توسعه می‌پردازد. آن پایه‌های عمومی از این فرارند: دانش، برنامه‌ریزی، کار، بازار، مصرف، دولت، و اصول شش‌گانه زیرساز چنین اند. اصول اعتقادی، حقوقی، اخلاقی، عبادی،

اسلام در کنار پایه‌های عمومی توسعه به شش دسته از عوامل و اصول زیرساز توسعه می‌پردازد. آن پایه‌های عمومی از این فرارند: دانش، برنامه‌ریزی، کار، بازار، مصرف، دولت، و اصول شش‌گانه زیرساز چنین اند. اصول اعتقادی، حقوقی، اخلاقی، عبادی،

### اهمیت توسعه اقتصادی در شمام مسلمات کتاب و سنت است

### در زمینه نظریه پردازی اقتصاد اسلامی هنوز در آغاز راهیم

اجتماعی، و بهداشتی.
تفصیل محوره‌های قلب هر یک از این اصول، در بخش های دوم و سوم کتاب آمده است.
**مدل اقتصاد اسلامی چیست** و از منظر آسیب شناسی چه عوامل باعث عدم اجرای مدل اقتصاد اسلامی شده است.
**به عبارت دیگر، چرا دو عمل، یک مدل جامع از اقتصاد اسلامی نداریم** که هم ابعاد و اجزای نیازها و شخصیت انسان در آن لحاظ گردد و هیچ بخشی فدای بخش دیگر نشود.
**در این جامعه، عدالت رکن همه ارزش‌ها، بینش‌ها و گرایش‌هاست.** چنین جامعه‌ای را یک کلمه، جامعه متوازن است. اما عوامل دست یازتاف به چنین الگویی، هم بیرونی است و هم

### کتاب

### گفتار گهربار

**گفتار گهربار از حیدر کرار سوارو درود علی بن ابی طالب علیه‌السلام، ترجمه پرویز اباغی، کتاب روشن ، چاپ اول: ۱۳۸۲، نسخه، ۱۶ صفحه، ۲۵۰ تومان**

گفتار گهربار شامل بند و اندرزا، نامه‌ها، خطبه‌ها و کلمات قصار امیرالمؤمنین علی(ع) برگرفته از تحف العقول، نهج البلاغه و کتب روایات است و تقریباً تمامی بیانات والای مولای مقتیان را شامل می‌شود.

این کتاب به صورت دوزیانه (فارسی -عربی)منتشر شده است.



## به سوی بهترنوشتن (۳)

### ج فرایند نگارش

نگارش

نگارش فرایندی است که در آغاز پیچیده می‌نماید اما در واقع تنها نیازمند کسب چند مهارت اساسی است. این فرایند با درک موضوع، هدف و قابل هدایت تقسیم کنیم و سپس روش‌های این فرایند را به مراحل این مراحل به شرح زیر است:

### ۸ طرحریزی

نوشتن با طر طرحریزی آغاز می‌شود بدین معنی که ابتدا باید درباره موضوع بیندیشیم و این که در چارچوب آن چه می‌توان یا بچه باید نوشت. طرحریزی همچنین در صورت لزوم نیازمند یادداشت‌برداری یا تهیه فهرستی اندیشه‌ها و دیدگاه‌هایی است که باید ارائه شود. در این فهرست، علاوه بر ذکر نوس اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها، ردوس جزئیات و مستندات آنها را نیز ثبت می‌کنیم.
تائذگی را از قلم نیندازیم یا مجموعه‌ای از افکار و دیدگاه‌های بیسامان را پیش روی خواننده نگذاریم.

فکر، واژه گزینی و تصور آنچه باید نوشته شود، پیش از نوشتن نخستین کلمه، به همان اندازه مهم است که اتخاذ شیوه درست در نگارش کل متن.

### ۶ تهیه پیشنویس

نگارش یا تهیه پیشنویس دقیق آغاز می‌شود که در آن ارائه کلام و کاربرد واژه‌های مبهم و نامأنوس خودداری شده است. در حین نگارش پیشنویس باید خوانندگان و میزان درک و دانش آنها و نحوه دریافت و برداشت آنها را از اندیشه‌های اساسی، در ذهن خود داشته باشیم و آن گونه بتوسیم که درک آن برای مخاطبانمان آسان باشد. پژوهشگری‌تشریحی از مثالهای متنوع در اغلب موارد می‌تواند فهم اندیشه‌های دشوار را برای خواننده آسان کند.
زمان تهیه پیشنویس -از آن رو که پیشنویس، زیربنای نوشته اصلی است- زمان گام‌آزمایی به شمار می‌آید. به محض آماده شدن پیشنویس بر آن مروری می‌کنیم تا عناصر قابل استفاده -از فکر گرفته تا مثال یا شیوه‌های کلی ارائه مطلب- را شناسیم و از آنها در مرحله بازنویسی و ویرایش بهره بگیریم. اگر بخشی یا همه پیشنویس، تأثیرگذار یا مفید نبود باید آماده حذف جزو یا کل آن باشیم.

### ۳ بازبینی و ویرایش

بازبینی و ویرایش گاه می‌تواند در حدی قابل ملاحظه، پیشنویس ما را بهبود بخشد. بازبینی پیشنویس به منظور حذف جزئیات بی‌اهمیت و روشن سازی اندیشه‌ها و دیدگاه‌های مبهم صورت می‌گیرد.
بازبینی و ویرایش نه تنها کار تصحیح پیشنویس اولیه، بلکه به وجود آورنده مطلب نهایی است. در این مرحله از نگارش، در صورت لزوم، باید حتی بخش عمده‌ای از کار، باطرزیاب و آهنگ نوشتار یا دیدگاه خود را تغییر دهیم. این مرحله فرصتی مناسب برای از میان بردن اشتباهات و اشتباه‌هاست.

### ۹ غلطگیری و تصحیح

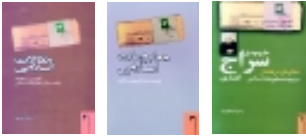
این مرحله را نباید با غلطگیری و تصحیح متن نهایی که خروجیجینی شده است و اصطلاحاً به آن نمونه خوانی می‌گویند اشتباه گرفت.
اهنگامی که پس از یک یا چندبار بازبینی و ویرایش پیشنویس اولیه، پیشنویس نهایی آماده شده، نسخه نهایی را غلطگیری می‌کنیم تا غلط‌های دستوری و املایی و نقطه گذاری و علامتگذاری متن را تصحیح کنیم. در این مرحله، داشتن یک فرهنگنامه و یک کتاب دستور زبان معیار و به‌روز بر سرعت کار ما خواهد افزود.

یابد این قاعده را برای خود بگذاریم که اگر وقت برای بازخوانی، غلطگیری و تصحیح متن نداریم، در واقع برای نوشتن نیز هرگز وقت نخواهیم داشت. بنابراین بهتر است که نویسیم. در شماره بعد به ایست ذهنی نویسنده و برخی راهنمایی‌های سودمند اشاره خواهیم داشت.

## معرفی کتاب

### سه کتاب تازه در باره مطبوعات اسلامی

یگانگی تا بیگانگی؛ مبارزات قلمی - مطبوعاتی حاج سراج در ایران با کسروی؛ تألیفات؛ درگذشت. فصل ضمیمه که بیش از سه چهارم کتاب را دربر می‌گیرد، شامل مجموعه مقالاتی از حاج سراج انصاری در درباره او و استاد منصور و غیرمنصور و دست‌نوشته‌های متعدد است.



### اخلاق روزنامه‌نگاری و تاریخچه مطبوعات اسلامی

**مطبوعات اسلامی؛ تاریخچه و اخلاق روزنامه‌نگاری؛ چاپ اول؛ قطع وزیری؛ ۲۹۵ صفحه؛ ۱۰۰۰ نسخه؛ مؤسسه اطلاع‌رسانی اسلامی مرجع؛ قه؛ ۱۳۸۲ هج. ۲۰۰۰ ریال**
این کتاب مجموعه مقالاتی است با عنوان: مطبوعات در نگاه امام خمینی (رسول خدا)؛ مطبوعات، ارتباطات، آزادی (سیدمحمد خاتمی)؛ فولاد جریده (سیدجمال‌الدین اسفندیاری)؛کتابن مطبوعات و سیر تحول آن در حقوق ایران (محسن اسماعیلی)؛ مطبوعات حوزوی (رسول جعفریان)؛مطبوعات دینی (روح‌الله حسینیان)؛

### کلیدهای دانش و پویاش

**علم‌آموزی و معرفت‌اندوزی؛ شرح حدیث عنان بصری؛ نوشته رضا رضضانی کلاتی؛ چاپ اول و دوم؛ قطع رقی؛ ۱۸۸ صفحه؛ ۲۰۰۰ نسخه؛ انتشارات سروش؛ تهران؛ برنده ۱۳۸۲ هج. ۸۰۰۰ ریال**
عنوان بصری پربرتری بود و چهار سال و بیش‌از حد در تحمیل علم بود که برای کسب دانش نود مالک بن آسب (شیرازی) مذهب مالکی این سنت ارفق و آمد داشت. پس از ورود امام جعفر صادق (ع) به مدینه او علاقه‌مند به آموختن از آن حضرت شد اما امام علم مشکلات سیاسی و برنامه‌های عادی خود را مطرح کرد. عنوان بصری که مشتاق و پیتاب آموختن از امام صادق(ع)بود بااینش و درخواست، از خداوند خواست که زمینه تغییر نظر امام و فراگیری از آن حضرت را برایش فراهم آورد. سرانجام موفق شد که در نشستی با امام صادق(ع) بر سه‌پاشی درباره علم و علم‌آموزی و حقیقت‌پندگی و نیز نکته کلیدی درباره رفتار با خویش، رفتار با مردم و رفتار دانشمندان پیام‌رود. حدیث عنان بصری از روایات معروف است که در این کتاب

### دین بومی ژاپن

**شین تو اره کامی** (نوشته سوزکی توتو، ترجمه نسترن پاشایی، ویراسته معظلی ملکیان، چاپ اول، قطع رقی، ۲۰۷ صفحه، ۳۳۰۰ نسخه، نشر نگاه معاصر، تهران، ۱۳۸۲ هج. ۱۶۰۰ تومان.

شین تو یا دره خدایان، که دین بومی مردم ژاپن است - در میان دنیهای دیگر جهان نسبتاً ناشناخته است. این دین که در آغاز اعمیت محلی داشت و تمرکز آن بر تزیینهای یک فرهنگ کشاورزی بوده به تدریج اهمیت کشوری و سیاسی یافت و می‌توان نقش آن را در یکپارچه ساختن کشور تحت دودمان امپراتوری دید.

عمود شین تو، کامی است. کامیها یا موجودات فراطبیعی، ارواح ناپدیدنی هیبت آبر و غالباً نیکنواری هستند که در پدیده‌های طبیعی زندگی می‌کنند و به صورت خدایان یا خوتعدایان مجسم می‌شوند.

جنبه‌های شخصی شین تو مستلزم ایمان به کامی و به چا آوردن آمانی است که بنا بر دل کامی صورت می‌گیرد، و نیز زندگی معنوی است که از طریق پرستش کامی و در اتحاد با او یافت می‌شود. اما در جنبه عمومی‌ش چیزی است فراتر از یک ایمان دینی. آمیزه‌ای است از نگرشها، اندیشه‌ها و شیوه انجام کارها که در طی بیش از دو هزار سال جزء جدایی‌ناپذیر راه مردم ژاپن شده است. از این رو شین تو هم یک ایمان شخصی به کامی و هم یک راه جمعی زندگی بر مبنی دل کامی است که در طی قرنها و با آمیختن تأثیرهای گوناگون بومی و یورپوی قومی و فرهنگی و وحدتی که کشور تحت دودمان امپراتوری به آن دست یافته پدیده آمده است.

این برگردان، که اولین کتاب فارسی در زمینه شین‌تو است، از دو بخش تشکیل شده است. بخش اول ترجمه‌ای است از کتاب شین تو، راه کامی و نوشته دکتر سوزکی توتو، چاپ بیست و چهارم، ۱۹۹۳.

بخش دوم برگردانی است از مداخل شین‌تو از دانشنامه ژاپن، نشر کردان شاه، که سیر تاریخی شین‌تو، شنگلیزی، مکاتب ابعاد و اندیشه آیینی آن را نشان می‌دهد.

**ستاره درخشان مطبوعات اسلامی**

**حاج مهدی سراج انصاری؛ ستاره‌ای درخشان در عرصه مطبوعات اسلامی؛ نوشته رسول جعفریان؛ چاپ اول؛ قطع وزیری؛ ۳۲۲ صفحه؛ ۱۳۰۰ نسخه؛ مؤسسه اطلاع‌رسانی اسلامی مرجع؛ قه؛ ۱۳۸۲**

حاج مهدی سراج انصاری (۱۲۷۲-۱۳۲۰) ش یکی از مردان با همت و متبرک در عرصه تبلیغات دینی در قله‌های نوب بود. وی در سخت‌ترین شرایط جامعه روحانیت، باوری آزرده به کار مطبوعاتی و شنگلیانی، راه نوبی را فراروی روحانیت گذرد.

برخی عنوان این کتاب عبارت‌اند از: حاج سراج انصاری در یک نگاه؛ نگاهی به شخصیت حاج سراج انصاری؛ تلاشهای مطبوعاتی؛ حاج سراج و نشریه دنیای اسلام؛ تأسیس شرکت مطبوعات دینی؛ گزارشیسلی حاج سراج و شنگلی انحصادی مسلمین؛ حاج سراج و تشکیل جمعیت مبارزه با بدعتی؛ تشکیل انحصادی مسلمین؛ موروی بر صورت جلسات انحصادی مسلمین و مواضع آن؛ حاج سراج و نشریه مسلمین؛. حاج سراج و سید هیدالدین هموشستانی؛ حاج سراج و اندیشه سانداهلی به امور تبلیغات دینی و روحانیت؛ حاج سراج؛ دفاع از امام شیخ مبارزه با خرافات؛ حاج سراج و اندیشه وحدت اسلامی؛ روایتی با احمد کسروی؛ از



به شرح آمده و متن و ترجمه کامل آن عرضه گلته است.



عمود شین تو، کامی است. کامیها یا موجودات فراطبیعی، ارواح ناپدیدنی هیبت آبر و غالباً نیکنواری هستند که در پدیده‌های طبیعی زندگی می‌کنند و به صورت خدایان یا خوتعدایان مجسم می‌شوند.

جنبه‌های شخصی شین تو مستلزم ایمان به کامی و به چا آوردن آمانی است که بنا بر دل کامی صورت می‌گیرد، و نیز زندگی معنوی است که از طریق پرستش کامی و در اتحاد با او یافت می‌شود. اما در جنبه عمومی‌ش چیزی است فراتر از یک ایمان دینی. آمیزه‌ای است از نگرشها، اندیشه‌ها و شیوه انجام کارها که در طی بیش از دو هزار سال جزء جدایی‌ناپذیر راه مردم ژاپن شده است. از این رو شین تو هم یک ایمان شخصی به کامی و هم یک راه جمعی زندگی بر مبنی دل کامی است که در طی قرنها و با آمیختن تأثیرهای گوناگون بومی و یورپوی قومی و فرهنگی و وحدتی که کشور تحت دودمان امپراتوری به آن دست یافته پدیده آمده است.

این برگردان، که اولین کتاب فارسی در زمینه شین‌تو است، از دو بخش تشکیل شده است. بخش اول ترجمه‌ای است از کتاب شین تو، راه کامی و نوشته دکتر سوزکی توتو، چاپ بیست و چهارم، ۱۹۹۳.

بخش دوم برگردانی است از مداخل شین‌تو از دانشنامه ژاپن، نشر کردان شاه، که سیر تاریخی شین‌تو، شنگلیزی، مکاتب ابعاد و اندیشه آیینی آن را نشان می‌دهد.

یگانگی تا بیگانگی؛ مبارزات قلمی - مطبوعاتی حاج سراج در ایران با کسروی؛ تألیفات؛ درگذشت. فصل ضمیمه که بیش از سه چهارم کتاب را دربر می‌گیرد، شامل مجموعه مقالاتی از حاج سراج انصاری در درباره او و استاد منصور و غیرمنصور و دست‌نوشته‌های متعدد است.



### تازه‌های دنیای دین

آزاده ربیسی

### Themes of the Qur'an: What does Qur'an Say to Us مضامین قرآن: قرآن به ما چه می‌گوید؟



**نویسنده:** دکتر سابعه سلیم **۲۹۴ Dr. Sabiha Saleem**
**ناشر:** Ta- Ha Publishers Ltd.
**تاریخ:** ۲۰۰۲
**هج:** ۱۳۸۵
**دلار**
در این کتاب نویسنده به طرح مباحث از قرآن مجید می‌پردازد که همواره توسط عالمان و روحانیان به‌عنوان موضوعهایی کلیدی در حل و فصل مسائل مربوط به وحی به کار می‌رود. همچنین برای کسانی که به‌نازگی با قرآن آشنا شده‌اند و آگاهی کمتری نسبت به نکات پراعمیت آن دارند، مفاهیمی را به‌تکرار و به‌گونه‌ای ظریف به‌منظور دریافت گسترده‌تر از قرآن در قالب توضیحات گوناگون شرح و بسط می‌دهد. در ادامه، مطالبی در زمینه پنج رکن اصلی اسلام و یوزده نماز، مطرح می‌کند و سپس به فضایی در خصوصیات اساسی نظیر «ایمان» و «احسان» می‌پردازد. این اثر در ضمن معرفی قرآن مجید راهکارهایی روشمند را برای فراگیری قرآن به‌تازه‌واردان عرضه می‌دارد.
منبع: Islamicbooks.com

### History of Jewish Philosophy

### تاریخ فلسفه یهود

**نویسنده:** دانیل ه فرانک و ایلویریس **Daniel H. Frank, Oliver Leaman**
**ناشر:** Taylor Francis Books
**تاریخ:** ۲۰۰۲ هج. ۱۳۷۹
**دلار**
فلسفه یهود، فلسفۀ تجربی به‌عنوان فلسفه دین یهود داشته است. اما در واقع گستره مفهومی وسیعتری را از نظر برنامه‌ی و حضور در سرتیراه گوناگون و متنوع فرهنگی شامل خود، این کتاب با تأکید بر این واقعیت، به‌یاد طرح تفهلی و نوع ساختار فلسفه یهود از تفسیر فلسفی تورات گرفته تا نظریات طرفداران حقوق زنان در قرن بیست و یکم و اندیشه‌های بیست و نهم، می‌پردازد و در نتیجه رابطه میان فلسفه یهود و بافت گسترده فرهنگی آن، معتقد به وجود پیش‌زمینه‌ای پر از دغدغه است که به نوعی می‌توان آن را تراکم و تبلور کامل و جمعی از حساسیت تاریخی دانست.



منبع: BarnesNoble.com

### یادداشت بر یک کتاب

### دو دقیقه تا ابدیت

**یک ده‌ای زیبا، گردآوری و ترجمه زهره زاهدی، انتشارات سپهر، تهران، ۱۳۸۲**
«از دو درخواست کردم فرزند معلولم را شفا دهد»



فرمود لازم نیست، روغن سالم است.
هم‌هم که وقت است!
این کتاب، ۱۲ صفحه کلاسه در قطع جیبی بیشتر ندارد که نمی‌از آن، تنها عکسهای رنگی زیبایی است از طبیعت، بقیه کتاب، نوشته‌های چند طریقی - با بهتر، چند کلمه‌ای است - که متن گفت‌ووشده و به عبارتی دیگر، درخواست و پاسخ انسان و خداست. این کتاب را در دو دقیقه - یا کمتر - می‌توان خواند، اما در همین حجم اندک، فشرده‌ای از آموزه‌هایی آرمایش بخش است که بسیاری از دعاها، درخواستها، نگرشها، پشینها و کنشهای یک مؤمن را سامان می‌دهد.

پاسخهایی که در این کتاب برای دعاها و درخواستهای انسان، از سوی خدا آمده، خلاف آن چیزی است که شخص انتظار دارد. پاسخی مبتی بر میزان سهم خدا و انسان در مسائل گوناگون و میزان اختیار و وظیفه‌ای که آدمی دارد و نظارتی که از او می‌رود تا نقش خود را ایفا کند.

این پاسخها همچنین به انسان می‌آموزند که حکمت پدیده‌ها چیست؟ انسان تا چه حد باید مسطح درخواستهایش را بالا برود و میان دعاها و درخواستها، کدام یک از روشمندتر و انسان را به جایگاه واقعی خود می‌بازند.

کتاب، دوزیانه انگلیسی و فارسی است و تصویرهای زیبایی آن انسان را به درون آرمایش طبیعت می‌برد و جلوه‌هایی از زیبایی نعمهای خداوندی را فراروی او می‌گذارد.

این گونه کتابها می‌توانند سرتیراهی مناسبی برای انتقال روح معنویت دینی و روشنی آسان فر آموزش بسیاری از نکات دشواره مهم و کاربردی عقیدتی و کلامی باشند.

### کتابخانه شماره ۱۷۰ شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۸۲ ۱۹



**دکتر محمود حسن مطهر** متولد ۱۳۱۸ میلادی در شهر بقیع شرق استان اری از خانواده معروف مطهری فرزند آیت‌الله شیخ محمدحسن مطهر صاحب تألیفات بسیار از جمله کتاب *ارزشمند لالای الصداق* و *برادرانه آیت‌الله استاد شیخ محمدرضا مطهر صاحب تألیفات* و *عنون منیر درسی حوزه‌های علمیه در فقه اصول و منطق* است. تحصیلات خود را در حوزه علمیه نجف و سپس در دانشگاه اری گرفت و موفق به اخذ درجه *دکتری در فقه تطبیقی شد*.

**دکتر مطهری دارای تألیفات و آثار متعدد در فقه و حقوق** است که برخی از آنها عبارت‌اند از:
- **اسرار الانسانی** (مؤلفه درصافه فقهیه و تقوئیه)
- **الذریه النسیه** و **حقوق الذریه** و **القره فیها**
- **الرمح الثابتی** حکمه و عنونه فی الشریعه الاسلامیه
- **سبای القنون** و **الانزاعات** درصافه قانونیه مشترکه
- **الوسطیة** **لدراصة** **القانونیه** مشترکه
- **نظریه الاراده المنفردة**
- **نظریه الاراده المنفردة**
- **موانع المسؤولية**
- **رسیده است**)

در **ملازمه برخی پژوهشها و مقالات** در زمینه‌های مختلف **فقهی و حقوقی** که در **مجلات فقهی** و **فنا** به چاپ رسیده‌اند.

**دکتر مطهری در** **حولات عراق** در **دهه هفده میلادی** از **ان کشور مهاجرت کرد** و در **کشور عربستان سعودی** **اقامت گذراند** **غری** در **سال ۱۳۸۲ تاکنون**، **به عنوان استاد** **دانشگاه اقتصاد و مدیریت دانشگاه ملک عبدالعزیز** در **شهر جده مشغول به تدریس است**.

**ان گفتگوی دربارۀ موقعیت نگارشهای اسلامی در جهان و راهمهای ارتقای آثار مکتوب در این زمینه است**.

**جیان اسلاو و دیوید ویلیامز** **تولیدکننده** **ترانه‌گری** در **جهان اسلام** - **به ویژه در عرصه کتاب** - **را چگونه می‌بیند؟**

در حال حاضر تولید کتاب در جهان اسلام رو به رشد و فعال است و بهترین نشانه آن توجه بیشتر روشنفکران و پژوهشگران به سوی خرید و مطالعه کتاب و مطوعات با همکاری این نشر می‌موسسات و رسانه های پویشی و فرهنگی-علم از ادیب و نظریوت‌پایگاههای اینترنتی کتابهای ماهواره ای و…است.بجمله‌های کتاب اسلامی کافی است

پنجوا و جاباب که امروزیوم در راستای گرایشهای اسلامی خاتمه بر یافته دیروزه در اراق و اوضاع جدید در کشور عراق این توجه افزایش یافته

**به نظر شما عوامل این پدیده‌های چیست و چه چیزی کم داریم؟**

هیچ چیزی کم نداریم بلکه علت اصلی این است که سالها زیر سلطه بیگانگان بودیم و این امر به عقیده‌اندگی کشورهای اسلامی در دهه زیمیه‌ها از جمله فرهنگ منجر شده است. تا به حال دیدگاه مسلمانان نسبت به جامعه غربی یک دیدگاه کلامی بدل بود این احساس خود کمیونی باعث شد جموع اسلامی از پرتیلهای محروم بمانند.

به عنوان مثال: بیشتر محصولات عرضه شده در بازارهای ایران ساخت داخل است،چون اکثر ایرانی‌های سلفه خامی است این موجب شده است تا نیازهای مردم در داخل کشورشان تأمین شود از این مسائل خدمتی گرفته می‌شود.تخصصی وپیشرفته به این می گویند.ساخت مستحکوم مسواک و پیراشن باپارای اگر شرایط مناسب برای ایران جهت استفاده از امکانات موجود فراهم شود، به برزگترین دستاوردهای علمی دست خواهد یافت. در مقابل، ملتی که همه نیازهایشان از خارج تأمین می‌شود، همواره عقیده و شعور می‌داند. همان گونه که بازار کار ایران به نیروهای متخصص داخلی اتکا ندارد،امیدوارم ایران بزودی به جایگاه شایسته خود دست یابد.

**به نظر شما چقدر درصده محصولات فرهنگی جهان اسلام قابل تحریف غرب است؟**

فکر می‌کنم کمتر از محصولات فرهنگی جهان اسلام به درج جامعه غربی بخورد. علت این است که اغلب تألیفات اسلامی حامل پیامهای یکسوزنگار نظرند و این در جهان غرب مورد قبول نیست. آنها پیشتر از اصل شناخت و گفت‌وگو جهت رسیدن به اندیشه‌های نو حمایت می‌کنند

و این بدین معناست که لازمه گفت‌وگو و تولید فکری شناخت دوجانبه و نه یکجانبه است. مأمئنه ما مسلمانان مسائل را در قالبی افشانه‌ای و غیر واقعی مطرح می‌کنیم و این عرست عکس آن چیزی است که غرب به ما خواهد آید. همیشه به دنبال واقعیت و منطق هستند، به همین خاطر تألیفهای غربی به دور از انتقال و تعصب و خیالپردازی و این مسائل، خواننده را اادار به ایجاد رابطه تنگاتنگ با کتابی که می‌خواند می‌کنند. به طور مثال، بعضی کتابهای ماهواره‌ای کشورهای اسلامی این گونه مطرح می‌کنند که دموکراسی برابر با کفر است، و دیگران همه کافرند. این نشان می‌دهد که طرز تفکر مسلمانان تا حدود زیادی واقعی و دور از واقعیت است.

شما **دو ترجمه آثار اسلامی و فکری کشورهای عربی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟** به عبارت دیگر چند درصد از **محصولات فکری این جوامع به زبانهای مطرح دنیا ترجمه می‌شود؟**

ترجمه آثار اسلامی برای غرب بسیار کم است، و حتی این مقدار کم متوجه عربیها و مسیحیان نیست بلکه برای مسلمانان ساکن در این کشورهاست.ملازمه فرافقه سیستانی ترجمه قرآن جدید به ۲۱ زبان موجود است ولی این ترجمه‌ها برای مسلمانان آن دیدار نامه شده است. بنابراین کشورهای غربی همچنان تصویر درستی از واقعیات و فایده‌های جوامع



**ما نیاز به برنامه‌ریزی دقیق برای تولید کتابهای ارزشمند و علمی داریم تا نیازهایمان را تشخیص دهیم و جلو کارهای موازی و تکراری را بگیریم**

اسلامی ندارند.مندی که این جوامع تلاش جدی برای رساندن این واقعیات و کشورهای غربی از خود نشان نمی‌دهند، در حالی که دیدگاه بسیاری از غربیها حتی بعد از بازدید از کشورهای اسلامی و کسب اطلاعات نسبت به ما متغیر می‌یابد. از این رو، ما لازما نیاز از تألیفهای بسیاری از سوی مراکز و موسسات فرهنگی و ادلهفهای اسلامی و همچنین روشنفکران

جهت ارتقای سطح آگاهی خود و در مرحله بعد ارائه نگو و کتاب مناسب جهانی هستیم. در مقدمه نشر و سپس از روشنفکران ما تنها عامل تأمین منبع خویش تلاش می‌کنند، بلکه منابع کشورهایمان را نیز در نظر می‌گیرند. من شخصا دیدگاه زیبایی از انسان دانشگاهها و پژوهشگران و دانشمندان را می‌شناسم که مسائل جدی برای آنها مطرح نیست. درست است که پول عامل مهمی به‌شمار می‌آید، ولی تنها عامل تهیه می‌شود.مسکن است سوء انجمنی نداشته باشد ولی در مقابل، سوء معنوی چند برابر در پی دارد.مجبور علمای اعلام ما در قریه‌ای گذشته گفتگوی که این همه منبع و دارایی‌ها را برای آگاهی می‌کردند، هرگز به فکر سوءنیت‌ها و تخریب شعورشان را نمی‌کردند که نگارنده‌شان از شوهرهای خودشان فراتر نبود. آنها هیچ‌گاه به مال‌اندوزی و شهرت چشم‌پوشند.نگوستان این بود که حوزه علم و معرفت را غنی تر رسانند و این فقط آرزای تمدن اسلامی است.

**به نظر شما چه مباحثی در دنیا اسلام توان تبدیل شدن به زبان جهانی دارد به گونه‌ای که توجه جماع و اندیشمندان دنیا را به سوی خود جلب کند؟**

بهترین بحث همین گفت‌وگویی شدنیاست که باید گسترش یابد و همه مردمی که در این راه وجود دارد برداشت شود.ملازمه گفت‌وگو فرغوسه را باعثی بازو به دور از تعصب آغاز کنید. تنها از این طریق می‌توانیم غرب را به خوانندگان کتابهایم تشویق کنیم.

از سوی دیگر، ما هنوز در بسیاری از موضوعهای اسلامی شکیب هستیم، به عنوان مثال، دروسها و پژوهشهای انجام‌شده در زمینه اقتصاد اسلامی، که برای جهانی و امرای حکمکن است- بسیار ضعیف و ناچیز است و تاکنون تلاشی علمی و مستقل در این باره صورت نگرفته و کار از قالب تقری بیرون نیامده است. مأمئنه در بسیاری از رشته‌های فناوری و علوم طبیعی حرفی برای گفت نداریم و در زمینه علوم انسانی نیز نقش بسیار محدود داریم. ولی با این حال، هنوز فرصتی وجود دارد که استفاده‌اش شکوفا شود، به ویژه در زمینه اندیشه‌های اقتصاد اسلامی. البته به شرط این که از تعصب به مسائل فرفه‌ای و غری بی‌رهیزیم و مباحثات اصلاحاتگرا را آغاز نگوییم.

**به نظر شما علت این وضعیت‌ها چیست؟**

شاید یکی از علتهای وجود آمدن دلیل ارتباطاتی جدید (بحر کتاب) از قبل شبکه‌های ماهواره‌ای، رادیو اینترنت و غیر آنها باشد و اینها باعث شده است که مخاطب به جای خواندن کتاب به کتابهای ماهواره‌ای رویورد.

دیگر این که امروز بازار کتاب در جهان اسلام اشباع شده است ولی به با کتابهایی که در سطح مطبوعی باشند، به علاوه این که بسیاری از عنوانها تکراری است و این نشان می‌دهد که این کتابها تقریبا در این زمینه صورت نمی‌گیرند. جهانگویی باید میان دنیا و نهادهای فرهنگی باشد. عمداً ما به برنامه‌ریزی و امور فرهنگی احتیاج می‌توانیم.ایمان‌هاست.تجربیمز داده و رفع شود. این روش در کشورهای توسعه‌یافته اعمال می‌شود و به همین خاطر همواره بازار کار در این کشورها از تعداد نسبی برخوردار است. ولی ما سقافته در کشورهای ما کارها بصورت سلفیه‌ای انجام می‌شود.

**با توجه به این که شما در کشورهای عربی اقامت دارید، بفرمایید که وضعیت چاپ و نشر در آن کشور چگونه است.**

حرکت چاپ و نشر در عربستان شادند تحول ظنی در مقایسه با گذشته است ولی هنوز در حد مطلوب نیست. این تحول شامل نشریات کتابخانه‌ها و روزنامه است و سرمله‌گذارهای بسیاری در این زمینه صورت گرفته است. کمترین که عربستان سعودی بازار خوبی برای محصولات فرهنگی کشورهای دیگر می‌شمارد. ولی این امر بسبب شدت است تا نشر روشنفکری در سطح بالای آن کشور شکل گیرد. در عین حال، دانشگاههای عربستان نیز شادند پیشرفت چشمگیری بوده‌اند. در این کشور انسانان دانشگاهها به ارائه پژوهشهای ابتکاری تشویق می‌شوند.کاری که در بسیاری از کشورهای دیگر وجود ندارد.

**راکهارهای مناسب جهت افزایش تولید کتاب علمی و فکری‌را چگونه جست؟**

ارزشمند.پایه‌تألیف‌هایمان تشخیص‌دهیم.مجموع کارهای موزی و تکراری را بگیریم.بعضی باید در تشخیص نیازها واقع‌بین باشیم.

**درباره تولید کتاب در عراق نظرات چیست؟**

در حقیقت تولید فکری و اندیشه در زمان رژیم سابق خیلی پایین بوده‌افسانه این که این محصولات، چه دانشگاهی یعنی غیردانشگاهی - تحت نظارت مستقیم دولت بودند یعنی ممنکس کننده دیدگاه دولت بوده.طوری که انتخاب موضوع و عنوان کتاب نیز باید با هماهنگی کامل با دولت صورت می‌گرفت. بنابراین محصولات تکراری در طول سالها گذشته فقط آرزای علمی دانشجویین.مطوبات‌علمی روزنامه‌ها و مجله‌ها-از این امر مستثنای بوده‌اند. در این باره کتاب دولتی، کمترین به دولت بستگی دارد. به طوری اگر دولت، مستقل و فعال باشد و با برنامه‌ریزی برود، می‌تواند به وضع کنونی بهبود بخشد، به‌ویژه با کمک فرهایف تحصیلات که در بسیاری از کشورهای پیشرفته به سر می‌برد.

**آیا ضرورتی در ایجاد تحول در کتابهای درسی و همچنین شوه‌های مطالعاتی حوزوی می‌بینید؟**

بله، البته این امر به همه اولی‌ترین سبب‌ها معیوبی برمی‌گردد.ولی که تعدادی از علمای حوزه‌ها عموماً مسائل شیخ مسألتان درسی حوزه دانشند. از جمله، مرحوم شیخ کاشف‌الغفاه که در این راستا مدرسه‌ای تأسیس کرد ولی این مدرسه دومی تأسیس نشد. هیچ محصل‌رضا منظر به صحنه آمد و عوالمات اصلاح حوزه شد که در این راه منتظان زیادی از میان گذشته از زمان داشت تا درسی که نخستین روی صندلی با استفاده از ابزارهای این مثل نخته و کعب و غیره غیر جایز دانسته شد. ولی مرحوم استاد مطهری ایستادگی کرد تا توانست کتابها و شوه‌های درسی حوزه را تغییر دهد. بنابراین تغییر درهای خود و افسانه

**با مایید گفت و گو با غر ب را**

**ذهنیتی باز و به دور از تعصب آغاز کنیم. تنها از این طریق می‌توانیم غرب را به خواندن کتاب‌هایمان تشویق کنیم**

**امروز بازار کتاب در جهان اسلام اشباع شده است ولی نه با کتابهایی که در سطح مطبوعی باشند**

کردن درسهای جدید مثل منطق، بکاره صورت گرفت کمترین که تأسیس دانشگاه فقه و شریعت اسلامی کافی در راستای اصلاح و تجدید حوزه بود. هرچند بعضی از فضلا این اصلاحات را به عنوان خروج از خط و شی اصلی حوزه تلقی کرده‌اند و می‌کنند.

**آیا به نظر شما ضرورتی هست که در اصول فقه بازیی مجدد کنیم؟**

شکنا ما دوران تحولات سریع زندگی می‌کنیم و این می‌طلبد که کتابهای درسی و روشهای حوزوی همگام با این تحولات باشند. بنابراین کتابهای درسی و همچنین روشهای معمول در حوزه باید تغییر یابد. بجزر و بسکت به روشهای کلاسیک و قدیم ما را از افق‌ها تمدن عقب نگه می‌دارد. باید درسهها، روشها و اندیشه‌ها هماهنگ با شرایط روز باشند. این می‌تواند راهی برای نفوذ تفکر شیعی به محافل جهانی باشد که قبلاً از امکانات محروم بوده است. به عنوان مثال استاد باقر، بر رساله دکتری بنده اشکال گرفته بود که چرا از منابع استفاده شده در پایان‌نامه شما منابع شیعه است و چرا از منابع اهل سنت بیشتر استفاده شده است. در جواب گفتف که اگر از منابع اهل سنت کمتر استفاده شده، شما در کتابهای خود حتی به یک جمع شیعه هم استناد نمی‌کنید. گفتف: منابع شیعه در دسترس ندارم. گفتف: در عصر اینترنت و ارتباطات نمی‌توان به این پدیده استناد کرد. من در کتابخانه شخصی‌م به این منابع استناد داشتم و اندیشمند باید همان قدر که هم کتابهای اهل سنت رجوع می‌کنید، در سباهای گذشته علمای سلفه شیعه رجوع کنید. در سباهای اهل سنت بود ولی اکنون اندیشه‌های شیعه در همه نقاط دنیا منتشر است و بعضی از آن نیز دارند که بر جریان و دیگر مردم تأثیر نگذارد.

**نیاز به تطبیق فقه و حقوق**
**چه به روشی منطامه می‌کند و آخرین کتابی که منطامه کردید چه بود؟**

روش بنده در مطالعه این است که از کتاب به انداز نیاز مطالعه می‌کنم. یعنی همه کتاب را نمی‌خوانم بلکه فصلهایی که به کارم می‌آید مطالعه می‌کنم. بنابراین توأم بگویم چه کتابی عقیده کرده‌ام، ولی به طور کلی علاوه دارم که کتابهای تطبیقی در ارتباط میان فقه و فقه هستند، چون در این رشته تخصصی، راه اصلاحی منطامه کرده‌ام و دکتر شیروی استاد معمری با عنوان *الرسطه* که به اشتراک این آندرس می‌تواند مصر اختصاصی وارد کتابی اشتراکی شیعه کتابهای فقهی ما و دارای برپه‌های تحلیلی بسیار عالی و کارشنامه است.

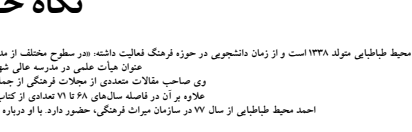
کتابی دیگر از دکتر شیروی در ارتباط ما و عنوان *مصادر الحن* که کتابی است فقهی و دقیق تطبیقی. در این کتاب موضوعها را در طور علمی و دقیق بررسی می‌کند. امیدوارم چند روز پیش خدمت حضرت آیت‌الله العظمی آیت‌الله سیستانی رسیده باشند. فرمودند: ملازمه دارم که در رابطه با تطبیق قرآین، با فقه کار علمی انجام دهم و فقه را در چارچوب جدید در بیاریم. من امیدوارم همه مراجع مطامه به این نتیجه برسند و از حقوق‌دانان در این زمینه استفاده کنند.

**تألیفاتی شما در چه زمینه‌ای است؟**
تطبیق فقه و حقوق بوده است.
**آیا قصد دارید کتابهایی را به زبانهای لاتین ترجمه کنید؟**
در واقع خیلی دوست دارم این کار صورت بگیرد ولی توانایی چندم را ندارم.



زندگی وکی

مهندسی رباتی



**معاونت معرفی و آموزش سازمان میراث فرهنگی** در **حوزه کاری چه سوسیولی داره؟**
اساساً معرفی، شیوه‌ها و بخش‌های مختلفی دارد مانند معرفی از طریق توليدات فرهنگی، معرفی از طریق آموزش، معرفی از طریق اطلاع رسانی، معرفی از طریق نمایش مستقیم یعنی حضور فیزیکی مثلاً در موزه‌ها یا محوطه‌های باستانیسته در نهایت معرفی از طریق مجازی و غیر حضوری مانند موزه‌های مجازی و سیستم الکترونیکی.

**تا کتون در این حوزه چه فعالیت‌هایی در سازمان انجام شده است؟**

سازمان میراث فرهنگی از اقدام یازده سازمان و نهاد به وجود آمد مانند مرکز باستان شناسی، مرکز مردم شناسی و سازمان‌های دیگری مانند هنرهای سنتی و غیره که از قبل وجود داشته‌اند و فعالیت‌هایی انجام می‌دادند، بخشی از فعالیت‌ها و پژوهش‌های خود را به صورت منگوب منتشر کرده بودند و هر کدام دارای یک تاریخچه نشر برای خودشان هستند مثل مرکز مردم شناسی که از قبل از انقلاب فعالیت داشته و در دوران بعد از انقلاب هم به فعالیت خود ادامه می‌داده تا زمانی که در داخل سازمان میراث فرهنگی به صورت پژوهشگاه شناسی سازمان جدید خود را آغاز کرد. این سازمان‌ها کتاب‌های بسیاری داشته‌اند که در حوزه زیرمجموعه وزارت فرهنگ و هنر وقت و داخل مرکز خوشان منتشر می‌شده. این کارها در مراکز دیگری هم که بعداً لغت شد و سازمان میراث فرهنگی را به وجود آورده‌اند ادامه داشته است. اما قسمت اعظم محصولات آنها بروشوها و کاتالوگ‌هایی بوده که در نهایت به صورت کتاب منتشر شده و در اختیار پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار گرفته است. مثل هنرهای سنتی، مردم شناسی، باستان شناسی، معماری، تاریخ و میراث حوزه ها. اما در دوره جدید فعالیت میراث فرهنگی یکی از اولویت‌ها توجه به مشارکت ناشران دیگر چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی بود. از زمان تشکیل سازمان میراث فرهنگی انتشارات در قالب یک اداره متمركز در اداره كل انتشارات سازمان میراث فرهنگی فعالیت کرده و تا امروز هم به کار خود ادامه داده است. از سال ۱۳۷۵ به‌بعد یک گشتایش در امر اختیارات حوزه نشر به وجود آمد. نتیجاً میزان انتشارات در سال ۱۳۷۶ چه به لحاظ کیفی و چه به لحاظ کمفی افزایش داشت.

اما از سال ۷۷ به بعد سعی کردیم نگاه را تغییر بدهیم. در واقع ما معتقدیم فعالیت نشر در حوزه میراث فرهنگی زمانی حاصل می‌شود که تعداد بیشتری ناشر و چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی و مخصوصاً در بخش خصوصی وارد این حوزه شوند. بخش خصوصی سرمایه و انرژی و توان خودشان را در نشر مورد استفاده قرار دهند و ما فقط موضوع را پیش می‌کشیم. در واقع ما هر چقدر این فعالیت مشترک مادی و معنوی را در حوزه میراث فرهنگی افزایش

بدهیم می‌توانیم یک موفقیت بزرگ در نشر میراث فرهنگی به‌دست آوریم. این فعالیت تنها محدود به خود سازمان میراث فرهنگی نیست که چند کتاب یا چند عنوان را چاپ کرده بلکه باید به دنبال این باشیم که چقدر توانسته است باعث شود کتاب در موضوعات مختلف چاپ شود و در اختیار دستاران و علاقه‌مندان به این حوزه قرار گیرد. بنابراین ما بتغییر سیاست، دانه کاری نشر را طی سال‌های ۷۷ به بعد تغییر دادیم و در یک مدار جدید و روش سیاست‌گذاری جدید قرار دادیم که هم اکنون هم ادامه دازد و سعی می‌کنیم این روند را گسترش بدهیم.

**از سال ۷۷ که سیاست سازمان تغییر کرده وضع نشر کتاب به لحاظ آماری چگونه بوده؟**

**اماز سال ۷۷ به بعد سعی کردیم نگاه را تغییر بدهیم. در واقع ما معتقدیم فعالیت نشر در حوزه میراث فرهنگی زمانی حاصل می‌شود که تعداد بیشتری ناشر چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی و مخصوصاً وارد این حوزه شوند**

در سال ۷۶ نزدیک به ۳۰ عنوان کتاب چاپ شد. بعدها این روش به شکل جدیدی درآمد تا اینکه در ۶ ماه اول امسال (۸۲) ۴۰ عنوان کتاب چاپ کردیم. ما سعی داریم این رقم را هم افزایش بدهیم ولی این را هم زمانه موفقیت نمی‌دانیم. در حقیقت موفقیت ما زمانی است که چاپ کتاب‌های حوزه میراث فرهنگی افزایش یابد. البته یک سری مراکز و ناشران مثل نشر میراث منگوب، کتابخانه مجلس شورای اسلامی و خیلی از نهادها و ارگان‌ها شروع به چاپ کتاب‌های حوزه میراث فرهنگی کردند. به این حوزه توجه نشان داده‌اند. یکی از فعالیت‌هایی که در سال ۸۰ شروع شد این بود که ما با انتشاراتی‌هایی مثل سمت و مرکز نشر دانشگاهی و دیگران شروع به همکاری در موضوعات مورد علاقه مشترک کردیم مانند چاپ کتاب منبع الملک با انتشارات نشر دانشگاهی که آخرین پژوهش‌ها و تحقیق‌های مرحوم استادنجیی ذکا بود که توسط دو سازمان انجام گرفت یا انتشارات سمت کتابی با عنوان موزه‌داری از سرکار خانم نوشین دخت نجیبی و هم اکنون هم ۲ کتاب دیگر در دست انتشار مشترک داریم.

**یا توجه به اینکه گنبد از سال ۷۷ سیاست‌های نشر تغییر کرده است، حدوداً تا به حال چند کتاب منتشر کرده‌اید؟ در این ۶سال نزدیک به ۸۰ عنوان کتاب کرده‌اید.**

**منتشر شد**

**بایا**
دوازدهمین شماره ماهنامه بایا منتشر شد.
نگاهی به تاریخخانه صادق هدایت، پیمان آزاده‌الدینبه‌های اصلاح نشده، ترجمه امید مین‌گاز، مرگ هری، یونولند کاروو، ترجمه اسدالله امرایی، روزهای بگردان کهنه، خاراده گلش، علی ملائکه، یک انشیه فرهنگی پیمان سلطانی و… از جمله مطالب این شماره بایاست.

**گفت و گو با احمد محیط طباطبایی**

## نگاه خود را تغییر دادیم

**محیط طباطبایی** متولد ۱۳۲۸ است و از زمان دانشجویی در حوزه فرهنگ فعالیت داشته. «در سطح مختلف از مدرسه تا دانشگاه تدریس کردام و در کنار آن چند سالی به وی صاحب مقالات متعددی از مجلات فرهنگی از جمله گنگاه فرهنگی، رهنمون و مقدمه بنده کتاب بوده است. علاوه بر آن در فاصله سال‌های ۶۸ تا ۷۱ تعدادی از کتاب‌های برحوم محیط طباطبایی را تنظیم و چاپ کرده است.
**احمد محیط طباطبایی از سال ۷۷ در سازمان میراث فرهنگی، حضور دارد و از درباره کتاب‌های منتشره از سوی این سازمان گپي مفضل داشتیم**

در حال حاضر ۲۵ ناشر در حوزه میراث فرهنگی فعالیت دارند. سازمان میراث فرهنگی یک روش انتشاراتی جدید بنیان گذاشت که بسیار مهم است که گفته شود. بیننده، در سال ۷۷ که ما شروع به کار کردیم کتاب، حوزه خاص خود را داشت. حوزه‌ها و محوطه‌های ما فاقد بروشور و فاقد اطلاع‌رسانی عموماً برای مردم عادی بودند. اولین کاری که شروع کردیم گسترش نشر در حوزه اطلاع‌رسانی بود و در واقع الان تمام موزه‌ها و محوطه‌های ما دارای بروشور هستند. در حالی که در سال ۷۷ فاقد یک بروشور بودند.

در نهایت این بروشوها و کاتالوگ‌ها به صورت کتاب درآمدند. آقای طباطبایی، آمار گفته‌های شما با توجه به تغییر سیاسی که اشاره کردید مقفاری ما هم ناقصی دارند. اگر انتشارات سازمان آن سال (سال ۷۷) ۱۰۰ تومان یک کتاب چاپ می‌کردیم امروز ما همان ۱۰۰ تومان یا سه ناشر شرک می‌شویم و ۳ کتاب چاپ می‌کنیم و کتاب‌های را که به طور اشتراکی چاپ می‌کنیم تعدادشان افزایش پیدا کرده است و سطح کلی کار بالا رفته یعنی روند کار به طور کلی در همه سطح افزایش داشته است.

**ولی ظاهراً اشرفی شما بیشتر با ناشران دولتی بوده تا خصوصی. درست است؟**

در واقع کار مشترکی ما ۵۰، ۵۰ است یعنی در ازای هر یک کتابی که با بخش دولتی انتشار داشتیم، یک کتاب هم با بخش خصوصی اشتراک داشتیم. تازه در این لیست تمام کتاب‌های را که بخش خصوصی چاپ کرده‌اند با هزینه خودشان بوده و فقط موضوع برای ما بوده و از طرف ما مطرح شده بود. این تعداد کتاب را ما جدا محاسبه کرده‌ایم.

یک سری کتاب‌هایی که سازمان میراث فرهنگی تولید می‌کند کتاب‌های نفیس یا لوکس هستند و **مخاطب‌های خاصی دارند. برای اینکه این کتاب‌ها به دست مخاطبان آژر جمله در خارج از کشور برسد، چه فکری کرده‌اید؟**
پیرامون کتاب‌های نفیس چون برای ما فقط سودآوری فرهنگی مهم است هیچ مسئولیت‌شناسی مادی نداریم. آنها را به نسبت همه ناشران همسختیمان در این حوزه، با قیمت بسیار کمتری عرضه می‌کنیم. ما با سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی واره ملاکره شدیم و آمار خودمان را اعلام کردیم که از طریق مراکز و رایزنی‌های فرهنگی خارج از کشور این تولیدات فرهنگی که معرف فرهنگ ایران است ترویج شود. علاوه بر این سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای ترویج این کتاب‌ها در خارج از کشور هم کمک می‌کند. در ضمن دو تیباد و نهاد خصوصی هم بعضی از انتشارات سازمان را به صورت گزینشی برای ترویج در خارج از کشور انتخاب می‌کنند. این کشورها هم به صورت گزینشی هستند. مانند فرانسه و کانادا و چند کشور دیگر. با توجه به اهمیت این موضوع سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی باید کارهای گروه‌های دیگر را ساماندهی کند و به دست مخاطبانشان در خارج از کشور برساند. مجموعه کتاب‌های استان‌ها (استان‌شناسی) الان دو چه مرحله‌ای است؟

اولاً در سال ۷۷ نشر در سازمان میراث فرهنگی متمرکز بود و از آن به بعد ما سعی کردیم آن را از این حالت خارج کنیم کنیم استان‌ها، مراکز و پژوهشگاهها را تشویق می‌کنیم تا کارهای خودشان را البته با نظارت و استاندارد انجام بدهند. مثلاً پژوهشگاه مردم شناسی



برای چاپ تعداد زیادی کتاب با ناشران بخش خصوصی قرارداد بسته که منتشر شده و الان هم آماده توزیع است. البته این کار به تدریج انجام گرفته و همین اسلماً پژوهشگاه مردم شناسی حدود ۷ الی ۷ جلد کتاب چاپ کرده است. البته در استان‌های مختلف هم سعی کرده‌اند این کار را انجام دهند.

در مورد کتاب استان‌ها که به عنوان یک طرح ملی مطرح است برای استان‌ها خواهم کتابی منتشر کنیم که استان‌ها را از منظر میراث فرهنگی بررسی کند که در واقع یک نوع اطلاع‌رسانی است و کسانی که این کار انجام می‌دهند می‌توانند در تولید بروشورها

و کاتالوگ‌های خود را این منابع استفاده کنند. از این ۲۸ استان کتاب‌های مخصوص به ۱۲ استان منتشر شده و ۱۲ استان دیگر هم در قسمت اقدام، به جز ۱۲ استان که قاعدتاً باید تا پایان امسال کتاب داشته باشد، به تمام مردم‌شناسی تا ۲۸ پژوهشگاه استان‌ها باید این کتاب را داشته باشند.

در مورد تبلیغات کتاب‌های تخصصی میراث فرهنگی در همین ماه اسلماً هم توجیح دیده

این تبلیغات، صرفاً تخصصی میراث میراث فرهنگی است که با حمایت و مجوز، معاونت فرهنگی وزارت ارشاد و توسط مدیریت کتابخانه‌ها و اسناد سازمان میراث فرهنگی مدیریت و راه‌اندازی شده و ناشران بخش میراث فرهنگی قرار است کتاب‌های خود را بیازورینند. این تبلیغات در همین ماه در تهران نیز می‌شود. اما در تبلیغات اصلی کتاب که تبلیغات بین المللی است (از پژوهشگاه ماه) است، طی چند سال اخیر مجموع میراث فرهنگی و افتخار گسترده‌ای داشته است و وقتی شما وارد تبلیغات می‌شوید باید کنار غرقه‌ها عبور می‌کنید. در مقابل خیلی از غرقه‌های انتشاراتی که حتی بعضی آنها دولتی هم هستند فکر می‌کنید غرقه‌های تبلیغات میراث فرهنگی است.

**کسی هم از برنامه‌های آینده‌تان بگویند.**
ما هم اکنون ۱۶ کتاب را در مرحله بعد از لیوگرافی داریم و مشغول انجام مراحل چاپ و امور فنی آن هستیم. البته چند کتاب ویژه داریم.

تخت چشاپ کرده بود. داریم. امروز هم آمدن شما (برای مصاحبه) مصادف شد با چاپ اولین کتاب علمی-پژوهشی ما که بسیار زیاست و از تیم‌خانه کاخ گلستان است که به صورت مشترک با ارشاد چاپ شده و شامل ۲۰۰۰ عکس است که معرفی آقای مسملو و همکارانشان به صورت کاملاً پژوهشی اولین شده است. در ضمن ما برای سال جدید مسیحی یک دیوارالمعارف از کلیساهای امری در دست چاپ داریم که در مرحله فنی است و امیدواریم برای سال جدید میلادی آماده بشود. البته این کتاب هم یک کتاب خاص است. کتاب دیگر هم دیوارهٔ المعارف موزه‌های ایران است که برای رانحتملی مبلغ ۲۰۰۰ موزه است و این کتاب هم در آخرین مراحل چاپ است. این کتاب‌ها ساری آن ۱۶ کتابی است که اشاره کردم. مطالب است که خیلی از این کتاب‌ها هم به طور مستقیم توسط پژوهشگران سازمان تهیه شده است. به طور مثال کتاب تئوری‌های باستان‌شناسی که توسط آقای دکتر علی زاده استاد باستان‌شناسی دانشگاه شیکاگو کرده‌آوری شده.. مابین نگاه را که حتی باید کار خودمان باشد تا چاپ کنیم کنار گذاشیم و فقط لازم است موضوع کتاب با موضوع ما یکی باشد.

**کتابخانه** شماره ۷۰، شششنبه ۱۶ سپتامبر ۱۳۹۲ ۲۱

## بشقاب پرنده‌ای از پرتوس



جواد ابرام

۱-چرا مردم فریفته شبهه علم می‌شوند؟ معمول ترین پاسخ این است که بشر به رازها و توجیهات ساده نیاز دارد و شبهه علم هر دو ارائه می‌کند. چند زندگی بدون شلث برمودا، مسافرانی از فضای خارجی، ناله‌هایی، روان جنینی، فعالیت ارواح شریر و گاه گاه برخورد تقریبی سیارات، ملال آور و خاکی می‌شد. روزی درآید به جدول طالع و نقشه زیست آهنگ خود مراجعه کنید.

۲- ایدیدیم که در کشورهای مختلف جهان، مراکز دولتی و خصوصی برای جمع آوری و مطالعه گزارش‌های مشاهده بشقاب پرنده تأسیس شده و طبیعتاً بوجه چشمگیری نیز برای اداره آنها اختصاص داده شده است. با وجود این، شواهد مروری را نشان نمی دهند که از سوی دولت‌ها فشاری بر محققان یا مراکز خصوصی مطالعه بشقاب پرنده به منظور جهت دادن به تحقیقات و مطالعات آنها دیده شده باشد. لکن مقامات این کشورها درباره این شیء پرنده اظهار نظر صریح نمی‌کنند. یا از طرق مختلف سعی در سانسور، توجیه، تفسیر و پاره‌اندن حقایق مربوط به آنها را دارند و یا با تصویب قانون خاص مانع اعلام و انتشار حقایق مربوط به بشقاب پرنده می‌شوند.

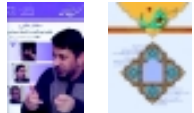
۳- دو بخش قبل قسمت‌هایی از دو کتاب مختلف بودند. اولی با استدلال‌های دقیق و منطقی سعی در معرفی علم و شبه علم دارد و نقاتر ها و نحوه تشخیص آنها از هم را آموزش می‌دهد و دومی درست در نقطه عکس، توجیه، تفسیر و پاره‌اندن یکی از مسائل معروف در حوزه شبه علم را هدف قرار داده است.

بدون شک کم نینستند افرادی که بخش دوم را جالب تر و خواندنی تر یافته‌اند (از جمله خود!) خواندنی بودن چیزی است و مستند بودن چیز دیگر، خیلی از مطالب چاپ شده و نشده را می‌خوانیم و می‌نویسیم ولی به آنها استناد نمی‌کنیم؛ چون یا به گونه‌ای اعتمادی نیست یا به ناشر، ولی اگر نویسنده یکی از پژوهشگران را آسانید کشور باشد و ناشر هم پرسابقه‌ترین و معتبرترین ناشر دانشگاهی کشور، چه کار باید کرد؟ باور کنیم و به آن استناد کنیم، یا نه؟
۴- علم و تخریدی نوشته دیزی رندو و مایکل رندو از نشرات انجمن فیزیک ایران، بدون شک یکی از بهترین کتاب‌هایی است که به زبان ساده تفاوت علم و شبه علم را توضیح می‌کند. با مثال‌های زیاد و گویا شما را در تشخیص این دو از هم یاری می‌کند. قسمت اول این یادداشت بخشی از فصل پنجم کتاب است که به گردآوری واقعیت‌ها می‌پردازد. بخشی که در کتاب «بشقاب پرنده» مصداق پدای می‌کند. نشان می‌دهد کل کتابی که بند دوم از آن است چگونه پدید آمده و چه چیزی را کنده است.

مهم نیست که کدام کتاب را اول بخوانید در هر حالت نتیجه یکسان است و آن هم خیرتره شدن از چاپ و انتشار بشقاب پرنده از سوی جهان ناشی است.

۵- تکسپیر در تراژدی قیصر جمله‌ای از زبان قیصر بر زبان می‌آورد که می‌تواند بیان این تراژدی کوتاه هم باشد. اگر انشاء نکنم، قیصر وقتی نزدیکترین یارش را در بین قائلین خود دید گفت: پرتوس، پرتوس! تو هم!

### منشنرشت



### روایت‌ها

### مهم‌سی خیری



**گفت و گو باچند تن از اعضای گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم و نویسندگان فرهنگ کشاورزی**

# ۱۵ جلد ؛ پس از ۱۸ سال

**اصطلاحات علمی و تخصصی یکی از مهم‌ترین مسائلی است که معمر لا دانشجویان و پژوهشگران با آن سرو کار دارند و معادلیابی و تعریف دقیق و جامع یک لغت به قدری اهمیت دارد که اگر این عمل به‌موقع انجام نگردد و یک واژه به زبان‌های خارجی یا مداخل‌های نامناسب در بین دانشجویان و متخصصان یک رشته رایج شود، دیگر براسی نمی‌توان کلمه‌ای دیگر را جایگزین آن کرد به همین دلیل وجود یک کتاب و مرجع مناسب می‌تواند کمک زیادی به دانشجویان نماید. یکی از این کتاب‌ها، فرهنگنامه کشاورزی و منابع طبیعی است که اسال در پیست و زمین علوم تخصصی به عنوان کتاب ممتاز شناخته شد. این فرهنگنامه به همت گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم و تعداد زیادی از اساتذگان دانشگاه‌ها و**

**محققان کشور، پس از ۱۸ سال در ۱۵ جلد تهیه و توسط نشرات دانشگاه تهران به چاپ رسیده است. هر جلد این فرهنگنامه حاوی اصطلاحات علمی، رایج و کاربردی یک شاخه از علوم کشاورزی است که حائزین آنها عبارتند از:آیاری، اقتصاد کشاورزی، ترویج و آموزش کشاورزی، علوم باغبانی، جنگل و محیط زیست، جریب‌شناسی، خاک‌شناسی، علوم دامی، زراعت و اصلاح نباتات، شیلات، علوم و صنایع غذایی، بیابانی‌شناسی، گیاهی، شترشناسی کشاورزی و افات گیاهی، ماشین‌های کشاورزی و مرغ و آبخورداری**

**در نشستی کوتاه با تعدادی از مؤلفان و یکی از ویراستاران این مجموعه در مورد هدف و لزوم تدوین چنین واژه‌نامه‌ای و همچنین خصوصیات ویژگی‌های آن به گفت‌وگو پرداختیم که حاصل آن گفت‌وگو پیش روست.**

**دکتر یحیی صمدی، ری‌دی، مسؤ‌ول گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم و اساتذگان‌دانشگاه کشاورزی تبریز**

کتاب‌های فرهنگ علوم کشاورزی و منابع طبیعی که خوشبختانه اسال، به عنوان کتاب سال در جمهوری اسلامی شناخته شد، توسط اعضای پیوسته، وابسته و مدعو گروه علوم کشاورزی در فرهنگستان علوم تهیه شده است. طرح این فرهنگنامه در سال ۱۳۷۳ از طرف این گروه نوشته و در این فرهنگ تعریف کنیم که خوشبختانه این برنامه‌نگاری اساتذگان بازم رشته آیاری تحقق یافت. آنها با استفاده از تجربیات سال‌ها تدریس توانستند واژه‌های کاربردی و همچنین واژه‌های را که گاهی برای دانشجویان مشکلاتی در فهم معنی و تعاریف ایجاد می‌کرد، جمع آوری و اصلاح کنند.

**مرتضی خوشنوشی، اساتذگانشقاب باغبانی دانشکته شیلات**
از دیدار درخش کشاورزی کمبود یک فرهنگ لغات مورد تأیید بخش علمی احساس می‌شد. برای اینکه فرهنگ‌هایی که علاوه بر دانش و دغدغه‌های پژوهشگران و برخی هم توسط افراد غیرمتخصص بر گزیده شده بود و این باعث شده بود که واژه‌های اشتباه شنیده شوند، لازم بود کتاب مرجعی با هم‌کف‌ری چند نفر از اساتذگان هر فن نوشته شود.

نکته قابل توجه این است که بسیاری از واژه‌ها در زبان فارسی معادل ندارند. در گذشته واژه‌های بیگانه به همان صورت به فارسی برگردانده می‌شد که بسیاری از آنها برای دانشجویان نامفهوم بود. بر این اساس تلاش شد که برای لغت‌ها، معادل‌هایبهری ساخته شود که فارسی و رسایانند. دیگر اینکه برای بسیاری از واژه‌های تخصصی علوم باغبانی چندین معادل وجود دارد که بعضی از آنها فراتر از نام هستند. در این فرهنگ‌نامه به واژه‌اسمی گیاهان بر مبنای ویژگی عمومی داشته و حجم زیادی هم دارند ولی این واژه‌نامه حاوی اصطلاحات تخصصی و کاربردی هر رشته است و

اصطلاحات عمومی حذف شده‌اند. اما در مورد اصطلاحات مشترک، برای اینکه این اصطلاحات تاجای ممکن با یک تعریف و معادل واحد در کتاب‌های مختلف ارائه شوند، یک گروه شورای هماهنگی تشکیل شد. در آخر هم ویراستاری این مجموعه به دست افرادی متخصص چون دکتر ستوده اسنادزبان فارسی دانشگاه تهران و معوان مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، دکتر اشکان محقق و اساتذگانشگاه و مهندس نامه ویراستار تخصصی در علوم کشاورزی سپرده شد.

**دکتر علیرضا سیاسی، اساتذ**

**اساتذبخش آیاری، فرهنگستان علوم**

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این مجموعه، تعریف و



معادلیابی واژه‌های بسیار کاربردی برای دانشجویان دوره کارشناسی است.

بر اساس مراحل مختلف تهیه فرهنگنامه، فرآیند با اولویت با واژه‌هایی بود که مورد نیاز دانشجویان کارشناسی هستند ولی در مراحل بعدی اگر فرصتی بمانده به واژه‌های دیگر از جمله واژه‌هایی که در این سال اخیر رایج شده‌اند نیز خواهیم پرداخت.

فرهنگ آیاری حدود ۲۵۰۰ واژه را شامل می‌شود که در اصل چندین برابر آن واژه اصطلاح در این رشته وجود دارد ولی بسیاری از آنها بسیار کم استفاده می‌شوند و اگر آنها را به این کتاب اضافه می‌توانیم به تعجب می‌توانیم می‌گفتیم. نکته وقت و هزینه زیادی نیز لازم داشت. پس صلاح را بر آن دیدیم که علاوه‌ای از اصطلاحات مورد نیاز دانشجویان در این فرهنگ تعریف کنیم که خوشبختانه این برنامه‌نگاری اساتذگان بازم رشته آیاری تحقق یافت. آنها با استفاده از تجربیات سال‌ها تدریس توانستند واژه‌های کاربردی و همچنین واژه‌های را که گاهی برای دانشجویان مشکلاتی در فهم معنی و تعاریف ایجاد می‌کرد، جمع آوری و اصلاح کنند.

**مرتضی خوشنوشی، اساتذبخش باغبانی دانشکته شیلات**

از دیدار درخش کشاورزی کمبود یک فرهنگ لغات مورد تأیید بخش علمی احساس می‌شد. برای اینکه فرهنگ‌هایی که علاوه بر دانش و دغدغه‌های پژوهشگران و برخی هم توسط افراد غیرمتخصص بر گزیده شده بود و این باعث شده بود که واژه‌های اشتباه شنیده شوند، لازم بود کتاب مرجعی با هم‌کف‌ری چند نفر از اساتذگان هر فن نوشته شود.

نکته قابل توجه این است که بسیاری از واژه‌ها در زبان

### کتاب برگزیده علمی

**گفت و گو باچند تن از اعضای گروه علوم کشاورزی فرهنگ کشاورزی**

فرهنگستان زبان و ادب فارسی مشغول نام‌گذاری گیاهان هستیم چرا که بسیاری از گیاهان یا اسم ندارند یا به اساسی خارجی معروفند. در حالی که می‌توانیم فارسی بسیار زیبایی برای آنها ساخت و اگر این نام‌ها به‌موقع خود به داده شود، دیگر این همه واژه بیگانه وارد زبان فارسی نخواهد شد.

**دکتر عباس شریفی، تبریزی، اساتذ دانشکته کشاورزی تبریز در رشته گیاه‌پزشکی و عضو پیوسته فرهنگستان علوم**

در شاخه گیاه‌پزشکی کتاب فرهنگ داریم، یکی در زمینه بیماری‌های گیاهی و دیگری در مورد حشره‌شناسی کشاورزی که با حضور لاغز و همکاران در شاخه گیاه‌پزشکی به اتمام رسید و استقبال خوب دانشجویان و اهل قلم در این رشته مواجه شده است. این فرهنگ‌ها به چاپ دوم هم رسیده و امیدواریم امسال نیز که در آینده این دو کتاب راه صورت تکمیل ارائه دهیم.

در هر حال در این فرهنگ‌ها سعی شده که معادل‌های فارسی برای اصطلاحات انگلیسی تعیین‌شده که در این مورد اهتمام زیادی از طرف دوستان و همکاران انجام شد.

از نظر مقایسه با سایر فرهنگ‌های گیاه‌پزشکی این دو کتاب در حد خوبی قرار گرفته‌اند چرا که برای بسیاری از واژه‌ها که معادل فارسی نداشتند، معادل‌های شده‌مهم انگلیسی‌ها

هر واژه تعریف خاص خودش ارائه شده است. همچنین اساتذگان محقق و مؤسسه تحقیقات افات گیاهی، اساتذگانشکته ژئوآسیمازی، عضو هیات علمی گروه علوم کشاورزی و یکی از ویراستاران این مجموعه

نگاره اصلی تدوین این طرح رایج کن اصطلاحات کشاورزی مختلف فارغ‌التحصیل شده بودند و قاعدتاً به فارسی تخصصی است چرا که اساتذگان دانشگاه‌ها از کشورهای مختلف فارغ‌التحصیل شده بودند و اصطلاحات علمی زیادی که درس خوانده بودند لغات و اصطلاحات گاهی بی‌دومی شده که اصلاح فارسی برای یک مفهوم خاص را نیز بسیار متفاوت، این کار می‌بند، مثلاً یک بیماری در گل سرخ هست که به آن سفیدک باغی می‌گویند اما بعضی اساتذان آن را سفیدک حقیقی باغی می‌گویند سفیدک سطحی هم نام‌گذاری کرده‌اند. نکته به سبب اساتذگان دانشجوی مفهوم نبود و گاهی هم اشتباه می‌کردند که سفیدک سطحی پیوسته چه تفاوتی دارند.

باز این گروهی از نخبگان اساتذگان دانشگاه‌ها، محققان مؤسسات تحقیقاتی و بسیاری از جهه‌های مدآگان این رشته‌ها که هم از تجربه‌سال‌ها تدریس برخوردار بودند و هم به زبان‌های خارجی و زبان مازری زبان تسلط داشتند این طرح را تدوین کردند. آنها به‌مقاصح‌ترین مرجعی بودند که می‌توانستند به این بکن‌اوضاع کمک کنند. این مؤلفان هم‌اکنون به عنوان ویراستار هیات‌اعضای هیأت مدلیه و یا تحریریه مجلات و راهنمایان تدریس در دانشگاه‌ها در جزوه‌ها، مقالات و کتاب‌های خود از این واژه‌ها استفاده می‌کنند تا اینکه بتواند جایگزین اصطلاحات انگلیسی معادل‌های نامرست شوند.

در ابتدا قرار بود در هر رشته ۲ جلد چاپ شود. جلد اول شامل اصطلاحات بر مبرصف مورد نیاز و ضروری با هدف استفاده دانشجویان آن جلد دوم بر حسب رشته یا میکرو و گانتسپم‌های آن در صورت تخصصی تر، مثلاً قرار شد در جلد دوم مربوط به فرهنگ بیماری‌های کشاورزی یا در حوزه مربوط‌ها گیاهان زینتی، سبزی و صیفی بحث شود ولی جلد دوم به مرحله عمل نرسیده است.



## دن آرام

رمان **دن آرام**، اثر میخائیل شولوخف برنده نوبل ادبیات پس از سال‌ها با ترجمه و بازنویسی احمد شاملو منتشر شده است.

شاملو در مقدمه آورده است، من دن آرام واسیله‌ای رام یاقه بومد برای پیشهاد زبانی روسی به نویسندگان فارسی زبان به دلیل آنکه فضلا بی اینکه معلوم باشد مشروعبت فوق‌ایشان را از کجا آورده‌اند زبانی به کار می‌برند که ربطی به زبان زنده و پویای مردم ندارد.

شاملو در ترجمه درخشان اثر با استفاده از زبان کوچه‌ای خلق کرده که آن را بومی می‌نماید. دن آرام در دو جلد ۱۱۰۰ صفحه و مصور و تزئین به دو هزار صفحه و به قیمت ۱۸۰۰۰ تومان از سوی انتشارات مایز چاپ و منتشر شده است.

## مرغ بیستی

«مرغ بیستی» نوزدهمین کتاب از مجموعه چهره‌های شعر معاصر به زندگی و شعر محمدحسین شهریار اختصاص داده شده است. نویسنده این کتاب دکتر مریم مشرف است و در سه بخش اثر را تألیف کرده است. بر سبست رمانتیسیم، نقد، و رمانتیسیم اجتماعی عناوین سه بخش اصلی کتاب است. در فصل پایانی کتاب با موضوع در حلقه شاعران ارتباط شریزای با شاعران بزرگ عصر چون ایرج میرزا، طاهر، پرهیز، مشفی، عارف، نینما، سایه و فروغ تشریح می‌شود.

گرچه‌ای از بهترین غزلیات شاعر، همراه با چند شعر بلند و چند دوبیتی و قطعه و شعر آزاد و معروف آ‌ی‌ی‌ی‌ی‌ای مازیم آمده است. مرغ بیستی در ۳۳۲ صفحه و به صورت گالینگور از سوی نشر ثالث به قیمت ۲۷۰۰۰ تومان چاپ و منتشر شده است.

## تحلیل وزن شعر عامیانه

تحلیل وزن شعر عامیانه فارسی، همراه با سینه‌نقده از شعرهای عامیانه عنوان کتاب به قلم دکتر امید طبیب‌زاده است که از سوی انتشارات بلور به بازار آمد.

این کتاب که تجدیدنظر شده رساله دکتری پژوهشگر است، با این هدف نگارش و انتشار یافته که «مبسم واقعی وزن شعر عامیانه فارسی» کشف می‌شود. نویسنده در مقدمه می‌گوید، به این نتیجه رسیده‌ام که مبسم‌ها بیش از آنکه حاصل اکتشاف باشند، حاصل اختراع‌اند. در هر حال مبسمی را در زمینه وزن شعر عامیانه پیشنهاد کرده‌ام که شاید پیش از مبسم‌های دیگر در این زمینه مبتنی بر پایه‌های واقعی باشد.

طبیب‌زاده این کتاب را در دوش بخش تنظیم و تدوین کرده و جنبه‌های گوناگون شعر عامیانه را تحلیل کرده است. این کتاب در قطع وزیری و در ۱۵۰ صفحه، به قیمت ۲۰۰۰ تومان به بازار عرضه شده است.

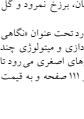
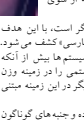
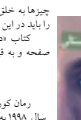
## راز اشک‌های کریستالی

«راز اشک‌های کریستالی» مجموعه ده داستان کوتاه به قلم حسن اصغری است که از سوی نشر سمرقند چاپ و منتشر شده است. نویسنده در مقدمه وروایت‌نامه‌نگاری نقد نویسنده‌گی فعال است در فاصله دو سال اخیر ششمین کتابش را روانه بازار کرده است. دو عنوان رمان و شش مجموعه داستان نشان از برکاری نویسنده می‌دهد. نقش باغ نگارستان، برزخ نمرود و گل محبوبه از جمله همین آثار است.

حمید نعمت‌اللهی در پایان کتاب نقدی بر این مجموعه دارد تحت عنوان نگامی به زمزمردازی و مینوژوئیک در داستان؛ که از منظر نام‌پردازی و مینولوژی چند داستان را کالبد شکافی می‌کند و می‌گوید، این گرایش در کارهای اصغری می‌رود تا به ویژگی زیبایی‌شناسانه و معرفی تبدیل شود. این کتاب در ۱۱۱ صفحه و به قیمت ۱۰۰۰ تومان به بازار آمده است.

## بازتاب

## روی پیشخوان



## دختران دلریز

مجموعه هفت داستان از آخرین داستان‌های داوود غفرارزادگان با نام «دختران دل‌ریز» منتشر شده است. موضوع اغلب داستان‌های غفرارزادگان سائل و مشکلات جامعه امروز و شخصیت‌های آن، انسان‌هایی هستند که هر روز در اطراف خود می‌بینیم. نویسنده سابقه دو دهه فعالیت قلمی در این عرصه دارد و آثار متنوعی طی این سال‌ها چاپ و منتشر کرده است و برخی از آنها نیز توجه منتقدان و مخاطبان داخل و خارج از کشور را جلب کرده است و جایزای نیز نصیب نویسنده کرده است. جایزه طلایی از جشنواره بیست سال داستان‌نویسی، جایزه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، جایزه جشنواره ادبیات مقاومت و جایزای ر.، از آن جمله است. دختران دل‌ریز را نشر افق در ۱۶۰ صفحه و به قیمت ۱۳۰۰۰ تومان چاپ و منتشر کرده است.

## دارم احتجاب را زنده می‌کنم

«دارم احتجاب را زنده می‌کنم» با نثر جلدی از شاملو گلشنری و یک نقاشی رنگی از چهره شازده‌ای کشانی، احتمالاً فاجاری، سرپما ذهن خواننده را به سمت رمان معروف شازده احتجاب گلشنری هدایت می‌کند. اما این کتاب مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه بزاد سلحشور است. سلحشور به عنوان شاعر و منتقد شناخته شده است و این مجموعه می‌تواند محکی دیگر برای قدرت قلم او محسوب شود. شاعری که از دم دست‌ترین رویدادها و چیزها به خلق داستان‌های بسیار کوتاه ادبی (مینی‌استوری) می‌رسد. سلحشور را باید در این داستان‌ها خواند و نظارت کرد.

کتاب «دارم احتجاب را زنده می‌کنم» از سوی نشر امتداد در ۱۰۲ صفحه و به قیمت ۸۰۰۰ تومان چاپ و منتشر شده است.

## کوری

رمان کوری ششمین‌ترین اثر ژورژ ساراماگا برنده جایزه نوبل ادبیات سال ۱۹۹۸ به چاپ دهم رسید.

رمان کوری که اثری نمادین با زبانی ساده و به شکل کلاسیک روایت می‌شود، به قلم مینو مشیری مترجم با سابقه به فارسی برگردانده شده و مجدداً جعفری ویراستاری آن را به عهده داشته است. این رمان در ایران دو ترجمه دیگر هم دارد که هر کدام به چاپ‌های متعدد رسیده اما ترجمه مشیری تا به حال چاپ، همچنان رکورددار است. ناشر این رمان نشر علم و قیمت آن ۳۶۵۰۰ تومان است.

## روش مطالعات ادبیات و نقدنویسی

کتاب «روش مطالعه ادبیات و نقدنویسی» اثر جهان یک و مارتین گوپل است که در سه بخش (شعر، نثر، نمایشنامه) تدوین و تألیف شده است. مترجم کتاب دکتر سرورالسادات جواهریان در مقدمه آورده است که «کتاب حاضر به این منظور نوشته شده تا خواننده را با خصوصیات و عادات ضروری و روشمند نقد و مطالعه آشنا کند. یعنی هم خواننده را با شیوه درست و به قاعده بیشتر آشنا کند و هم شیوه نقد و سنجش و ارزیابی آثار ادبی و بخصوص نوشتن نقد ادبی. نویسنده‌گان این کتاب که استادان رشته ادبیات انگلیسی و نقد ادبی در دانشگاه ولز، در کاردیف انگلستان هستند، گوشیده‌اند خواننده‌گان را با بسیاری از شاعران و رمان نویسان و نمایشنامه نویسان انگلیسی و نیز با بسیاری از دانشتنی‌های ضروری ادبیات و ویژگی‌های هر دوره ادبی آشنا کنند. کتاب فوق در ۲۸۶ صفحه و به قیمت ۲۳۰۰۰ تومان از سوی انتشارات مروارید به بازار آمد.



## بازتاب

## کاری بود پسن‌دیده

راویو صدای آمریکا، دو اشتباه وجود دارد و این دو اشتباه را یکی از آگاهان فرهنگی ایران (آقای) داریوش کارگر در سوند، جهان کتاب، ۸، ۸، ش.۱، خرداد ۱۳۸۲، ۱۳۸۲، در یک یادداشت مهم‌آر میز نگار دادند؛ حسن هنرمندی در نیمه شهریور ۱۳۸۱ خوددکشی کرد و نه در اوایلین هفته این ماه. نیز او در گورستان «تپه» (Thane) به خاک سپرده شد و نه در «برلاش‌ز» و در کنار صادق هدایت. پنجم اسفند ۱۳۸۲

## چهاردها و کتابها

## نصرالله فلسفی

نصرالله فلسفی سال ۱۳۸۰ در تهران متولد شد و تحصیلات خود را در مدارس آلیایی فرانسه و دارالفنون به پایان برد و پس از پایان تحصیلات دانشگاهی مدیریت محله هست و نگارفر، را برای وزارت پست و نگراف و تلفن به عهده گرفت. به دنبال آن به وزارت فرهنگ منتقل شد و مشغول تدریس در مقاطع دبیرستان و پس از چندی تدریس در دانشسرای عالی را متقبل شد. نصرالله فلسفی پس از تأسیس دانشگاه تهران، به عنوان استاد در دانشگاه ادبیات تدریس تاریخ پیش از اسلام و با همفکر گرفت. نصرالله فلسفی حدود بیست سال در فاصله سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰، اولین فرهنگي ایران در کشور، های اسپانیا و ایتالیا بود در این مدت تسلط کامل به زبان فرانسوی پیدا کرد و آثار بسیاری را به زبان فارسی ترجمه و منتشر کرد.

فلسفی از سال ۲۳ با به نقاشی شخصی بازنشسته و در ارویا سکونت گزید و مدتی به عنوان استاد میهمان در دانشگاه استراسبورگ فرانسه مشغول تدریس شد.

نصرالله فلسفی مقالات تحقیقی بسیاری در زمینه تاریخ در مجلات سخن، مهر، بخاره و رسیده و… چاپ کرده بود که در سال ۱۳۳۰ کتابی شامل مجموعه هشت مقاله تاریخی به دست چاپ، سیصد و پنجاه‌تکلی عسای کبیر، کتاب دیگری در سه جلد بود که جلد اول آن در سال ۲۲، جلد دوم در سال ۳۳ و جلد سوم در سال ۶۴ چاپ و منتشر شد.

نخستین آثار منتشرشده فلسفی در اوایل سال‌های دهه سی، ترجمه کتاب‌هایی است که در حوزه ادبیات قابل ارزیابی است. بویژه در حوزه شعر داستان، چون «میدم عشق» توسط سرورالسلطان‌داشت آن هم در حوزه شعر کلاسیک و منظومه چهارگان و قطعات و قصاید حاصل همین دوران است.

مگردشت ورتز اثر کوتاه منتخب وریکتور هوگو، داستان‌های کوتاه از نویسندگان بزرگه اشعار منتخب شاعران رمانتیک فرانسه، مجموعه داستان «هشتصد و سیزده» نوشته پلا، «سرنگ طوره» و «ندان بر اثر مورس» لیلان از دیگر کتاب‌های ترجمه شده وی در دهه سی است. فلسفی در همین دوران با همکاری احمد طبیب‌رنگ کتاب «تاریخ سلطنت قباد» ظهور برد و در اثر «تیرگرمین سن» را به فارسی ترجمه و منتشر کرده است.

«نهران قدیم» «تاریخ تمدن قدیم»، «تاریخ تمدن روم و یونان» «تاریخ انقلاب روسیه» و «فرهنگ فلسفی و نثر» از دیگر آثاری است که در کارنامه وی به ثبت رسیده است. تاریخ روابط ادویا و ایران در دوران صفوی، «تاریخ عمومی جهان در قرن‌های مقدم تا بیستم میلادی» در دو جلد، «جغرافیای مفضل، جغرافیای ممالک بزرگ دنیا» «تاریخ اروپا در قرن ۹ و ۱۰»، «تاریخ ایران پیش از اسلام» «تاریخ ایران پس از اسلام» و «نشر جهان بزرگانه» که به «داریوش» و «توسولیان» اختصاص دارد، از دیگر کتاب‌های نصرالله فلسفی است.

وی در سال ۱۳۶۰ به ایران بازگشت و در همین زمان چشم از جهان فروست و در شهر ری به خاک سپرده شد.

### صاحب امتیاز:

خانه کتاب ایران

### مدیر مسؤول: احمد مسجد جامعی

سرپریر: علی اصغر رضعانیپور

### تولید

### لیتوگرافی و چاپ: ایرانیاتیک

نشانی: خیابان قائم مقام فرهازی

اول فجر (جنب)، شماره ۹، طبقه دوم

صندوق پستی: ۱۳۷۵۰۳۱۳

تلفن: ۸۸۹۰۱۹۹، ۸۸۹۰۸۵۴

نشانی اینترنتی:

http://www.ketabehfth.com



## ابوالقاسم فرهنگ: نویسنده

آلان که نام کار بر روی یک رمان ایرانی را انتخاب می‌کند، بهترین مراحش را می‌گذراند. موضوع این رمان ژوئانی شخصیت‌ها و جویات سیاسی جامعه ایران است. یعنی ریدادهای این رمان مربوط به مسائل بعد از انقلاب است. موضوعی که در ادبیات ایران به آن پرداخته نشده بود. فکری که کم این دیگر بازنویسی نهایی این رمان خواهد بود. چون تا حال کتاب قبلی ام را ۲۸ بار بازنویسی کرده‌ام. اما این رمان ظاهراً که چهارمین بازنویسی اش رو به اتمام است. بازنویسی نهایی خواهد بود. معمولاً این طور نیست که قبل از اتمام کار را ناشی از بارها مطالعه شوم. کار که تمام و آماده شده دنبال ناشر خواهم رفته. آخرین کتاب من هم اخیراً منتشر شده که عنوان در درم خلدیه سهل سال درم هفتده به بازار آمد و ناشرش هم انتشار دورود است. این کتاب شامل شش قصه کوتاه - نه داستان‌های مینی مابستی - بود. عنوان کتاب هم، عنوان یکی از قصه‌های مجموعه است.

## روایت اول شخص

### دکتر احمد تولگی



در حال تألیف کتابی درباره تکنیک‌های نوشتن برای مطوعات با عنوان «مثل طلایی نوشتن». هفتم. جرقه نوشتن این مجموعه به حدود ۱۲ سال قبل بر می‌گردد. در این مدت به طور پراکنده پرامون آن فکر کرده و گذار و میرفتش بر داری کرده‌ام. تدریس درس «مقدّم‌تفسیر و بررسی مقاله» در سال‌های اخیر در رشته روزنامه‌نگاری و میاجات کلامی با دانشجویان، من را تشویق به تکمیل و تدوین آن کرده است. تاکنون در فرصت‌هایی که دست‌خداه است، ۷۰ درصد کار کامل شده و استوارم در نظرات تئوری بنوام آن را تمام کنم. دارا اعداد ۱ کرده‌ام. حدود ۸۰ صفحه به مجموعه قبلی افزوده شده که بخشی از آن ترجمه و بحث دیگر آن تألیف است. معقده مجموعه جدید ساختار محکم‌تر و منطقی‌تری یافته است. کتاب «گزارش نویسی» در مطوعات که مدتی است چاپ دوم آن در بازار موجود نیست، به همت انتشارات مؤسسه ایران در حال تجدید چاپ است.

تهیایا یک ناشر محترم جناب آقای یکرنگان (انتشارات خسته) برای چاپ سوم کتاب «گزارش نویسی» و مدیریت اخبار ویراست جدیدی را درخواست کرده‌اند که فیش بر داری‌های آن آماده است و اگر خداوند توفیقی عایت کند، شاید نتان...

### جاهد جهان‌شاهی: مترجم

کلی دارم از تورمان می‌لر آمریکایی، می‌تاید که می‌لر خودش یکی از چهره‌های محافظه کار چپ است. کتابی نوشته به نام «چرامی جنگیم» که کتابی نقدی دارد به حکایت فعلی آمریکاییان کتاب را نشر لکنار نو چاپ و منتشر کرده است. چرامی جنگیم در سال ۲۰۰۳ به بازار آمد. پودوم در همان سال ۲۰۰۳ ترجمه‌اش را تمام کرده‌ام. متأسفانه در امرام مختلفه مجبور و چاپ را طی یکده نظاری طول کشید، اما عرق به راهی بازار می‌شود. می‌لر در این کتاب نگاهش نقدی دارد به سیاست‌های آمریکایی‌ها در سده‌های گذشته. چیزی که آمریکایی‌ها سر نه در پی تحقق آن است. نظر می‌لر این است که آمریکایی‌ها بر بر سر جهان سطر می‌پایند

### حبیب الله تصویری: فری: پژوهشگر

من آلان جلد هفتم «سیاسی هنرمندان ایران» را از زیر چاپ دارم. با توجه به اینکه جلد هشتم «سیاسی هنرمندان ایران» را در هفته پیش توسط ناشر ندیای نو چاپ و منتشر کرده‌ام. جلد هفتم هم آماده مطالعه‌های قبلی این مجموعه خواهد بود. کتاب دیگری هم دارم که به نام «استاد اسماعیل مهران» است. ناشر این کتاب هم نشر ندیای نو خواهد بود و آن را برای تألیف کتاب بین المللی کتاب در آردیست. همه چاپ و منتشر می‌کند. استاد اسماعیل مهران یک بازیگر تئاتر ملی جامعه پاید بود. آموزش از نواندگان معروف است. تا به روز ما کارگران در کسلی مشغول هستند. مرگ شرمی، ملکه حکمت‌شاعر، به راه جامعه هنری معرفی کرد که امروز هر کدام جایگاه استادی در عرصه هنر و موسیقی پیدا کرده‌اند.

من در این کتاب بیوگرافی مهران را نوشتم و معطالی را که در آن زمان روزنامه‌ها در ارتباط با زندگی و فعالیت‌های هنری ایشان نوشته بودند، جمع آوری کردم و آن معطالی را که با موسیقی سنتی و فرهنگ جامعه ما محاطی

### شهاب الدین عباسی: مترجم

من کتابی راجع به بودا ترجمه کرده‌ام که هنوز چاپ نشده است. این کتاب در دست انتشارات فکر روز است. در این کتاب نویسنده اشاره می‌کند که امروز آمریکایی‌ها به ماتریالیسم معنوی شده است. یعنی در کنار تأمین نیازهای جسمی، به دنبال تأمین نیازهای معنوی هم هستند. حالا با چه چیزی و چه آثاری بحث دیگری است. یکی دیگر از آثاری که در دست انتشار دارم، ترجمه اثری از دکتر سید حسین نصر است



### ژئوپولیتیک شیعه

ژئوپولیتیک شیعه، اثری به قلم فراسوا ابراهیم است که با برگردان فارسی کاترین باشر از سوی نشر ویستار بر روی چاپ و منتشر خواهد شد.

### پيامبر

پيامبر، مجموعه‌ای از سوره‌های قرآن که در سال ۲۰۰۰ به قلم دکتر شاپور مشعوف از سوی نشر ای منتشر شده بود، بر روی تجدید چاپ خواهد شد. از این کتاب تاکنون نزدیک به بیست ترجمه از آن منتشر شده و آخرین ترجمه به قلم هرمز ریاحی بوده است. مترجم مشعوف در سال ۲۰۰۰ درمیرین ترجمه این اثر به حساب می‌آید.

### مشکله هویت ایرانیان امروز

مشکله هویت ایرانیان امروز نوشته فرهنگ رجبی از سوی نشر نرین بر روی راهی بازار خواهد شد. مسر تاریخی نشان می‌دهد که در دوران تولد تمدنی و فرهنگی در تاریخ ایران، ایرانیان به وجهی ابتکار آمیز مناسبات خود گردانده‌اند. کتاب «حکمر هويت پيغام» و برای مصور جهانی شده، ایرانیان را چنانچه‌ای ارزیابی می‌کند که با وجود هم‌پایه‌های ایران، این دست و ایجاد فرام و دمام می‌باید. نگار کتاب به تحلیل هر یک می‌پردازد.

### تاريخ جيوگوش

تاريخ زرده اثر چهارگوش، اثری از دیدگاهی شامسی است که پس از سال‌ها نایاب بودن از سوی نشر ماکان بر روی چاپ و منتشر می‌شود.

### پيراهن آبي

پيراهن آبي مجموعه داستان‌های کوتاه ناصید کبیری است که انتشارات نگاه در دست انتشار دارد. آخرین کتاب کبیری یک مجموعه شعر بود که پاییز اسال به بازار آمد.

### دنياي داستان و داستان نويسان

دنياي داستان و داستان نويسان اثر تحقيقي به قلم حسد رحمانی خورانی است که در ۲۲۰ صفحه تدوین شده و نشر همافز آن را بر روی راهی انتشار در می‌خواهد کرد.

### اکريل استرپ

اکريل استرپ زبان دانسته، اثری از چهره‌های گلدوین با برگردان ابراهیم یونس است که انتشارات معین در تدارک چاپ و انتشار آن است. این رمان مفهومی عاشقانه دارد و بخشی از حوادثش در زمان‌های آمریکای شکل می‌گیرد.

### شاهزاده کشام

شاهزاده کشام نام کتابی از زمینه‌پردازان است که به قلم حسین کشامی به فارسی ترجمه شده و از سوی نشر سالی چاپ و منتشر خواهد شد.

### موسيقاي شعر نو

موسيقاي شعر نو، خوانی کتابی از شاپور گروش با نگاهی دیگر به نظریه شعر نو، پرنیج است که انتشارات نفوس در دست چاپ و انتشار دارد.

### یک نوع مردن

یک نوع مردن، زمانی از ماریو مونته فوئته نوشته نویسنده آمریکایی آلان است که با ترجمه قاسم صفوی از سوی انتشارات بازتاب‌نگار در دست انتشار است.

### نونویرسم

نونویرسم، یا نقاشی فوتوریست، بیانیه تکنیکی اثری از مارتینی امیرتوچوچی است که از سوی نشر دیگر و در مجموعه هنرهای تجسمی معاصر منتشر خواهد شد. پیر این مجموعه اپلی گنستان است.

### مورالدي

مورالدي (نور و خاطره) عنوان کتابی در قلمی از مجموعه کتاب‌های هنرهای تجسمی معاصر به قلم یوسف اسحاق پور است که نشر دیگر در دست چاپ و انتشار دارد.

### مجمعاتي و رقص

مجمعاتي، یک رقص، مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه از آریاک بائیس سبگر است که با ترجمه زنده دوقی از سوی انتشارات نایب فروردی چاپ و منتشر می‌شود. این نویسنده برنده جایزه تول سال ۱۹۷۸ شده بود.

کتابخانه انتشارات فکر روز  
مجموعه  
تألیف و تدوین  
سیدمهری پند قاسمی  
تهران - خیابان انقلاب - بین خیابان فلسطین و خیابان نسیم - شماره ۱۷۸۵ - طبقه دوم - صندوق پستی ۱۹۷۱۷ - ۱۹۷۱۷  
www.fikrday.ir  
office@fikrday.org